



درآمدی

بر علوم قرآن

حسین تقی پور

سرشناسه	:	تقی‌پور، حسین، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	درآمدی بر علوم قرآن/حسین تقی‌پور.
مشخصات نشر	:	تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۲۲۴ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۲-۰۴-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۲۴-۲۱۳.
موضوع	:	قرآن -- علوم قرآنی
شناسه افزوده	:	سازمان دارالقرآن الکریم. نشر تلاوت
رده بندی کنگره	:	BP ۴۵۷/۵ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۱۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۳۸۷۹۰۲



عنوان	❖	درآمدی بر علوم قرآن
مؤلف	❖	حسین تقی‌پور
ناشر	❖	انتشارات تلاوت (وابسته به سازمان دارالقرآن الکریم)
نوبت چاپ	❖	چهارم - ۱۳۹۳
شمارگان	❖	
قیمت	❖	
شابک	❖	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۲-۰۴-۰
نشانی	❖	میدان امام حسین (علیه السلام) - خیابان خواجه نصیرالدین طوسی، شماره ۷۹
صندوق پستی	❖	۱۵۹-۱۶۱۹۵ تلفن ۷۷۶۲۶۵۳۱ --- ۷۷۶۲۶۵۰۵

فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
درس اول: کلیات	۱۵
گفتار اول: قرآن	۱۷
۱- مفهوم شناسی	۱۷
الف: مفهوم لغوی قرآن	۱۷
ب: معنی اصطلاحی قرآن	۱۸
۲- اسامی قرآن	۱۹
۳- اوصاف قرآن	۲۰
۴- اجزاء قرآن	۲۲
الف: آیه	۲۲
ب: سوره	۲۳
اولین و آخرین آیه و سوره نازل شده	۲۴
گفتار دوم: علوم قرآن	۲۶
۱- تعریف علوم قرآن	۲۶
۲- ضرورت شناخت و فوائد علوم قرآن	۲۷
۳- جایگاه علوم قرآن در تفسیر	۲۷
۴- مهم‌ترین کتب موجود در زمینه علوم قرآن	۲۸
درس دوم: نزول قرآن	۳۳
آغاز نزول قرآن	۳۵
حکمت نزول تدریجی قرآن	۳۷

درآمدی بر علوم قرآن

- ۳۷..... ۱- ایجاد دلگرمی برای پیامبر ﷺ
- ۳۸..... ۲- پاسخ به موقع به مسائل و پیشامدها
- ۳۸..... ۳- ایجاد زمینه برای فهم و عمل به قرآن
- ۳۹..... آیات و سور مکی و مدنی
- ۴۰..... ۱- معیار شناخت آیات مکی و مدنی
- ۴۱..... ۲- خصوصیات آیات و سور مکی و مدنی

درس سوم: وحیانی بودن قرآن..... ۴۵

- ۴۷..... ۱- مفهوم شناسی وحی
- ۴۷..... الف) وحی در لغت
- ۴۷..... ب) وحی در اصطلاح
- ۴۸..... ۲- کاربردهای وحی در قرآن
- ۴۸..... الف: هدایت غریزی
- ۴۹..... ب: اشاره پنهانی
- ۴۹..... ج: الهام
- ۴۹..... د: القای شیطانی
- ۵۰..... ه: وحی رسالی
- ۵۰..... ۳- کیفیت وحی بر پیامبر ﷺ
- ۵۰..... الف: وحی مستقیم (لدنی)
- ۵۱..... ب: وحی غیر مستقیم
- ۵۲..... ۴- تفاوت وحی با برخی مفاهیم مرتبط
- ۵۲..... الف: تفاوت وحی با حدیث قدسی
- ۵۲..... ب: تفاوت وحی با الهام
- ۵۳..... ج: تفاوت وحی با کشف و شهود عرفانی

درس چهارم: اعجاز قرآن «۱»..... ۵۵

- ۵۷..... ۱- مفهوم شناسی

فهرست مطالب

- ۲- ضرورت معجزه ۵۸
- ۳- تفاوت معجزه با خرق عادات مرتاضان و کرامات عرفا ۵۹
- ۴- تحدی (مبارزه طلبی) ۶۰
- مراحل تحدی ۶۰
- ۵- معارضه با آیات تحدی ۶۲

درس پنجم: اعجاز قرآن «۲» ۶۵

- الف) ابعاد اعجاز قرآن ۶۷
- ۱- اعجاز بیانی (فصاحت و بلاغت) ۶۷
- ۲- اعجاز در نظم و آهنگ قرآن ۶۹
- ۳- اعجاز عددی ۷۰
- ۴- اعجاز علمی ۷۰
- ۵- اعجاز غیبی ۷۲
- ۶- اعجاز در معارف والای قرآن ۷۳
- ۷- اعجاز در آورنده قرآن ۷۵
- ب) امتیازات قرآن بر سایر معجزات پیامبران ۷۶
- ۱- جاودانی بودن ۷۶
- ۲- عقلانی بودن ۷۶
- ۳- گویا بودن قرآن ۷۷

درس ششم: تحریف ناپذیری قرآن ۷۹

- ۱- مفهوم تحریف ۸۱
- الف: تحریف در لغت ۸۱
- ب: تحریف در اصطلاح ۸۲
- ۲- دلایل عدم تحریف قرآن کریم ۸۴
- الف: دلیل قرآنی ۸۴
- ب: دلیل روایی ۸۵

درآمدی بر علوم قرآن

- ج: دلیل عقلی ۸۷
- د: گواهی تاریخ ۸۷
- ه: مسأله اعجاز قرآن ۸۸
- ۳- بررسی دلائل قائلین تحریف ۸۸

درس هفتم: جامعیت قرآن ۹۳

- اثبات جامعیت قرآن ۹۵
- دسته اول: آیات جامعیت ۹۵
- دسته دوم: جهانی بودن قرآن ۹۷
- دسته سوم: جاودانگی قرآن ۹۹
- دیدگاه‌ها درباره جامعیت قرآن و مفهوم آن ۱۰۰

درس هشتم: جمع قرآن «۱» ۱۰۵

- ۱- مفهوم شناسی جمع ۱۰۷
- الف) مفهوم لغوی جمع ۱۰۷
- ب) مفهوم اصطلاحی جمع قرآن ۱۰۸
- جمع به معنی حفظ در ذهن ۱۰۸
- جمع به معنی گرد آوری و تألیف ۱۰۸
- ۲- نوشت افزار وحی ۱۰۹
- ۳- دیدگاه‌ها درباره اولین جمع قرآن ۱۱۰
- الف- جمع در زمان پیامبر ﷺ ۱۱۰
- ب- جمع توسط حضرت علی علیه السلام ۱۱۰
- ویژگی‌های مصحف حضرت علی علیه السلام ۱۱۱
- ج- جمع توسط ابوبکر ۱۱۱
- ۴- دلایل اثبات جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ ۱۱۲
- الف) دلایل قرآنی ۱۱۲
- ۱- آیات تحدی ۱۱۲

فهرست مطالب

۱۱۳	۲- اطلاق لفظ کتاب بر قرآن
۱۱۴	ب) دلایل روایی
۱۱۴	۱- روایات جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ
۱۱۵	۲- حدیث ثقلین
۱۱۵	۳- مصحف باقی مانده از پیامبر ﷺ
۱۱۵	۴- روایت ختم قرآن
۱۱۶	۵- روایات عرضه قرآن
۱۱۶	ج) دلیل عقلی
۱۱۶	۱- حکمت بالغه
۱۱۶	۲- عدم جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ مستلزم تحریف است
۱۲۱	درس نهم: جمع قرآن «۲»
۱۲۳	کیفیت جمع قرآن توسط ابوبکر
۱۲۴	توحید مصاحف در زمان عثمان
۱۲۵	نحوه یکی کردن مصاحف
۱۲۶	تعداد و ویژگی‌های مصحف عثمانی
۱۲۷	اعراب و اعجام قرآن
۱۳۱	درس دهم: قرائات قرآن
۱۳۴	مفهوم قرائت
۱۳۴	عوامل به وجود آمدن اختلاف قرائات
۱۳۴	۱- عاری بودن مصاحف عثمانی از نقطه و اعراب
۱۳۵	۲- خالی بودن از «الف» در وسط کلمات
۱۳۵	۳- تفاوت لهجه
۱۳۵	قرآء سبعه و راویان آنها
۱۳۷	ادله تواتر قرائات سبع
۱۳۹	قرائت مقبول و معتبر

درس یازدهم: محکم و متشابه ۱۴۱

- ۱۴۴ مفهوم شناسی محکم و متشابه
- ۱۴۵ علل و زمینه های تشابه
- ۱۴۵ الف: علل متنی قرآن
- ۱۴۶ ب: علل معرفتی
- ۱۴۷ ج: علل تاریخی
- ۱۴۷ د: علل روانی
- ۱۴۸ تأویل متشابهات
- ۱۴۹ نمونه های از آیات متشابه

درس دوازدهم: ناسخ و منسوخ ۱۵۳

- ۱۵۵ اهمیت بحث نسخ
- ۱۵۶ مفهوم نسخ
- ۱۵۶ نسخ در لغت
- ۱۵۷ نسخ در اصطلاح
- ۱۵۸ نسخ در قرآن
- ۱۵۹ شرایط و محدوده نسخ
- ۱۶۰ بررسی شبهات نسخ
- ۱۶۲ انواع نسخ
- ۱۶۲ ۱- نسخ حکم و تلاوت
- ۱۶۲ ۲- نسخ تلاوت بدون حکم
- ۱۶۲ ۳- نسخ حکم بدون تلاوت

درس سیزدهم: اسباب نزول ۱۶۵

- ۱۶۸ اهمیت بحث اسباب نزول
- ۱۶۸ انواع آیات و سور قرآنی در رابطه با اسباب النزول
- ۱۶۸ ۱- آیات و سوری که فاقد «اسباب النزول» خاص می باشند

فهرست مطالب

۱۶۹	۲- آیات و سوری که دارای اسباب النزول خاصی هستند
۱۶۹	فواید اسباب نزول
۱۶۹	۱- شناخت فلسفه احکام
۱۷۰	۲- دفع تَوهم حصر
۱۷۱	۳- شناخت رجال و شخصیت‌های صدر اسلام
۱۷۱	۴- سهولت در حفظ الفاظ و فراگیری معارف و فهم قرآن
۱۷۱	۵- فهم دقیق تر معانی آیات
۱۷۲	اعتبار احادیث اسباب نزول
۱۷۴	سبب نزول خاص و حکم عام

درس چهاردهم: مفردات در قرآن کریم ۱۷۷

۱۷۹	مفهوم علم مفردات
۱۷۹	اهمیت و فائده علم مفردات
۱۸۰	پیشینه پیدایش علم مفردات
۱۸۲	نقش علم مفردات در تفسیر و فن ترجمه
۱۸۳	فروع علم مفردات
۱۸۳	۱. غریب القرآن
۱۸۴	۲. معرب القرآن
۱۸۵	۳. لغات القرآن
۱۸۶	۴. مجاز القرآن
۱۸۷	۵. وجوه و نظائر
۱۸۸	معرفی برخی منابع کارآمد در یافتن معنای مفردات قرآنی
۱۸۸	الف) منابع عمومی
۱۸۸	۱- العین
۱۸۹	۲- تهذیب اللغة
۱۸۹	۳- معجم مقاییس اللغة
۱۸۹	۴- لسان العرب

درآمدی بر علوم قرآن

- ۵- قاموس المحيط ۱۹۰
- ب) منابع اختصاصی ۱۹۰
- ۱- معانی القرآن ۱۹۰
- ۲- المفردات فی غریب القرآن ۱۹۰
- ۳- مجمع البحرين و مطلع النیرین ۱۹۱
- ۴- قاموس قرآن ۱۹۱
- ۵- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ۱۹۱
- بررسی چند واژه قرآنی ۱۹۲
- درس پانزدهم: تفسیر و روش‌های آن ۱۹۷
- مفهوم شناسی تفسیر ۱۹۹
- پیامبر ﷺ اولین مفسر قرآن ۲۰۰
- مراحل و تنوع تفسیر ۲۰۲
- روشهای تفسیری ۲۰۳
- ۱- تفسیر قرآن به قرآن ۲۰۳
- ۲- تفسیر روایی (تفسیر مأثور) ۲۰۵
- ۳- تفسیر عقلی (تفسیر اجتهادی) ۲۰۷
- تفسیر ترتیبی و موضوعی ۲۰۹
- منابع و مأخذ ۲۱۳

مقدمه

حمد و سپاس بی‌نهایت خداوند رحمن و رحیم را که به ما هستی بخشید و بهترین و برترین خلقش را برای هدایت ما مبعوث گردانید و قرآنش را مایه فلاح و رستگاری قرار داد.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^۱

با بعثت پیامبر اسلام ﷺ و انزال قرآن کریم تمامی آنچه را که انسان‌ها در امور هدایتی بدان نیاز داشتند از عالم غیب و ملکوت بر عالم ناسوت و زمینیان نازل گردیده تا بشریت با پیروی از دستورات قرآن کریم و فهم و درک معارف و حقایق والای آن به سعادت و تکامل برسند. از همین روی خداوند متعال از انسان‌ها خواسته تا در قرآن بیاندیشند و در آن تفکر و تدبر نمایند و آنانی که از این مسیر سرباز زده و در قرآن تفکر نمی‌نمایند مورد توبیخ و

بازخواست خدای متعال قرار گرفته‌اند ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^۲

از جمله مقدماتی که علماء و اندیشمندان اسلامی برای درک و فهم آیات کلام الله مجید ضروری دانستند، آشنایی با علوم قرآن و مباحث مطروحه در آن است. بر همین اساس بسیاری از علما به طور ویژه و تخصصی به مباحث علوم قرآن پرداختند و کتب زیادی را در این راستا تدوین و آثار ارزشمندی را از خویش بر جای نهادند. در دهه‌های اخیر نیز کتب مختلفی در حوزه علوم قرآن به طور تخصصی به نگارش در آمده است که جمعی از علاقه‌مندان در محیط‌های علمی و دانشگاهی مشغول فراگیری آن هستند. اما منابع موجود از آن جهت که به صورت تخصصی به مباحث پرداخته‌اند آن گونه که انتظار می‌رود برای

۱. یونس، ۵۷.

۲. محمد، ۲۴.

درآمدی بر علوم قرآن

عموم جامعه و یا قرآن‌آموزانی که قصد آشنایی اجمالی با مسائل این علم را دارند، نمی‌تواند به طور کامل مفید واقع شود. بنابراین برای آشنایی و درک علوم قرآن برای عموم علاقه‌مندان، ضرورت دارد مباحث علمی و تخصصی آن تا حد امکان به صورت ساده و مختصر و در عین حال متقن و گویا بیان شود.

کتاب پیش‌رو به آموزش یک دوره علوم قرآن پرداخته است اما در عین حال سعی شده از نقل اقوال گوناگون مخصوصاً در مسائل مهم و چالش بر انگیز که دیدگاه‌های مختلفی درباره آن وجود دارد، اجتناب شود. در اکثر مباحث، نظریات گوناگون جمع‌بندی و نظر واحد و نهایی مطرح و برگزیده شده است. علاوه بر اینکه اکثر مباحث به صورت اختصار بیان شده اما سعی شده است استدلال‌ها و ادله هر بحث به صورت کامل ذکر گردد.

این کتاب به صورت آموزشی در ۱۵ درس با محوریت موضوعاتی همچون وحی، نزول قرآن، اعجاز قرآن، جامعیت قرآن، محکم و متشابه، نسخ و منسوخ، اسباب نزول و... تألیف شده است. در ابتدای هر فصل اهداف آموزشی آن مشخص گردیده و سپس در انتهای آن، چکیده بحث و پرسش و پاسخ مطرح شده تا متعلمین به بهترین شکل ممکن به اهداف آموزشی در نظر گرفته شده دست یابند.

امید است رحمت رحیمیه حضرت حق تعالی و لطف حبیب و خاندان پاک و مطهرش شامل حالمان گردد و مجموعه پیش رو مقدمه و زمینه‌ای برای فهم و درک بیشتر خطاب محمدی قرار گیرد تا ما نیز در زمره ی غواصان دریای بیکران معارف قرآن قرار گیریم.

درس اول

کلیات

اهداف آموزشی درس

آشنایی با واژه قرآن در لغت و اصطلاح

شناخت اسامی و اوصاف و اجزاء قرآن

تعریف علوم قرآن و فواید آن

آشنایی با منابع علوم قرآن

گفتار اول: قرآن

۱- مفهوم شناسی

الف: مفهوم لغوی قرآن

درباره اشتقاق و تلفظ و مفهوم لغوی قرآن در بین صاحب نظران آراء و افکار گوناگونی وجود دارد:

۱- «قرآن» اسمی جامد و غیر مشتق: برخی معتقدند این واژه از هیچ مبدئی

مشتق نشده بلکه ابتداءً برای کلام الهی وضع گردیده و در زبان عرب نیز کاربرد و سابقه استفاده نداشته است. از میان دانشمندان، شافعی این قول را اختیار نموده و بر این عقیده بوده است که واژه «قرآن» از ریشه دیگری گرفته نشده است، زیرا اگر مشتق از (قَرَأَ) می بود، آن وقت هر چیز خواندنی، قرآن نام می گرفت.^۱ سیوطی از دانشمندان دینی برجسته اهل سنت پس از ذکر آراء مختلف در این باره به پیروی از نظر شافعی بر آمده است.^۲

۲- «قرآن» اسمی مشتق و مهموز: برخی دانشمندان، قرآن را مشتق از ریشه «قَرَأَ»

به معنی «جمع و گردآوری» گرفته اند.^۳ علت این تسمیه آن است که این کتاب، ثمره و نتیجه ی همه ی کتاب های آسمانی انبیا پیشین را در خود جمع کرده است و بلکه جمیع همه ی علوم می باشد.^۴

۱. تاج العروس، ج ۱، ص ۳۷۱؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۶۹؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.

۲. الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۱، ص ۶۵؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۱۲۸؛ کتاب العین، ج ۵، ص ۲۰۵.

۴. المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۶۹.

درآمدی بر علوم قرآن

برخی نیز قرآن را اسمی مشتق و مهموز از «قَرَأَ» به معنی «قرائت و پیرو هم آوردن و خواندن» آورده‌اند. چون قاری هنگام تلاوت قرآن، حروف و کلمات آن را به دنبال هم می‌آورد، به همین جهت آن را قرآن نامیدند. بنابراین در این وجه، قرآن از باب تسمیه مفعول به مصدر «مقروء» به معنی «تلاوت شده» می‌باشد^۱ که علامه طباطبایی این قول را برگزیده است.^۲

۳- «قرآن» اسمی مشتق و غیر مهموز: گروهی از لغت‌شناسان واژه «قرآن» را مشتق از «قَرَنَ» به معنای ضمیمه کردن دو چیز به یکدیگر دانسته و در نتیجه مجموعه سوره‌ها و آیه‌ها و حرف‌ها را - از آن جهت که پیوسته و مقرون به یکدیگرند - «قرآن» خوانده‌اند.^۳

بعضی از علما واژه قرآن را مشتق از «قرائن» جمع «قرینه» دانسته و از آن جهت آن را «قرآن» خوانده است که آیاتش قرینه و همانند یکدیگر است و قسمتی قسمت دیگر را تصدیق می‌کند. آن‌گاه در توجیه نظر خود به آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۴ «آیا در (معانی) قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.» استشهاد کرده‌اند.^۵

ب: معنی اصطلاحی قرآن

واژه‌ی «قرآن» معروف‌ترین نام کتاب آسمانی مسلمان‌ها است که خدای تعالی این نام را برای کتاب خویش در اولین سوره‌های نازل شده بر پیامبرش برگزیده است:

۱. المحيط فی اللغة، ج ۱، ص ۴۹۶.

۲. المیزان، ج ۲، ص ۱۵.

۳. مفاتیح الغیب، ج ۵، ص ۲۵۳؛ الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۴؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۴.

۴. نساء، ۸۲.

۵. مباحث فی علوم القرآن، مناع القطان، ج ۱، ص ۱۶؛ مباحث فی علوم القرآن، صبحی الصالح، ص ۱۸.

درس اول: کلیات

«يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۱ «ای جامه به خویشتن فروپيچیده * به پا خیز شب را مگر اندکی * نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه * یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان.»

این کتاب آسمانی شامل دستورات و حقایقی در قالب آیات و سور می‌باشد که خداوند متعال آن را توسط فرشته وحی بر پیامبرش نازل فرموده و پیامبر خدا نیز بدون هیچ دخل و تصرفی، پیام وحی را به انسان‌ها ابلاغ کرده است.

۲- اسامی قرآن

صاحب‌نظران و اندیشمندان قرآنی در خصوص اسامی و نام‌های قرآن، که در خود قرآن نیز به آن اشاره شده است، از چهار اسم نام برده‌اند:

الف- قرآن:^۲ «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۳ «هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شرّ شیطان مطرود، به خدا پناه بر!»

ب- کتاب: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۴ «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.»

چون در کتاب حروف و کلمات کنار هم گرد آمده‌اند، آن را کتاب گفته‌اند و قرآن را به این جهت کتاب نامیدند که انواع آیات و قصص و احکام در آن جمع شده است.^۵

ج- ذکر: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۶ «بی‌تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.»

۱. مزمل، ۱-۴.

۲. این واژه در قرآن ۴۸ بار به صورت «القرآن» و ۶ بار به صورت «قرآن» و ۱۰ بار به صورت «قرآناً» و ۲ بار به صورت «قرآنه» آمده است.

۳. نحل، ۹۸.

۴. بقره، ۱.

۵. التفسیر المنیر فی العقيدة والشریعة والمنهج، ج ۱، ص ۱۴؛ تاریخ قرآن کریم، حجتی، ص ۲۵.

۶. حجر، ۹.

درآمدی بر علوم قرآن

تعبیر قرآن به «ذکر»، یا از آن جهت است که این کتاب یادآوری به بندگان نسبت به فرائض و احکام خدا است^۱ یا شرف و افتخاری برای کسی است که بدان ایمان آورد و آن را تصدیق کند.^۲

د- فرقان: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»^۳ «بزرگ (و خجسته) است کسی که بر بنده خود، فرقان (جدا کننده حق و باطل) را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.»

با توجه به این که قرآن با دلیل‌های محکمش حق را از باطل جدا می‌کند و نیز پیروانش را از مشقات و سختی‌ها نجات می‌دهد، فرقان نامیده شده است.^۴

در میان اسامی چهارگانه فوق که برای قرآن گفته شده، سه واژه‌ی کتاب، ذکر و فرقان بین کتاب آسمانی مسلمان‌ها و سایر صحف آسمانی مشترک است^۵ و تنها عنوان «قرآن» به صورت اسم خاص برای معجزه جاویدان آخرین فرستاده الهی و خاتم رسولان آمده است.

هرچند که برخی از مفسران و عالمان و اندیشمندان قرآنی، برای قرآن بیش از ۵۰ اسم را نام برده‌اند، اما به نظر می‌رسد بسیاری از عناوینی که بزرگان این علم در شمار اسم‌های قرآن آورده‌اند، بیشتر صفت‌های قرآن باشد نه اسامی آن.^۶

۳- اوصاف قرآن

قرآن در بیان خود به توصیف خویش می‌پردازد و ویژگی‌ها و اوصافش را ذکر می‌کند. در این بخش به برخی از این اوصاف اشاره می‌کنیم:

۱- کریم: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ»^۷ «که آن، قرآن کریمی است.»

۱. مجمع البیان، مقدمه، ج ۱، ص ۴۱؛ قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۷.

۲. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۱۰؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۹.

۳. فرقان، ۱.

۴. کتاب العین، ج ۵، ص ۱۴۸؛ مجمع البیان، مقدمه، ج ۱، ص ۴۱؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۳۴.

۵. رک: احقاف، ۱۲؛ انبیاء، ۴۸ و ۱۰۵؛ بقره، ۵۳.

۶. رک: روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۱۴؛ الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۵؛ تفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۲۴۷.

۷. واقعه، ۷۷.

درس اول: کلیات

- ۲- مجید: ﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ﴾^۱ «آری، آن قرآنی ارجمند است.»
- ۳- حدیث: ﴿اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ﴾^۲ «خداوند زیباترین سخن را نازل کرد.»
- ۴- نور: ﴿أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾^۳ «ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم.»
- ۵- حکیم: ﴿يَسْ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ﴾^۴ «یس* سوگند به قرآن حکمت‌آموز.»
- ۶- فصل: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ﴾^۵ «در حقیقت، قرآن گفتاری قاطع و روشن‌گر است.»
- ۷- عظیم: ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^۶ «و به راستی، به تو سبع المثنائی (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ را عطا کردیم.»
- ۸- عزیز: ﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾^۷ «براستی آن کتابی شکست‌ناپذیر است.»
- ۹- مبین: ﴿الر تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ﴾^۸ «الر، این آیات کتاب، و قرآن روشن‌گر است.»
- ۱۰- مبارک: ﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ﴾^۹ «و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم.»
- ۱۱- بشیر و نذیر: ﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ ءَايَاتُهُ... *بَشِيرًا وَ نَذِيرًا...﴾^{۱۰} «کتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده ... قرآنی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است.»



۱. بروج، ۲۱.
۲. زمر، ۲۳.
۳. نساء، ۱۷۴.
۴. یس، ۱ و ۲.
۵. طارق، ۱۳.
۶. حجر، ۸۷.
۷. فصلت، ۴۱.
۸. حجر، ۱.
۹. انبیاء، ۵۰؛ ص، ۲۹.
۱۰. فصلت، ۳ و ۴.

درآمدی بر علوم قرآن

۱۲- غیر ذی عوج: «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عَوْجٍ»^۱ «قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه نادرستی.»

۱۳- نعمت: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^۲ «و اما نعمت پروردگارت (قرآن) را بازگو کن.»

۱۴- بصائر: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ»^۳ «دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد.»

۱۵- تبیان: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»^۴ «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.»

۴- اجزاء قرآن

الف: آیه

«آیه» در لغت به معنی علامت و نشانه واضح و روشن است که اصل آن مشتق از «یأیی» یعنی درنگ کردن و استوار ماندن بر چیزی و یا از «تأی» به معنی مدارا کردن گرفته شده است.^۵ این کلمه دارای معانی گوناگونی است که در قرآن به چند وجه آمده است:

۱- علامت و نشانه: «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ ءَايَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ اِلَّا رَمَزًا»^۶ «گفت: پروردگارا، برای من نشانه‌ای قرار ده.» فرمود: «نشانه‌ات این است که سه روز با مردم، جز به اشاره سخن نگویی.»

۲- معجزه: «وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ ءَايَةٍ اِلَّا هِيَ اَكْبَرُ مِنْ اُخْتِهَا»^۷ «ما هیچ آیه (معجزه‌ای) به آنان نشان نمی‌دادیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود.»

۱. زمر، ۲۸.

۲. ضحی، ۱۱.

۳. انعام، ۱۰۴.

۴. نحل، ۸۹.

۵. المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۰۱؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۶۱؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۹.

۶. آل عمران، ۴۱.

۷. زخرف، ۴۸.

درس اول: کلیات

۳- دلیل و برهان: «وَءَايَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ»^۱ «دلیل (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانمان را در کشتی‌هایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم.»

۴- عبرت: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ ءَايَةً»^۲ «ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می‌دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی.»

۵- قطعه‌ای از سوره: «وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمُ ءَايَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»^۳ «و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید.»

معنی اصطلاحی آیه: آیه عبارت از بخشی از حروف و یا کلمات و یا جمله‌هایی از قرآن است که حدود آن توسط پیامبر ﷺ مشخص شده است.

ب: سوره

سوره در لغت به معانی مختلفی آمده است، از قبیل: نیم خورده و باقی‌مانده چیزی (سُور)،^۴ حصار و دیوار شهر (سُور)^۵ دستواره و دستبند (سوار)،^۶ مقام و منزلت رفیع (سور).^۷ مفسران و اندیشمندان قرآنی برای هر یک از وجوه لغوی فوق وجه تناسبی با معنی اصطلاحی سوره بیان کرده‌اند. مثلاً ذکر شده است چون سوره قطعه و بخشی از قرآن است آن را سوره گفته‌اند و یا اینکه هر سوره، آیاتی را به صورت دستواره‌ای احاطه کرده و آنها را گرد هم و به صورت واحدی در آورده و از آنها محافظت می‌کند.^۸

۱. یس، ۴۱.

۲. یونس، ۹۲.

۳. انفال، ۲.

۴. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲۲.

۵. کتاب العین، ج ۷، ص ۲۸۹.

۶. المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۳۳.

۷. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۸۷.

۸. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۳۸.

درآمدی بر علوم قرآن

درباره معنی اصطلاحی سوره گفته شده که سوره بخشی از قرآن است که میان دو «بسمله» قرار گرفته،^۱ ابتدا و انتهای آن توسط پیامبر مشخص شده و امری توقیفی است.

اولین و آخرین آیه و سوره نازل شده

اولین آیه نازل شده

اتفاق مفسران و محققان علوم قرآن بر آن است که ۵ آیه اول سوره مبارکه علق که هنگام بعثت بر پیامبر ﷺ نازل شده است، اولین آیات نازل شده بر حضرت بوده است که روایتی از امام رضا علیه السلام این نظر را تأیید می‌کند.^۲ هر چند که برخی سوره حمد و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نیز جزو اولین آیات نازل شده بر پیامبر ﷺ به حساب آورده‌اند.^۳ قابل ذکر است که سوره حمد اولین سوره کامل نازل شده بر پیامبر ﷺ می‌باشد، نه اولین آیات نازله بر ایشان.^۴ «بسمله» نیز آیه‌ای است که همراه و آغاز هر سوره‌ای نازل شده است.

آخرین آیه نازل شده

درباره آخرین آیه نازل شده دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد^۵ هرچند قول ارجح در این باره به نظر می‌رسد آیه سوم سوره مبارکه مائده باشد.^۶ «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» «امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم.»

یعقوبی از مورخان مشهور می‌گوید: «این آیه، آخرین آیه بوده که نزولش در غدیر خم هنگام نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به امامت و جانشینی پیامبر ﷺ رخ داده است.»^۷ این آیه

۱. بجز سوره توبه که بدون بسم الله شروع شده است.

۲. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۵۳.

۳. الإِتْقَان، ج ۱، ص ۷۴-۷۷.

۴. علوم قرآنی، معرفت، ص ۶۵.

۵. رک: مناهل العرفان، ج ۱، صص ۹۷-۱۰۰.

۶. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۷۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۳.

درس اول: کلیات

در واقع اعلامی برای به کمال رسیدن دین و اندازی برای به پایان رسیدن وحی بوده است. به بیان دیگر معنا ندارد که خداوند متعال اکمال و اتمام دین را اعلام کند اما بعد از آن باز هم آیاتی را نازل کند.^۱

اولین سوره

درباره اولین سوره نازل شده نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی سوره قلم و برخی سوره علق و برخی دیگر سوره حمد و برخی سوره مدثر را نخستین سوره نازل شده معرفی کرده‌اند.^۲ اما به نظر می‌رسد سوره حمد اولین سوره کامل نازل شده باشد. زیرا بر اساس نقل‌های صحیح تاریخی و سیره، پیامبر ﷺ از همان آغاز بعثت نماز اقامه می‌فرمودند و حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام به همراه حضرت نماز می‌خواندند و در روایات نیز وارد شده است که «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^۳ «نمازی نیست مگر به قرائت سوره حمد.»

آخرین سوره

در حدیثی منسوب به امام صادق علیه السلام آمده است که «أَوَّلُ مَا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ وَآخِرُهُ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ»^۴ ابن عباس گفته است: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» آخرین سوره‌ای بوده است که تماماً نازل شده است. نقل شده است وقتی که سوره «نصر» نازل شد، پیامبر ﷺ آن را برای اصحاب قرائت فرمودند؛ آنگاه همه شادمان شدند، عباس عموی پیامبر ﷺ گریست؛ وقتی سبب گریه را پرسیدند، پاسخ داد: گمان می‌کنم این سوره اعلام رحلت پیامبر باشد.^۵

هر چند که درباره آخرین سوره نازل شده نظراتی مطرح گردیده است، اما از اتقان لازم جهت بحث و بررسی برخوردار نیستند.

۱. هرچند که برخی از علمای علوم قرآن و مفسران این قول را نپذیرفته و آیه ۲۸۱ سوره بقره را آخرین آیه نازل شده بر پیامبر ﷺ معرفی کرده‌اند. (وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ)
۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۸۰؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۷۸؛ جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۶۲.
۳. عوالی اللالی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۵۸.
۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۹.
۵. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۸، ص ۴۸۲.

گفتار دوم: علوم قرآن

۱- تعریف علوم قرآن

برای ورود به هر علم ضرورت دارد آن علم تعریف و هدف و قلمرو آن مشخص گردد تا اینکه هدف از آموزش و مقصود و مقصد آن تبیین گردد.

درباره تعریف دانش علوم قرآن، اندیشمندان قرآنی تعاریفی را ارائه داده‌اند که برای روشن شدن این موضوع به اهمّ این تعاریف اشاره می‌کنیم:

زرقانی در تعریف علوم قرآن می‌گوید: «هر علمی را که در خدمت قرآن بوده یا مستند به آن باشد در بر می‌گیرد. بنابراین علوم قرآن علم تفسیر، علم قرائات، علم رسم الخط قرآن، علم اعجاز قرآن، علم اسباب نزول، علم اعراب قرآن، علم غریب القرآن، علوم دین، لغت و غیر اینها را شامل می‌شود.»^۱ سیوطی مفهوم علوم قرآن را از این امر فراتر برده و حتی علم هیأت، هندسه، طب و مانند اینها را نیز جز علوم قرآن برشمرده است و قرآن را مشتمل بر آنها دانسته است.^۲

برخی از پژوهشگران انواع علمی را که علوم قرآن شامل آنها می‌شود سه دسته کرده‌اند: ۱- علمی که به صورت مستقیم در خدمت قرآن است و مفسر را برای رسیدن به معارف قرآن کمک می‌کنند ۲- علمی که قرآن را موضوع بحث قرار داده و درباره آن بحث می‌کند ۳- علمی که از قرآن استنباط می‌شود.^۳

به طور کلی علوم قرآن دارای دو مفهوم عام و خاص است. در مفهوم عام، تمام علمی را که به گونه‌ای با قرآن مرتبطند پوشش می‌دهد و در مفهوم خاص، تنها شامل علمی است که از قرآن استخراج می‌شوند. علوم قرآن در اصطلاح، دانش خاصی است که موضوع آن قرآن می‌باشد و آنچه را که درباره این کتاب الهی مطرح است بررسی می‌کند. در نتیجه

۱. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۳.

۲. الإیقان، ج ۲، ص ۳۳۸.

۳. علوم القرآن الکریم، عتر، ص ۷.

درس اول: کلیات

برای مباحث دانش علوم قرآن نمی‌توان گستره ثابتی را تعیین کرد؛ زیرا در گذر زمان سؤال‌های نو درباره قرآن رخ می‌نماید.^۱

۲- ضرورت شناخت و فوائد علوم قرآن

ممکن است به ذهن متبادر شود که مهم‌ترین مسأله در مورد قرآن، شناخت مفاهیم و معارف والای قرآن و یا به عبارت دیگر فهمیدن محتوای کلام هدایت بخش الهی است و پرداختن به علوم قرآن ضرورتی ندارد. هر چند مقصد نهایی و هدف اعلی پیرامون قرآن، شناخت معارف والای آن است، اما بدون بررسی مسائل علوم قرآن، حداقل در برخی زمینه‌ها، تفسیر قرآن و دستیابی به آموزه‌های آن بر پایه‌ای استوار، بنا نخواهد بود. پرداختن به علوم قرآن فوائدی از قبیل: اثبات وحیانی بودن قرآن، اثبات اصالت نص قرآن و عدم تحریف آن، شناخت قرآن و توانایی دفاع از ساحت قرآن را دربر دارد که ضرورت پرداختن به این دانش را تبیین می‌کند.

۳- جایگاه علوم قرآن در تفسیر

قابل ذکر است که اصطلاح امروزی علوم قرآن با آنچه در سده‌های نخستین مصطلح بود، متفاوت است. علوم قرآن در گذشته بر مباحث تفسیری قرآن نیز اطلاق می‌شد و تفسیر، علمی از علوم قرآن بوده است. علوم قرآن عموماً نگاهی از بیرون به قرآن دارد، نه از درون. برخلاف علم تفسیر که مستقیماً به محتوا و آیات قرآن می‌پردازد و نگاهی درونی دارد. علوم قرآنی مقدمه‌ای برای تفسیر و معارف قرآنی است. بیشتر مباحث علوم قرآن مقدمه و پیش‌نیاز فهم قرآن است و بدون شناخت آنها، فهم قرآن به عنوان کتابی آسمانی ممکن است دشوار باشد؛ همانند مبحث اعجاز قرآن که بدون فهم آن، آسمانی بودن و الهی بودن قرآن بر ما روشن نخواهد شد و فهم کامل قرآن حاصل نخواهد گشت.

برخی از مباحث علوم قرآن در شمار مبانی تفسیر می‌باشد و از این جهت، در فهم قرآن نقش‌آفرینی می‌کند. برای دستیابی به معنا و محتوای یک متن، مسائل و موضوعاتی وجود

۱. قرآن شناخت، علی اوسط باقری، ش ۱، ص ۳۷.

درآمدی بر علوم قرآن

دارد که باید قبل از وارد شدن در فهم متن، آنها را بررسی و در قبالشان اتخاذ موضع کنیم. پیش‌نیازی مباحث علوم قرآن برای تفسیر قرآن، به قدری روشن است که برخی از مؤلفان کتب علوم قرآن تصریح کرده‌اند که کتابشان را به عنوان مقدمه تفسیر نوشته‌اند. برای نمونه کتاب البیان فی تفسیر القرآن تألیف آیت الله خویی، مقدمه تفسیری است که ایشان آن را آغاز کرده و بخشی از سوره حمد را در ادامه تفسیر کرده‌اند.

در بیانات امامان معصوم علیهم‌السلام لزوم شناخت برخی مباحث علوم قرآن برای تفسیر صحیح قرآن، مورد تأکید قرار گرفته است. ابوعبدالرحمن السلمي روایت کرده است که امام علی علیه‌السلام به یکی از قضات برخورد کرد و از وی پرسید: آیا ناسخ را از منسوخ می‌شناسی؟ وی گفت: خیر؛ حضرت علی علیه‌السلام به وی فرمود: خود و دیگران را به هلاکت انداخته‌ای، هر حرفی از قرآن دارای وجوهی است.^۱

بنابراین تفسیر صحیح قرآن و در مواردی امکان اصل تفسیر قرآن، بر نتایج مباحث علوم قرآن مترتب است. از همین روی برخی از دانشمندان، علوم قرآن را کلیدی برای تفسیر دانسته‌اند.^۲

۴- مهم‌ترین کتب موجود در زمینه علوم قرآن

- ۱- البرهان فی علوم القرآن، ابو عبد الله زرکشی
- ۲- الإیتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی
- ۳- مناهل العرفان فی علوم القرآن، محمد عبد العظیم زرقانی
- ۴- مباحث فی علوم القرآن، دکتر صبحی صالح
- ۵- تاریخ القرآن، ابو عبد الله زنجانی
- ۶- البیان فی تفسیر القرآن، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی
- ۷- حقائق هامه حول القرآن الکریم، سید جعفر مرتضی عاملی

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲.

۲. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۳۱.

درس اول: کلیات

۸- التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت

همچنین برخی مفسران و دانشمندان علوم قرآنی در بخش‌هایی از تفاسیر و کتب خویش نیز متعرض این بحث گردیده‌اند که حائز اهمیت می‌باشند.

۱- مقدمه تفسیر آلا الرحمن - علامه بلاغی

۲- مقدمه تفسیر التبیان - شیخ طوسی

۳- مقدمه تفسیر مجمع البیان - شیخ طبرسی

۴- مقدمه تفسیر روض الجنان و روح البیان - شیخ ابوالفتوح رازی

- ۱- درباره مفهوم لغوی قرآن سه قول مطرح است: الف) از هیچ مبدیی مشتق نشده ب) از ریشه «قَرَأَ» یا به معنی «جمع و گرد آوری» و یا به معنی «قرائت و پیرو هم آوردن» ج) از ریشه «قَرَنَ» به معنای ضمیمه کردن دو چیز به یکدیگر.
- ۲- اسامی دیگر قرآن عبارتند از: کتاب، ذکر، فرقان.
- ۳- برای قرآن اوصافی ذکر شده است که صفت‌های مجید، کریم، حکیم، حدیث، نور، فصل، تبیان، مبین و مبارک، ... از مشهورترین آنها هستند.
- ۴- سوره بخشی از قرآن است که میان دو «بسمله» قرار گرفته است و آیه عبارت از بخشی از حروف و یا کلمات و یا جمله‌هایی از قرآن است که حدود هر یک از آنها صرفاً توسط پیامبر ﷺ مشخص شده است.
- ۵- اولین سوره کامل نازل شده بر پیامبر سوره حمد و اولین آیات نازل شده، پنج آیه اول سوره علق. آخرین سوره نازل شده سوره نصر و آخرین آیه، بنا به قولی، آیه اکمال می‌باشد.
- ۶- در تعریف علوم قرآن گفته شده است: در مفهوم عام، تمام علوم را که به گونه‌ای با قرآن مرتبط هستند و در مفهوم خاص، تنها شامل علوم است که از قرآن استخراج می‌شوند.
- ۷- پرداختن به علوم قرآن فوایدی از قبیل: اثبات وحیانی بودن قرآن، اثبات اصالت نص قرآن، شناخت قرآن و توانایی دفاع از ساحت قرآن را در بر دارد که ضرورت پرداختن به این دانش را تبیین می‌کند.
- ۸- تفسیر صحیح قرآن و در مواردی امکان اصل تفسیر قرآن، بر نتایج مباحث علوم قرآن مترتب است. از همین روی برخی از دانشمندان علوم قرآن آن را کلیدی برای تفسیر دانسته‌اند.
- ۹- البرهان فی علوم القرآن، الاتقان فی علوم القرآن، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مباحث فی علوم القرآن، البیان فی تفسیر القرآن، التمهید فی علوم القرآن از جمله مهمترین کتب در زمینه علوم قرآن می‌باشد.

درس اول: کلیات

پرسش و پاسخ

- ۱- نظرات مطرح شده در مورد مفهوم لغوی قرآن را بیان کنید.
- ۲- وجه تسمیه قرآن به کتاب، ذکر و فرقان چیست؟
- ۳- آیه در قرآن به چه معانی آمده است؟
- ۴- مفهوم لغوی سوره را توضیح دهید.
- ۵- اولین و آخرین آیه نازل شده بر پیامبر با استدلالات موجود را شرح دهید.
- ۶- علوم قرآن را تعریف و ضرورت آن را بیان نمایید.
- ۷- تفاوت علوم قرآن و تفسیر را بیان کنید.

درس دوم

نزول قرآن

اهداف آموزشی درس

بررسی اجمالی نزول قرآن

آشنایی با دیدگاه علامه طباطبایی درباره نزول دفعی و جمع آن با نزول تدریجی قرآن

شناخت حکمت نزول تدریجی قرآن

گذری بر معیارهای شناخت و خصوصیات سوره های مکی و مدنی

آغاز نزول قرآن

قرآن کلام خدا و مجموعه‌ای از آیات و سوره‌هایی می‌باشد که در مناسبت‌ها و پیشامدهای گوناگون به تدریج در طول ۲۳ سال بر قلب حضرت محمد ﷺ نازل شده است و تا آخرین سال حیات پیامبر ﷺ ادامه داشته است.

خداوند متعال در کلام الله مجید به نزول قرآن اشاره کرده است و در این خصوص آیاتی را نازل کرده است:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۱ «ماه رمضان (همان ماه) است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است.»

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۲ «ما (قرآن را) در شب قدر نازل کردیم.»

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ»^۳ «ما آن (قرآن) را در شبی فرخنده نازل کردیم.»

با توجه به آیات ذکر شده مشخص می‌شود که قرآن در ماه مبارک رمضان و در شب قدر نازل شده است.

اما در تاریخ ذکر شده است هنگامی که پیامبر اسلام در غار حراء مشغول تهجد و عبادت بوده‌اند در سن ۴۰ سالگی در ۲۷ رجب، فرشته وحی نازل می‌شود و به حضرت بشارت نبوت را می‌دهد و ۵ آیه اول سوره مبارکه علق را به عنوان اولین آیات بر حضرت نازل می‌کند. این واقعه مورد اتفاق اکثر مورخان و سیره نویسان می‌باشد.^۴

۱. بقره، ۱۸۵.

۲. قدر، ۱.

۳. دخان، ۳.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۴۹؛ الکامل، ج ۲، ص ۴۸.

درآمدی بر علوم قرآن

حال این سؤال مطرح است که چگونه آغاز نزول قرآن بر اساس نص قرآن، شب قدر و بر اساس نقل‌ها و روایات صحیح و معتبر تاریخی، در روز بعثت پیامبر ﷺ بوده است؟ در پاسخ به این سؤال در بین علما و اندیشمندان آراء و نظریات مختلفی مطرح است^۱ که معروف‌ترین و دقیق‌ترین نظریه این است که قرآن دو نوع نزول داشته است: نزول دفعی و نزول تدریجی.

نزول تدریجی به این معنی است که قرآن کریم در دوره‌ی پیامبری رسول خدا ﷺ به تدریج و در زمان‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون در طی ۲۳ سال نازل شده است. این نزول از امور مسلم است، چرا که خود قرآن به آن تصریح کرده است:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا»^۲ «و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است؟» این گونه (ما آن را به تدریج نازل کردیم) تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی (بر تو) خواندیم.»

بر این اساس، آغاز نزول تدریجی قرآن از ۲۷ رجب به همراه نزول ۵ آیه اول سوره علق بوده است. اما نوع دیگر نزول قرآن برخلاف نزول تدریجی، نزول دفعی بوده است. اگر چه نزول تدریجی قرآن از زمان بعثت پیامبر ﷺ آغاز شده، اما قرآن قبل از آن در شب قدر به صورت یک‌جا و دفعی بر قلب مقدس پیامبر ﷺ نازل شده است.

علامه طباطبایی با استفاده از آیات قرآن^۳ در مورد نزول دفعی قرآن می‌گوید: «قرآن دارای حقیقتی فوق فهم عادی و دور از دسترس بشر در کتاب مبین و لوح محفوظ قرار دارد که بدون لفظ عربی و بدور از تفصیل و اجزا است که این مرتبه عالی در شب قدر یک‌بار و دفعته بر قلب مقدس پیامبر ﷺ نازل شده است و سپس آن حقیقت در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده است.»^۴

۱. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۰۰.

۲. فرقان، ۳۲.

۳. زخرف، ۴-۱؛ بروج، ۲۱؛ هود، ۱۱.

۴. المیزان، ج ۲، صص ۱۸-۱۶.

درس دوم: نزول قرآن

این مسأله در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز وارد شده است که برای نمونه حفص بن غیاث می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۱ سؤال کردم که چگونه قرآن در ماه رمضان یک‌جا نازل شده، در حالی که در طول بیست سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گشته است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: قرآن به طور یک‌جا در ماه رمضان بر بیت المعمور (قلب پیامبر صلی الله علیه و آله) نازل شده و سپس در طول بیست سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گشته است.^۲

۳۷

حکمت نزول تدریجی قرآن

همانطور که بیان شد قرآن کریم بر خلاف سایر صحف آسمانی دو نزول داشته است: یک نزول دفعی بر قلب مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و یک نزول تدریجی. در خصوص نزول تدریجی فوائد و حکمت‌هایی بیان شده است که در ادامه به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱- ایجاد دلگرمی برای پیامبر صلی الله علیه و آله

کفار از روی لجajt و کینه ورزی به پیامبر صلی الله علیه و آله خرده می‌گرفتند که چرا قرآن مثل تورات و انجیل یک‌باره نازل نشده است؟ خداوند متعال در پاسخ کفار، فلسفه نزول تدریجی قرآن را ایجاد دلگرمی و آرامش و اطمینان بر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواند.^۳

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا»^۴ «و کافران گفتند: «چرا قرآن یک‌جا بر او نازل نمی‌شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را به وسیله آن محکم داریم و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم.»

نزول تدریجی قرآن در سختی‌ها و کوران حوادث و تنگناها، بهترین دلگرمی و پشتوانه برای پیامبر صلی الله علیه و آله بود و قلب مبارک آن حضرت را قوت می‌بخشید. در آیات زیادی از قرآن ملاحظه می‌کنیم که خداوند متعال در خطاب به پیامبرش او را به صبر و استقامت دعوت می‌کند و از او می‌خواهد که نگران سخنان کافران نباشد:

۱. بقره، ۱۸۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸؛ أمالی للصدوق، ح ۵، ص ۱۱۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۵۰.

۳. المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۰.

۴. فرقان، ۳۲.

درآمدی بر علوم قرآن

﴿وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^۱ «سخن آنان تو را محزون نسازد. عزت به تمامی از آن خداوند است.»

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ...﴾^۲ «پس بر آنچه می‌گویند شکیبا باش.»

البته همین قوت قلب و استحکام بخشیدن برای مسلمان‌ها نیز وجود داشته و نزول پیوسته و تدریجی آیات برای آنان نیز آرام‌بخش بوده است.

۲- پاسخ به موقع به مسائل و پیشامدها

بسیاری از آیات قرآن کریم در پاسخ پرسش‌های مردم یا به دنبال وقوع حوادثی نازل شده است. به عنوان مثال در قرآن از روح، ذو القرنین، ماه‌های حرام، خمر و میسر، انفاق، خوردنی‌های حلال و یتیمان سؤال شده است.^۳ همچنین آیات مربوط به ظهار، افک و تخلف از جنگ، پس از وقوع حادثه ای برای روشن کردن حکم آن نازل شده‌اند. روشن است که سؤالات و پیشامدها به تدریج و به مرور زمان به وجود می‌آیند و نزول آیاتی درباره آنها نیز مستلزم تدریج در نزول قرآن است.^۴ این نوع از نزول به طور قطع تأثیر بسزایی در مخاطبان قرآن می‌گذارد.^۵

۳- ایجاد زمینه برای فهم و عمل به قرآن

نزول تدریجی قرآن که فرائض و معارف متعالی دین اسلام را به همراه خود می‌آورد، این امکان را به افراد می‌داد تا آرام آرام با دستورات و معارف الهی آشنا شوند و توانایی فهم و انجام آن را داشته باشند.

۱. یونس، ۶۵.

۲. طه، ۱۳۰.

۳. رک: اسرا، ۸۵؛ ابراهیم، ۵؛ کهف، ۸۳، انفال، ۱؛ بقره، ۲۲۰، ۲۱۷، ۲۱۵.

۴. رک: هود، ۲۴؛ مجادله، ۳.

۵. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۵۸.

درس دوم: نزول قرآن

﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾^۱ «و قرآنی (با عظمت را) بخش بخش (بر تو) نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.»

اما اگر قرآن به صورت جمعی و یکباره بر مردم نازل می‌شد و احکام و قوانین آن دفعه‌ای ابلاغ می‌گشت، جامعه آن زمان توانایی انجام همه قوانین و ضوابط قرآنی را نداشت که این موضوع در اوایل نزول قرآن و تبلیغ اسلام در زمان بعثت و سپس در زمان هجرت، نمود بیشتری داشت. زیرا مردم آن روزگار از جنبه فرهنگی در سطح بسیار نازلی قرار داشتند و با آداب و رسوم کهن و ریشه‌داری می‌زیستند که ترک همه‌ی آنها و روی آوردن به دستورات اسلامی برای آنان تقریباً امری غیر ممکن و محال بود. از این روی است که برخی احکام جاهلی مانند تحریم شرب خمر و آزادی بردگان و ... در قرآن کریم آرام آرام و در چند مرحله صورت پذیرفت.^۲ این شیوه بهترین و کاملترین شکل تعلیم و تربیت است؛ در عین حال که به تدریج جامعه را از آداب و رسوم غلط و جاهلانه عاری می‌سازد، در همان حال احکام و دستورات خود را نازل می‌کند تا مردم آهسته، اما پیوسته زندگی فردی و اجتماعی خویش را با آن هماهنگ کنند تا در نهایت به کمال دنیوی و اخروی خویش برسند.

آیات و سورمکی و مدنی

همانطور که گفته شد نزول قرآن کریم در فراز و نشیب‌های گوناگون و گذر از شرایط سخت و دشوار در طول ۲۳ سال از آغاز بعثت در مکه شروع و سپس در مدینه ادامه یافت تا اینکه سرانجام در راه برگشت پیامبر ﷺ از حجة الوداع، در منطقه غدیر خم بنا به قولی با نزول آیه اکمال (آیه سه سوره مائده) خاتمه یافت و پیامبر ﷺ با نصب حضرت علی علیه السلام به عنوان جانشین خود و خلیفه مسلمین، دین را به کمال و بلوغ و اتمام رسانید. اگر چه هر یک از این فراز و نشیب‌های موجود در بستر وحی قرآنی، در شکل‌گیری دین مبین اسلام

۱. اسراء، ۱۰۶.

۲. رک: جلاء الاذهان، ج ۱، صص ۲۷۴-۲۷۳؛ المیزان، ج ۱۳، ص ۲۲۱؛ روض الجنان و روح الجنان، ج ۲، صص ۴۴-۴۲.

درآمدی بر علوم قرآن

جایگاه معینی دارد، اما مکه و مدینه به عنوان دو جایگاه مهم در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند.

دانشمندان علوم قرآنی از گذشته به صورت مستقل یا در ضمن مجموعه‌هایی، از مکی و مدنی بودن آیات و سور قرآن سخن گفته‌اند و در این موضوع به مباحثی همچون: معیار، فوائد شناخت و خصوصیات آیات و سور مکی و مدنی پرداخته‌اند.

۱- معیار شناخت آیات مکی و مدنی

سؤال مهمی که در این بحث مطرح می‌شود این است که چه معیاری باعث تفکیک وحی قرآن به مکی و مدنی شده است؟ طبق روایات ترتیب نزول ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی است. به طور کلی در این تقسیم‌بندی سه ملاک و معیار وجود دارد:

الف. معیار مکان: بر اساس معیار مکان، آیات مکی به آیاتی از قرآن گفته می‌شود که در مکه، اعم از شهر مکه و نواحی اطراف آن چون منی، عرفات و حدیبیه، نازل شده باشد و آیات مدنی به آیاتی گفته می‌شود که در مدینه و نواحی اطرافش نظیر بدر، أُحُد و سَلْع (نام کوهی در مدینه) نازل شده باشد.^۱ طبق این تعریف، آیاتی که در مکان‌های دیگری مانند جحفه، تبوک و بیت‌المقدس نازل شده است، در هیچ یک از دو دسته‌ی مکی یا مدنی قرار نمی‌گیرد.

ب. معیار زمان: بیشتر مفسرین معتقدند که معیار مکی یا مدنی بودن آیات، هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه است. در این معیار، هجرت پیامبر اکرم ﷺ ملاک قرار گرفته است. از این رو هر آیه و سوره‌ای که قبل از هجرت و یا در اثنای هجرت، قبل از رسیدن به مدینه نازل شده باشد، مکی و آنچه پس از هجرت نازل گردیده هر چند که در مکه باشد، مدنی است.^۲ که این نظر در بین علمای علوم قرآن صحیح‌تر و دقیق‌تر است.

۱. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۷؛ الاتقان، ج ۱، ص ۳۴.

۲. مباحث فی علوم القرآن، صبحی صالح، ص ۱۶۷.

درس دوم: نزول قرآن

ج. معیار خطاب: در معیار سوم ملاک عبارت از اشخاص است، یعنی آیاتی که مخاطب آن اهل مکه هستند و در آن خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» آمده آیات مکی نامیده می‌شود و آیات مدنی، عبارت از آیات و سوری هستند که مخاطب آنها اهل مدینه می‌باشد و خطاب به صورت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» می‌باشد.^۱

۲- خصوصیات آیات و سور مکی و مدنی

هر چند که دعوت پیامبر ﷺ در مکه و مدینه دارای تقریباً دو مرحله متفاوت بود و هر یک از این دو مکان مقتضیات خاص خود را داشت که متناسب با آن شرایط آیات نازل می‌شد، اما یافتن شاخصه‌ها و معیارهایی که به طور قطع به تمایز بین آیات و سور مکی و مدنی دلالت داشته باشد، کمی دشوار به نظر می‌رسد. برخی مفسران و عالمان علوم قرآنی خصوصیات را برای شناخت سور مکی و مدنی ذکر کرده‌اند. هر چند که هر یک از آنها به تنهایی نمی‌تواند ملاک جامع و مانعی باشد، بلکه روی هم رفته تا حدودی می‌تواند تعیین کننده باشد. به طور کلی تفاوت‌های آیات و سور مکی و مدنی را می‌توان در دو بعد ساختار و محتوا خلاصه کرد.

الف: ابعاد ساختاری و اسلوبی

آیات مکی غالباً دارای اسلوبی کوتاه، با سوره‌ها و آیات کوچک، متجانس و موزون می‌باشند. اما در آیات مدنی اکثر سوره‌ها و آیات بلند می‌باشند.

ب: ابعاد محتوایی

از نظر محتوایی، مدار دعوت اسلامی در مکه، بیشتر حول محور ایمان به خدای یکتا و روز قیامت و تصویر بهشت و دوزخ است. تمسک به اخلاق پسندیده، کثرت قصص انبیا و امت‌های پیشین، مجادله با مشرکان، حمله شدید به شرک و بت پرستی، آشکار ساختن زشتی تقلید و نادرستی عادات سنتی آنها از قبیل نفرت از دختر، مباح شمردن ناموس،

۱. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۹۳.

درآمدی بر علوم قرآن

خوردن مال یتیم و آدم‌کشی از دیگر محورهایی است که وحی مکی به آنها پرداخته است. همچنین از ویژگی‌های دیگر وحی مکی، کثرت قسم به خداوند، روز قیامت، قرآن و دیگر مخلوقات و کثرت کاربرد «يَا أَيُّهَا النَّاسُ»، شدت لحن، کوبندگی و پرحرارتی در آیات می‌باشد.^۱ اما محور سور مدنی از نظر محتوایی، به تشریع احکام و حدود و فرائض می‌پردازد و اجتماع جدید را بنا می‌نهد و در این مسیر از کلامی نرم و آرام، همراه با بیان تفصیلی و مناسب بهره می‌گیرد. سوره‌ها و آیات مدنی به طور تفصیلی به ادله و براهین دینی و روایرویی با اهل کتاب و منافقان می‌پردازد و در آن لفظ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا» کثرت دارد.^۲

۱. مباحث فی علوم القرآن، مناع القطان، ج ۱، ص ۶۲.

۲. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۱.

درس دوم: نزول قرآن

چکیده

- ۱- قرآن کریم دو نوع نزول دارد: الف- نزول دفعی ب- نزول تدریجی. قرآن کریم در شب قدر به طور دفعی بر قلب پیامبر ﷺ نازل شده، سپس در ۲۷ رجب با ۵ آیه از اول سوره علق آغاز شد و در مدت ۲۳ سال بخش بخش در مناسبت‌های مختلف نازل شده است.
- ۲- حکمت نزول تدریجی قرآن؛ ایجاد دلگرمی برای پیامبر ﷺ، پاسخ به موقع به مسائل و پیشامدها، ایجاد زمینه برای فهم و عمل به قرآن است.
- ۳- برای شناخت آیات مکی و مدنی سه ملاک و معیار وجود دارد: الف- معیار مکان ب- معیار زمان ج- معیار خطاب
- ۴- به طور کلی آیات مکی و مدنی در ابعاد ساختاری و محتوایی با هم تفاوت دارند.

پرسش و پاسخ

- ۱- نزول قرآن بر چند نوع است؟ توضیح دهید.
- ۲- نحوه دلالت نزول تدریجی قرآن در ایجاد دلگرمی برای پیامبر ﷺ چگونه است؟
- ۳- معیار مکان و زمان و خطاب را در تشخیص آیات مکی و مدنی را توضیح دهید.
- ۴- ویژگی‌های کلی آیات مکی و مدنی چیست؟

درس سوم

وحيانی بودن قرآن

اهداف آموزشی درس

آشنایی با گستره کاربرد وحی در قرآن

مشخص شدن کیفیت وحی بر پیامبر ﷺ

بررسی تفاوت وحی با حدیث قدسی، الهام و کشف و شهود عرفانی

بارزترین و اصلی‌ترین ویژگی قرآن مجید جنبه وحیانی بودن آن است، بدین معنی که تمامی آیات و سور قرآنی از سوی خداوند متعال نازل شده است و بشر هیچ گونه دخل و تصرفی در ایجاد آن نداشته است. بحث درباره وحی از این روی حائز اهمیت است که پایه شناخت کلام خدا به شمار می‌رود. قرآن با عنوان «کلام الهی» آنگاه قابل قبول است که مسأله «وحی» روشن و پذیرفته شود. برای تبیین بیشتر این موضوع که از بنیادی‌ترین مباحث علوم قرآن می‌باشد، ضرورت دارد اندکی بیشتر به ابعاد مختلف این پدیده و مباحث مطروحه در آن بپردازیم.

۱- مفهوم شناسی وحی

الف) وحی در لغت

عالم علم لغت برای واژه «وحی» کاربردهای گوناگونی بر شمرده‌اند؛ مانند نوشتن، اشاره، پیام، الهام و کلام مخفی. برخی از لغت‌شناسان می‌گویند: ریشه اصلی وحی بر القای پنهانی دانش و غیر آن دلالت می‌کند و همه استعمال‌های واژه وحی به این معنی باز می‌گردد.^۱ برخی نیز اصل وحی را به معنی اشاره سریع دانسته‌اند.^۲

ب) وحی در اصطلاح

در اصطلاح اسلامی وقتی وحی را به خدا نسبت می‌دهند، مقصود وحی بر پیامبران است. در تعریف اصطلاحی وحی می‌توان گفت: وحی شعور و درک ویژه‌ای در باطن پیامبران است

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۷۰.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۵۸.

درآمدی بر علوم قرآن

که یک سلسله حقائق و معارف برای راهنمایی مردم از طریق غیبی، از جانب خداوند به پیامبرش القاء می‌شود.^۱

اقسام وحی نبوی الهی در قرآن کریم به سه صورت منحصر شده است: ۱- گفتار مستقیم بدون هیچ واسطه ۲- گفتار از پس پرده حجاب ۳- ارسال وحی به وسیله ملک الهی.^۲

«وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ»^۳ «و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز (از راه) وحی یا از فراسوی حجابی، یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری، اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار.»

۲- کاربردهای وحی در قرآن

وحی در قرآن کریم فراتر از معنی اصطلاحی، یعنی وحی نبوی به کار رفته است. واژه «وحی» و مشتقاتش به صورت اسم و فعل، ۷۲ بار در قرآن آمده است. گاهی این وحی از طرف خدا است و گاهی از طرف شیطان. گاهی وحی بر پیامبر خدا است و گاهی هم بر انسان‌های عادی یا زنبور عسل و یا آسمان و زمین است. در تمام این موارد به نحوی انتقال پنهانی صورت گرفته است که به ریشه اصلی و لغوی آن بر می‌گردد.^۴ موارد کاربرد وحی در قرآن به لحاظ معنایی از این قرارند:

الف: هدایت‌گریزی

رهنمودهای طبیعی که در تمام موجودها برای بقا و تداوم حیات آنها از سوی خداوند متعال در وجودشان نهاده شده است، با نام وحی در قرآن یاد شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر رک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۱؛ وحی شناسی، ص ۳۹.

۲. المیزان، ج ۱۸، صص ۷۴-۷۳.

۳. شوری، ۵۱.

۴. المیزان، ج ۲، ص ۳۱۹؛ قاموس قرآن، ج ۷، ص ۱۸۹.

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ﴾^۱ «و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین!»

ب: اشاره پنهانی

در قرآن واژه وحی در مورد حضرت یحیی علیه السلام به معنای اشاره پنهانی به کار رفته است.
﴿فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾^۲ «پس، از محراب بر قوم خویش درآمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب به نیایش پردازید.»

ج: الهام

در قرآن کریم واژه «وحی» به معنای «الهام» (القای مطلب در قلب) نیز به کاربرده شده است. برای مثال درباره الهام به مادر حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:
﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقَيْهِ فِي الْيَمِّ﴾^۳ «و به مادر موسی وحی کردیم که: «او را شیر ده، و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز.»

د: القای شیطانی

در قرآن کریم گاهی از وحی به معنای القای امری شیطانی نام برده شده است.
﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾^۴ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان‌های انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب (یکدیگر)، سخنان آراسته القا می‌کنند.»

۱. نحل ۶۸.

۲. مریم، ۱۱.

۳. قصص، ۷.

۴. انعام، ۱۱۲.

درآمدی بر علوم قرآن

وسوسه شیطان و القای سخن او بر انسان را از آن جهت «وحی» می‌گویند که این کار به صورت پنهانی صورت می‌گیرد. شیطان‌های بشری می‌کوشند تا دیگران به گمراه کردن آنان پی نبرند و شیطان‌های جنی بدون آشکار شدن و استفاده از الفاظ، آنچه می‌خواهند به دیگران انتقال می‌دهند.^۱

ه: وحی رسالی

وحی بدین معنا شاخصه نبوت است و در قرآن به انبیا نسبت داده شده است:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ»^۲ «ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم.»

۳- کیفیت وحی بر پیامبر ﷺ

وحی بر پیامبر ﷺ به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم نازل می‌شد که هر دو راه مطمئن و بدون نفوذ شیطان و عاری از نسیان می‌باشد. در ادامه بحث به طور مختصر به توضیح و شرح آنها می‌پردازیم.

الف: وحی مستقیم (الدنی)

وحی مستقیم وحی‌ای است که پیامبر ﷺ بدون هیچ واسطه‌ای حتی جبرئیل با خداوند متعال ارتباط برقرار می‌کند.

«وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ»^۳ «و حقا تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می‌داری.»

در روایتی زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که به حضرت عرض کردم: «جُعِلَتْ فِدَاكَ الْعَشِيَّةُ الَّتِي كَانَتْ تُصِيبُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِذَا نَزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ قَالَ فَقَالَ ذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ

۱. وحی شناسی، ص ۲۹.

۲. یوسف، ۳.

۳. نمل، ۶.

أَحَدُ ذَلِكَ إِذَا تَجَلَّى اللَّهُ^۱ «فدایت شوم، مدهوشی که هنگام نزول وحی بر رسول خدا عارض می‌گشت برای چه بود؟ حضرت فرمودند: این زمانی بود که میان او و خداوند احدی واسطه نبود. این هنگامی بود که خدا با عظمت و جلال خود بر او تجلی می‌نمود.»
وحی مستقیم بر آن حضرت آن قدر سنگین بوده که در برخی از روایات «بُرْحاء وحی»
یعنی شدت تب وحی، تعبیر شده است.^۲

ب: وحی غیر مستقیم

دومین قسم وحی بر پیامبر اکرم ﷺ وحی به واسطه جبرئیل بوده است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ»^۳ «و راستی که این (قرآن) وحی پروردگار جهانیان است. «روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد. تا از (جمله) هشداردهندگان باشی.»

از روایات درباره وحی غیر مستقیم چنین استنباط می‌شود که در این مرحله امر بر پیامبر ﷺ دشوار نبوده است و گاه جبرئیل به صورت بشری خوش سیما مانند دحیه کلبی بر پیامبر ﷺ متمثل می‌شد.^۴ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «كَانَ جَبْرَائِيلُ إِذَا أَتَى النَّبِيَّ ﷺ قَعَدَ بَيْنَ يَدَيْهِ قَعْدَةَ الْعَبْدِ وَكَانَ لَا يَدْخُلُ حَتَّى يَسْتَأْذِنَهُ»^۵ «جبرائیل هنگامی که به حضور پیامبر می‌رسید، مانند بندگان می‌نشست و بدون اجازه وارد نمی‌شد.»

آیات قرآن یا به طور مستقیم بر پیامبر وحی شده و یا جبرئیل امین واسطه وحی بوده است و نوع سوم یعنی وحی از وراء حجاب در مورد قرآن وجود نداشته است. البته مطالبی

۱. بحار الانوار ج ۱۸، ص ۲۵۶.

۲. المناقب ج ۱، ص ۴۴؛ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۱۱.

۳. شعراء، ۱۹۴-۱۹۲.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۵۸۷؛ إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۳۷.

۵. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۵۶؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۷؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۸۵.

درآمدی بر علوم قرآن

بر پیامبر ﷺ در عالم خواب از جانب خدا القاء می‌شده ولی هیچ آیه‌ای از قرآن در خواب بر پیامبر ﷺ نازل نشده است.

۴- تفاوت وحی با برخی مفاهیم مرتبط

الف: تفاوت وحی با حدیث قدسی

افزون بر وحی که به صورت قرآن تبلور یافته است، از پیامبر اسلام ﷺ پیام الهی دیگری نیز به نام حدیث قدسی به ما رسیده است که گاهی این نوع حدیث از جانب جبرئیل به پیامبر ﷺ القاء می‌شده است. بنابراین ضرورت دارد فرق بین حدیث قدسی با وحی اصطلاحی که منجر به نزول قرآن شده است، مشخص گردد:

۱- قرآن معجزه است و درباره آن تحدی شده و بشر از آوردن همانند آن عاجزند، ولی درباره حدیث قدسی تحدی نشده است.

۲- در وحی قرآنی علاوه بر مفاهیم حتی الفاظ نیز از جانب خداست و پیامبر ﷺ حق هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن را ندارد؛ اما در حدیث قدسی مفاهیم از جانب خداست و الفاظ از سوی پیامبر ﷺ می‌باشد و حضرت می‌تواند در آن دخل و تصرف کند.

۳- منکر قرآن بر خلاف منکر حدیث قدسی کافر شمرده می‌شود.

۴- در نماز حتماً باید قرآن خوانده شود و نمی‌توان حدیث قدسی خواند.

۵- مس قرآن بدون وضو مجاز نمی‌باشد.^۱

ب: تفاوت وحی با الهام

در روایات وارد شده است که به امامان علیهم‌السلام الهام می‌شد آن هم بدین نحو که حقایقی بر قلبشان نازل می‌گردید. حتی روایتی داریم که پیامبر ﷺ به حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «تو می‌شنوی آن چه را که می‌شنوم و می‌بینی آن چه را که می‌بینم جز آن که تو پیامبر

۱. علم الحدیث و درایه الحدیث، صص ۱۴-۱۳. برای مطالعه بیشتر به کتاب الاحادیث قدسیه محمد الصباغ و الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه شیخ حر عاملی رجوع کنید.

درس سوم: وحیانی بودن قرآن

نیستی و لیکن تو وزیری و تو بر خیر هستی.^۱ حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) در خطبه قاصعه فرمودند: «تور وحی و رسالت را می بینم و بوی نبوت را می شنوم.»^۲ همچنین در نقلها و روایتها آمده است که بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه بسیار غمگین و ناراحت بودند. از همین روی جبرئیل بر ایشان نازل می شدند و وقایع و اسرار را برای ایشان مکشوف نمود و حضرت علی (علیه السلام) آنها را در مصحفی به نام مصحف فاطمه (علیه السلام) جمع نمودند.^۳ اکنون سؤال اینگونه مطرح می شود که چه تفاوتی بین نزول جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نزول جبرئیل بر حضرت فاطمه زهرا (علیه السلام) و الهام بر ائمه اطهار (علیهم السلام) وجود دارد؟

علامه حسن زاده آملی از علمای معاصر شیعه در پاسخ این سؤال می گوید: وحی به دو گونه تشریعی و انبایی است. وحی تشریعی صرفاً به انبیا نازل می شد و به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ختم گردید. پس حلال آن حضرت تا روز قیامت حلال و حرام وی تا روز قیامت حرام است. اما وحی انبایی بر ائمه اطهار (علیهم السلام) نازل می شد که در آن معارف و حقائق از عالم غیب و ملکوت بر جانشان الهام می گشت و این معارف غیبی، غیر از قرآن است.^۴

ج: تفاوت وحی با کشف و شهود عرفانی

عرفا نیز گاهی مواقع در سیر و سلوک و ریاضت خود با عالم غیب ارتباط برقرار می کنند و از این طریق به معارفی به صورت علم غیبی نائل می شوند، اما این موضوع با وحی تشریعی پیامبران دارای تفاوت هایی است:

- ۱- وحی همواره به دوراز خطا است ولی در مشهودات عرفانی خطا و اشتباه روی می دهد.
- ۲- وحی قرآنی حقیقت دین و برنامه هدایت برای بشریت است، ولی مشاهدات عرفا امری شخصی است.
- ۳- رسیدن به مقام عرفانی اکتسابی بوده و با ریاضت حاصل می شود ولی مقام نبوت و دریافت وحی، منصبی الهی است که فقط از سوی خداوند متعال تعیین می گردد.^۵

۱. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۶۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۶۵؛ عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۲۲.

۲. نهج البلاغة، ص ۳۰۰؛ المناقب، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۵۴۶.

۴. ممد الهمم، ص ۶۷۷.

۵. رک: دین شناسی، صص ۲۴۹-۲۴۸.

- ۱- از بارزترین ویژگی قرآن وحیانی بودن آن است.
- ۲- اصل وحی به معنی اشاره سریع و مخفیانه است. در اصطلاح، شعور و درک ویژه ای در باطن پیامبران است که از طریق غیب یک سلسله حقائق و معارف از جانب خداوند برای ابلاغ و راهنمایی مردم به پیامبرش القاء می‌شود.
- ۳- واژه وحی در قرآن برای هدایت غریزی، اشاره پنهانی، الهام، القای شیطان و در نهایت در مورد پیامبران به کار رفته است.
- ۴- حدیث قدسی حدیثی است که از سوی خداوند بر پیامبر ﷺ القاء می‌شود و با وحی اصطلاحی متفاوت است.
- ۵- وحی اصطلاحی با الهام و کشف و شهود عرفا تفاوت‌های بسیاری دارد.

پرسش و پاسخ

- ۱- معنای اصطلاحی وحی را بیان کنید.
- ۲- وجه تسمیه وحی به القای شیطانی چیست؟
- ۳- نحوه وحی بر پیامبران را با ذکر آیه مربوطه توضیح دهید.
- ۴- مقصود از وحی لدنی چیست؟ روایتی در این زمینه نقل کنید.
- ۵- تفاوت وحی با حدیث قدسی را ذکر نمایید.
- ۶- چه تفاوتی بین وحی تشریعی و انبائی وجود دارد؟

درس چهارم

اعجاز قرآن «۱»

اهداف آموزشی درس

آشنایی با مفهوم معجزه

ضرورت ارائه معجزه از سوی پیامبران

بیان تفاوت معجزه با خرق عادات مرتاضان و کرامات عرفا

بررسی مفهوم تحدی و مراحل آن در قرآن

اعجاز از مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن کریم می‌باشد. پیامبر اسلام ﷺ افزون بر داشتن معجزاتی شبیه آنچه پیامبران پیشین برخوردار بودند از معجزه قرآن کریم نیز برخوردار بوده که اصلی‌ترین معجزه آن حضرت به شمار می‌آید. به علت اهمیت بحث اعجاز قرآن، مفسران و اندیشمندان و عالمان دینی همواره به این بحث به طور خاصی اهتمام داشتند و ابعاد و جنبه‌های گوناگون این مسأله را مورد بحث و بررسی قرار دادند. قبل از وارد شدن به بحث به مفهوم شناسی اعجاز می‌پردازیم.

۱- مفهوم شناسی

اعجاز مصدر باب افعال از ریشه (ع-ج-ز) به معنی ناتوان ساختن یا ناتوان یافتن کسی یا چیزی به کار رفته است^۱ که در قرآن به معنی ناتوان ساختن آمده است. ﴿وَمَا آتَاكُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾^۲

معجزه در اصطلاح امری خارق العاده از سوی فرد مدعی منصبی از مناصب الهی است که دیگران از انجام آن ناتوان باشند، ضمن این که آن کار گواهی بر درستی ادعای او نیز باشد.^۳ بنابر آنچه گفته شد می‌توان بر این امر تأکید کرد که در اعجاز شرایط ذیل ضرورت دارد:

الف) معجزه همراه با تحدی و مبارزه‌طلبی است.

ب) معجزه کاری است که دیگران بدون کمک خداوند، از انجام آن ناتوانند؛ بدین سبب، قابل تعلیم و تعلم نیست برخلاف سحر و جادو و هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم و... که از علوم غریبه و اکتسابی هستند.

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۴۷؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۳۶۹؛ کتاب العین، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. انعام، ۱۳۴.

۳. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۵.

ج) معجزه باید به واسطه‌ی مدعی رسالت انجام شود و علامت صدق گفته او باشد؛ بنابراین، امور طبیعی که بشر از انجام آنها ناتوان است، مانند حرکت خورشید، ماه و ...، معجزه‌ی کسی به حساب نمی‌آید.^۱

۲- ضرورت معجزه

بحث اعجاز از آن جهت ضرورت دارد که دلیلی بر صدق ادعای حقانیت هر پیامبر و مدعی رسالت الهی است. خواجه نصیرالدین طوسی بر این امر تأکید دارد و می‌گوید: راه اطمینان بر راستی هر پیامبری، ارائه معجزه به واسطه‌ی آنها بوده است.^۲

به طور کلی پیامبران در بدو دعوت خویش، رسالت خود را با معجزه قرین و همراه ساختند زیرا که دعوت پیامبران عین حق است و ندای توحید و عدالت و حق طلبی با فطرت و عقل سلیم انسان‌ها سازگار است.

﴿فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۳ «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده.»
در جای جای قرآن تصریح شده است که صاحب‌نظران خرد و اندیشه، بی‌درنگ دعوت حق را می‌پذیرند و به ندای حق لبیک می‌گویند:

﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ﴾^۴ «و هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت و در نتیجه به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد.»

اما کسانی که به خاطر ارتکاب جرم و جنایت بی‌شمار و طغیانگری در زمین، دل‌هایشان همانند سنگ سخت و محکم گردیده و حق‌ستیز گشته‌اند، در برابر دعوت انبیای الهی صفا‌آرایی کرده و حق را بر نمی‌تافتند. از این روی هنگامی که پیامبران با انکار منکران

۱. همان، ص ۳۶.

۲. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۷۵.

۳. روم، ۳۰.

۴. حج، ۵۴.

درس چهارم: اعجاز قرآن»۱«

مواجه می‌شدند برای اثبات ادعای خود دست به معجزه می‌زدند تا کفار و ملحدان با دیدن امر غیر عادی و خارق العاده که بشر زمینی قادر به انجام آن نمی‌باشد، در برابر پیامبران سر تعظیم فرو بیاورند. بر این اساس می‌توان گفت معجزه بیشتر یک ضرورت دفاعی است تا یک ضرورت تبلیغی و ترویجی.^۱

۳- تفاوت معجزه با خرق عادات مرتاضان و کرامات عرفا

در ادامه باید به این سؤال پاسخ داد که چه تفاوتی میان معجزه با کارهای غیر عادی و خرق عادت که برخی انسان‌ها مثل مرتاضان و اولیاء الله انجام می‌دهند وجود دارد؟

الف) در خصوص اعجاز و خرق عادات پیامبران باید گفت که انبیاء الهی بدون نیاز به تعلیم و تعلم، هر زمانی که اراده کنند می‌توانند به اذن الهی معجزه را انجام دهند. اما خرق عادت مرتاضان و کرامات عارفان، پس از تعلیم و تعلم و تکرار و تمرین بسیار محقق می‌گردد و احتمال خطا و اشتباه نیز در آن بسیار است. همچنین آنان قادر به انجام هر کاری مثل آوردن قرآن و یا شق القمر و یا زنده کردن مردگان نمی‌باشند.^۲

ب) پیامبران برای ادعای منصب الهی خود (نبوت)، معجزه می‌آورند و برای اینکه نشان دهند هیچ بشری نمی‌تواند همانند کارهای آنان را انجام دهند، دست به همانندآوری (تحدی) زده‌اند. اما در خرق عادت عرفا و مرتاضان، دیگران نیز می‌توانند همانند آنان انجام دهند چون این امور قابل تعلیم است هر چند که علت کار آنان برای اکثریت مردم پوشیده باشد و بر همین اساس دست به تحدی زده‌اند.^۳

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰۳؛ البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱، صص ۱۶۷-۱۶۶.

۲. کوثر، ج ۳، ص ۲۹۹.

۳. المیزان، ج ۱، ص ۸۳؛ المنقذ من الضلال، ج ۱، ص ۴۱۶.

۴- تحدی (مبارزه طلبی)

کفار دعوت پیامبر ﷺ را نپذیرفته بودند و ادعا نموده بودند که قرآن قول خدا و وحیانی نیست، بلکه ساخته پیامبر ﷺ و چیزی جز افسانه پیشینیان نیست و خود آنان نیز قادر به آفرینش چنین متنی هستند.

«وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَا اِنْ هَٰذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ»^۱ «و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می‌شود، می‌گویند: «شنیدیم (چیز مهمی نیست) ما هم اگر بخواهیم مثل آن را می‌گوییم اینها همان افسانه‌های پیشینیان است!»

خداوند متعال در مقابله با آنها می‌گوید اگر شما بر ادعای خود صادق هستید که قرآن امری بشری است شما نیز همانند این قرآن بیاورید. «فَلْيَاْتُوا بِحَدِیْثٍ مِّثْلِهِ»^۲ «اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند!» اعراب در زمان نزول قرآن بسیار فصیح و بلیغ و سخندان بودند و در چنین فضا و افرادی، همانندآوری خواسته شده بود. هر چند که قرآن در آیات دیگری از همه‌ی مخالفان و در همه‌ی دوران‌ها می‌خواهد که اگر در درستی و الهی بودن آن تردید دارند و آن را نشانه صدق و راستی پیامبر ﷺ نمی‌دانند، با تمام توان و به کمک یکدیگر، همانند آن را بیاورند.^۳

- مراحل تحدی

قرآن کریم در چند مرحله تحدی و هم‌آورد خواستن خود را بیان کرده است.

مرحله اول: به طور مطلق می‌خواهد مثل قرآن بیاورند:

۱. انفال، ۳۱.

۲. طور، ۳۴.

۳. اسراء، ۸۸.

درس چهارم: اعجاز قرآن»۱«

﴿أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ * فَلْيَاغُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾^۱ «یا می‌گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته»، ولی آنان ایمان ندارند. اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند!»

مرحله دوم: در مرحله بعد خداوند متعال ده سوره را مطرح نموده است.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۲ «آنها می‌گویند: «او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)!» بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید و تمام کسانی را که می‌توانید- غیر از خدا- (برای این کار) دعوت کنید!»

مرحله سوم: آنگاه برای اینکه نشان دهد کافران از اتیان قرآن عاجزند، پیشنهاد کرد یک سوره همانند قرآن بیاورد.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۳ «آیا آنها می‌گویند: «او قرآن را بدروغ به خدا نسبت داده است؟! بگو: «اگر راست می‌گویید، یک سوره همانند آن بیاورید و غیر از خدا، هر کس را می‌توانید (به یاری) طلبید!»»

از آن روی که قرآن کلام وحی می‌باشد و به غیر از پیامبر اسلام ﷺ به شخص دیگری وحی نمی‌شود، پس عملاً امکان ندارد کسی بتواند مثل قرآن بیاورد، به همین دلیل قرآن کریم با قاطعیت تمام می‌گوید:

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا

۱. طور، ۳۴-۳۳.

۲. هود، ۱۳.

۳. یونس، ۳۸.

درآمدی بر علوم قرآن

النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ^۱ «و اگر درباره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را- غیر خدا- برای این کار، فرا خوانید اگر راست می‌گویید پس اگر چنین نکنید- که هرگز نخواهید کرد- از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم (گنهکار) و سنگ‌ها (بت‌ها) است، و برای کافران، آماده شده است!»

قرآن کریم با آوردن جمله «لَنْ تَفْعَلُوا» در واقع خبر از غیب داده و ناتوانی و ضعف بشر در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها در همانند آوری قرآن را به همگان آشکارا اعلام نمود. بنابراین می‌توان گفت دامنه تحدی قرآن جهان‌شمول است و اگر همه‌ی جن و انس دست به دست هم بدهند و بخواهند حتی یک سوره مثل این قرآن بیاورند، هرگز قادر نخواهند بود و دست عجز و ناتوانی در برابر قرآن بلند خواهند کرد. در این آیه کمترین مقدار تحدی، یک سوره معرفی شده است. پس اگر کسی جمله یا حرفی بیاورد و ادعا کند که مثل قرآن گفته است در واقع او هم‌آوردی نکرده است.

«قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا^۲» «بگو: اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند نمی‌توانند همانند آن را بیاورند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند.»

۵- معارضه با آیات تحدی

ممکن است درباره همانند آوری با قرآن این شبهه مطرح گردد که در طول تاریخ شاید معارضاتی با قرآن صورت گرفته باشد ولی اکنون به دست ما نرسیده باشد و یا اینکه مسلمان‌ها آن را مخفی و نابود کرده باشند.

نظری به تاریخ اسلام این شبهه را حل می‌کند؛ در داخل کشورهای اسلامی در زمان پیغمبر ﷺ و پس از او حتی در خود مکه و مدینه مسیحیان و یهودیان سرسخت و

۱. بقره، ۲۴-۲۳.

۲. اسراء، ۸۸.

درس چهارم: اعجاز قرآن^۱

متعصبی می‌زیستند که برای تضعیف مسلمان از هر فرصتی استفاده می‌کردند و همچنین در کنار کفار مکه در میان مسلمانان، منافقان نیز زندگی می‌کردند؛ اگر آنان موفق به همانندآوری با قرآن می‌شدند بی‌تردید از هیچ تلاشی برای نشر و ترویج آن دریغ نمی‌کردند و دیگر جنگ‌های زیادی توسط کفار و اهل کتاب با مسلمان‌ها صورت نمی‌پذیرفت.

هر چند که در طول تاریخ کسانی مثل مسیلمه کذاب بودند که به زعم خویش پنداشتند که توانستند مثل قرآن بیاورند که این موارد ثبت شده است. البته نوع سخنانی که مدعیان به عنوان قرآن آورده‌اند به علت ایرادات و اشکالات بسیار فراوان در آن چیزی جز خسارت و فضاحت برای معارضة کنندگان نداشته است که این موضوع خود به الهی و وحیانی بودن قرآن شهادت می‌دهد. در ادامه بحث به چند نمونه از این معارضه‌ها اشاره می‌کنیم:

مسیلمه کذاب که ادعای نبوت داشت، در برابر سوره مبارکه «الذاریات» این چنین گفته است: «والمبذرات بذرا و الحاصدات حصدا و الذاریات قمحا و الطاحنات طحنا و العاجنات عجنا و الخابزات خبزا و الثاردات ثردا و اللاقعات لقما اهالة و سمننا» «قسم به دهقانان و کشاورزان، قسم به درو کنندگان، قسم به جدا کنندگان کاه از گندم، قسم به جدا کنندگان گندم از کاه، قسم به خمیر کنندگان، قسم به نان‌پزندگان، قسم به ترید کنندگان! قسم به آن کسانی که لقمه‌های چرب و نرم بر می‌دارند.» یا اینکه گفته است: «یا صفدع بنت صفدع، نقی ما تنقین، نصفک فی الماء و نصفک فی الطین، لا الماء تکدرین و لا الشارب تمنعین»^۱ «ای قورباغه دختر قورباغه! آنچه می‌خواهی صدا کن! نیمی از تو در آب و نیمی دیگر در گل است، نه آب را گل‌آلود می‌کنی و نه کسی را از آب خوردن جلوگیری می‌نمایی!»

یکی از نویسندگان مسیحی که مدعی معارضه با قرآن است، در مقابل سوره حمد با اقتباسی که از خود سوره داشته است، سوره خود ساخته‌ای را عرضه کرده است: «الحمد للرحمن رب الأكوان، الملك الدیان، لك العبادة، و بك المستعان، اهدنا صراط الإیمان»^۲ «حمد مخصوص رحمن است، خداوند هستی‌ها، مالک قاضی، عبادت برای تو است و استعانت بوسیله تو است، ما را به راه ایمان هدایت فرما.»

معارضات فوق‌علی‌رغم اینکه از آیات قرآن الگو گرفته شده است، پر از اشتباهات نحوی و ادبی زبان عربی می‌باشد و فاقد معارف عالی قرآن می‌باشد.^۳

۱. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. البیان فی تفسیر القرآن، صص ۹۶-۹۷.

۳. برای نقد و بررسی معارضات قرآنی رک: البیان فی تفسیر القرآن، صص ۱۰۳-۹۵.

- ۱- معجزه امری خارق‌العاده از سوی فرد مدعی منصبی از مناصب الهی است که دیگران از انجام آن ناتوان باشند و شاهی بر درستی ادعای او نیز باشد.
- ۲- اعجاز از آن جهت ضرورت دارد که دلیلی بر صدق ادعای حقانیت هر پیامبر و مدعی رسالت الهی است تا انسان‌ها به نبوتش ایمان بیاورند.
- ۳- در اعجاز انبیاء کسی نمی‌تواند همانند آنرا بیاورد و تعلیم پذیر نمی‌باشد ولی در خرق عادت عرفا و مرتاضان دیگران هم می‌توانند مانند آنرا بیاورند و قابل تعلیم و تعلم نیز می‌باشد.
- ۴- خداوند متعال به دو صورت کلی و جزئی منکران را دعوت به تحدی با قرآن کرده است.
- ۵- مواردی از معارضه با تحدی قرآن در تاریخ ثبت شده است که چیزی جز خواری و فضاحت نتیجه‌ای برای معارضه کنندگان نداشته است.

پرسش و پاسخ

- ۱- شرایط ضروری اعجاز را نام ببرید؟
- ۲- پیامبران در چه مواقعی دست به اعجاز می‌زدند؟
- ۳- سه نمونه از آیات تحدی را بیان کنید.
- ۴- چرا معارضات مطرح شده درباره قرآن، همانند قرآن نیست؟

درس پنجم

اعجاز قرآن «۲»

اهداف آموزشی درس

بررسی ابعاد مختلف اعجاز قرآن

آگاهی از امتیازات قرآن بر سایر معجزات پیامبران

اختلافی بین دانشمندان مسلمان نیست که مهم‌ترین اعجاز پیامبر اسلام، به متن قرآن باز می‌گردد و نه بیرون متن قرآن. اما این پرسش همواره بین آنها وجود داشته است که وجه اعجاز قرآن در چیست و چه خصوصیتی در قرآن وجود دارد که آن را بی‌مانند کرده است؟ از متن آیات به درستی نمی‌توان پاسخ این پرسش را یافت؛ زیرا در تمام آیات که به اعجاز قرآن و تحدی آن پرداخته شده است، اشاره به جهت خاصی نشده و فقط در تحدی قرآن، آوردن مانند آن خواسته شده است.

الف) ابعاد اعجاز قرآن

وجوه اعجاز قرآن، از نظر دانشمندان مسلمان فراوان است؛ اما به طور کلی می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد: نخست وجوهی که به ساختار الفاظ و ظاهر قرآن مربوط می‌شود که برای آگاهی از آن، تسلط بر زبان عربی ضرورت دارد و عرب جاهلی به خوبی آن را دریافته است. بخش دوم وجوهی که به محتوا و مفاهیم قرآن مربوط می‌شود و آگاهی از آنها برای ناآشنایان با ظرایف زبان ادبی عربی نیز مقدور است. اما به طور کلی وجوه اعجاز قرآن عبارتند از:

۱- اعجاز بیانی (فصاحت و بلاغت)

دیدگاه اعجاز بیانی از مشهورترین و فراگیرترین نظریات اعجاز در حوزه علوم قرآن است. اعجاز بیانی به الفاظ و ظواهر قرآن مربوط می‌شود. زیرا قرآن افزون بر گستره‌ی فکر و تشریع بی‌مانند خود، با ظاهری زیبا و فوق‌العاده جذاب، با انسان سخن گفته است که این نوع اعجاز بیشتر برای عرب زبانان قابل فهم است.

درآمدی بر علوم قرآن

جامعه‌ی عربی در صدر اسلام با اینکه از جنبه ادبی و فنون فصاحت و بلاغت و سخنوری در سطح بسیار بالایی بودند، اما هنگامی که با آیات قرآن روبه رو شدند برای نخستین بار با متنی منسجم و پیوسته و با سبک و سیاق جدید و ساختار غریب مواجه شدند که نه شعر بود و نه نثر، با این وجود همه‌ی آنها را به حیرت و اعجاب فرو می‌برد. به همین جهت ولید بن مغیره امیر سخن سرای عرب در وصف قرآن لب به اعتراف گشود و گفت: «سخن محمد (قرآن)، نه شعر است و نه سحر؛ بلکه کلام خدا است...؛ زیرا حلاوت و طراوتی دارد که بی‌مانند و بی‌نظیر است.»^۱

انتخاب کلمات و عبارت‌ها و واژگان در قرآن چنان مناسب و بجا است که هر تغییر و تحولی از زیبایی و طراوت آن کم می‌کند و اگر هر کلمه‌ای را از جای خود برداشته و یا حذف کنیم و یا اینکه کلمه دیگری را جایگزین آن کنیم، بلاغت قرآن دچار آسیب خواهد شد. قرآن فصیح‌ترین واژگان، در بهترین سبک‌ها و برخوردار از درست‌ترین و عالی‌ترین معارف می‌باشد که با همین الفاظ، تاثیر گذارترین متن بر دل‌ها در جذب مخاطبان به سوی خود می‌باشد.^۲

معروف‌ترین شاهد مثال در این زمینه آیه قصاص است.

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۳ «و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید.»

ادبا، فصحا، قانون دانان و حکما برجسته عرب گرد هم جمع آمدند و در مقابل این آیه گفته‌اند: «القتل انفی للقتل» که برخی بیست امتیاز برای آیه قرآن نسبت به این جمله عرب ذکر کرده‌اند.^۴

۱. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۱۹۹؛ إمتاع الأسماع، ج ۴، ص ۳۴۷.

۲. اعجاز اللغوی و البیانی فی القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۵۹؛ اعجاز بیانی، ص ۸۳.

۳. بقره، ۱۷۹.

۴. البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، صص ۲۲۵-۲۲۱؛ الانتقان، ج ۲، صص ۱۵۱-۱۴۹.

۲- اعجاز در نظم و آهنگ قرآن

دومین وجه از وجوه مربوط به متن قرآن، آهنگ و صوت دلربای آن است. قرآن مجید با وجود گستردگی مطالب و تنوع آن، چنان آوای دلنشینی دارد که شنیدن آن، هر چند مکرر، غوغایی در جان و روح آدمی ایجاد می‌کند که بی‌همتا است. از منظر زبان شناسان، آوا و طنین واژه‌های قرآنی چنان از ترکیب حروف و هجاها و گزینش آنها فراهم شده که در شنونده جاذبه بی‌مانند و تأثیر شگفت‌آوری دارد. این آهنگ در هیچ نثری دیده نشده و تا کنون هیچ لحن روحانی و معنوی نتوانسته با قرآن از نظر زیبایی و جاذبه و تحمل آهنگ‌ها برابری کند.^۱

یک نوع موسیقی درونی در کلام قرآن و در تار و پود الفاظ نهفته است که کاملاً محسوس می‌باشد و به همین دلیل از آیات قرآن کلماتی موزون و با حساسیتی والا می‌سازد که با کوچک‌ترین تغییر در آن دچار اختلال می‌شود. این نکته قابل ذکر است که این نظم و آهنگ و موسیقی قرآن در دل معارف عمیق قرآن قرار دارد.^۲

برای نمونه هنگامی که خداوند به شب و روز سوگند یاد می‌کند، واژگانی را که به کار گرفته تصویر سازی می‌کند و آهنگ آرامی را به گوش می‌رساند.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ * وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾^۳ «و قسم به شب، هنگامی که پشت کند و به آخر رسد و به صبح، هنگامی که تنفس کند.»

کلمه «عسعس» با ۴ حرف شب را با همه آنچه در آن است به تصویر می‌کشد و از آیه بعد نور فجر دیده می‌شود و احساسات و حرکت و جنب و جوش و نشاط به انسان دست می‌دهد. اما همین که آیات نزول عذاب و نابودی قوم عاد قرائت می‌شود:

۱. اعجاز القرآن، باقلانی، صص ۴۰-۳۸.

۲. رک: اعجاز القرآن، رافعی، صص ۲۲۰-۲۱۲.

۳. تکویر، ۱۸-۱۷.

درآمدی بر علوم قرآن

«وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ * سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ»^۱ «وَأَمَّا قَوْمٌ بَا تَنْدَبَادِي طَغْيَانِغَرٍ وَ سَرْدٍ وَ پَرَصْدَا بَه هَلَاكَتِ رَسِيدِن (خداوند) اَيْن تَنْدَبَادِ بَنِيَانِ كَن رَا هَفْتِ شَبِّ وَ هَشْتِ رُوزِ پِي دَرِ پِي بَرِ أَنَهَا مَسْلَطُ سَاخْتِ، (وَ اِگَرِ أَنَجَا بُودِي) مِي دِيدِي كِه أَن قَوْمِ هَمِچُون تَنَهَايِ پُوسِيدِه وَ تُو خَالِي دَرِخْتَانِ نَخْلِ دَرِ مِيَانِ اَيْنِ تَنْدِ بَادِ رُويِ زَمِينِ اِفْتَادِه وَ هَلَاكَ شُدِه‌اند.»

بدین گونه است که متناسب با معنی آیه، آهنگ حروف و کلمات نیز از فراز و فرود و شدت و نرمی برخوردار می‌شود. از همین روی است که پیامبر ﷺ فرمودند: قرآن را خوش و زیبا بخوانید.^۲

۳- اعجاز عددی

در دهه‌های اخیر جنبه‌ای از اعجاز قرآن مطرح شده که آن وجود نظم ریاضی میان کلمات و حروف این کتاب آسمانی است. مطابق این دیدگاه برخی کاربردهای قرآنی با واقعیت‌های خارجی از نظر تعداد هماهنگ می‌باشد. برای مثال لفظ «شهر» به معنای ماه، ۱۲ بار به تعداد ماه‌های سال و یا «یوم» به معنای روز، ۳۶۵ بار در قرآن به کار رفته است.^۳ نخستین کسی که این سخن را مطرح کرده، پژوهشگری مصری به نام رشاد خلیفه بود. کسان دیگری از قبیل دکتر عبد الرزاق نوفل در کتاب اعجاز عددی و ابو الزهرا النجدی در کتاب الاعجاز البلاغی و العددي للقرآن کریم در این خصوص نظریاتی را ابراز داشته‌اند.

۴- اعجاز علمی

یکی دیگر از ابعاد اعجاز قرآن، بعد علمی آن است. مقصود از علم در اینجا علوم تجربی، اعم از علوم طبیعی، مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و علوم انسانی مانند جامعه

۱. حاقه، ۷-۶.

۲. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۵۵.

۳. برای بررسی بیشتر اعجاز عددی قرآن رک: دائرة المعارف قرآن، اعجاز عددی، ج ۳، صص ۶۵۸-۶۴۹.

درس پنجم: اعجاز قرآن^۲»

شناسی است؛ یعنی علمی که بر اساس روش مشاهده و تجربه حسی پایه گذاری شده و در برابر علوم عقلی، نقلی و شهودی است.

مراد از اعجاز علمی قرآن بحث از آیاتی است که در آنها نوعی راز گویی علمی مطرح شده است؛ یعنی مطلب علمی را که قبل از نزول آیه، کسی از آن اطلاع نداشته، بیان می‌کند و ممکن است مدتها بعد از نزول، از سوی دانشمندان علوم تجربی کشف شود؛ این مطلب علمی به گونه‌ای است که با وسایل عادی بشر عصر نزول، قابل فهم و بیان نبوده است.^۱

از جمله موارد اعجاز علمی در قرآن بحث نیروی جاذبه است که امروزه برای علم اثبات شده است. در آیاتی از قرآن بیان شده که خدا آسمان‌ها را بدون ستون‌های دیدنی برافراشته است. «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»^۲ «خدا همان کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت.» «خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»^۳ «(او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید.»

قرآن در آیات متعددی به حرکت‌های خورشید اشاره کرده که برخلاف تصورات رایج در عصر نزول بوده و امروزه آن حرکات ثبت شده است.

«وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا»^۴ «و خورشید که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است.»

البته این نکته را باید مدنظر قرار داد که قرآن کتاب علمی نیست، بلکه کتاب هدایت است و اشارات علمی آن از اهداف فرعی قرآن است که در راه اهداف هدایتی از آنها استفاده می‌شود. در مبحث تفسیر علمی مفسر نمی‌تواند قرآن را بر هر نظریه علمی تطبیق کند و

۱. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۷، ص ۳۳۶.

۲. رعد، ۲.

۳. لقمان، ۱۰.

۴. یس، ۳۸.

درآمدی بر علوم قرآن

قرآن را تابع علوم متغیر سازد. با توجه به اینکه ظواهر قرآن همه علوم بشری را بر نمی‌تابد، نباید نظریه‌های علمی را بر آن تحمیل کرد.^۱

۵- اعجاز غیبی

از جمله مواردی که معجزه بودن قرآن را اثبات می‌کند، اخبار از غیب است که بشر توانایی دستیابی به آن را از راه‌های عادی به جز وحی ندارد. بهترین دلیل وجود اخبار غیبی در قرآن کریم، تصریح خود قرآن است.^۲ خداوند متعال بعد از بیان داستان زندگی حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ﴾^۳ «این از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌فرستیم!»

خبرهای غیبی قرآن به انواع مختلفی تقسیم می‌شود:

- اخبار گذشتگان: قرآن کریم در بعضی از آیات به بیان قصص انبیا و امت‌های پیشین

و سرانجام آنها از قبیل خلقت انسان، داستان هابیل و قابیل، داستان ذو القرنین، اصحاب کهف و... پرداخته است. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید:

﴿وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُوْثِقُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۴ «ما از هر یک از سرگذشت‌های انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم و اراده‌ات قوی گردد و در این (اخبار و سرگذشتها)، برای تو حق، و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است.»

- اخبار زمان نزول: در برخی از آیات قرآن کریم به اخبار غیبی حوادث زمان

پیامبر صلی الله علیه و آله همچون توطئه منافقان و نیت قلبیشان می‌پردازد:

۱. القرآن و إعجازه العلمي، صص ۵۱-۵۰.

۲. اعجاز القرآن باقلانی، صص ۳۴-۳۳.

۳. یوسف، ۱۰۲.

۴. هود، ۱۲۰.

درس پنجم: اعجاز قرآن «۲»

﴿وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾^۱ «(در حضور تو) می‌گویند: «فرمانبرداریم» اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته‌های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می‌دهند آنچه را در این جلسات می‌گویند، خداوند می‌نویسد. اعتنایی به آنها نکن! و بر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد.»

۷۳

– **پیشگوئی‌ها:** بخشی از اخبار غیبی قرآن درباره وقایع بعد از نزول قرآن است که به حوادث آینده (مثل پیروزی رومیان بر فارسها) اشاره می‌کند و برخی دیگر از غیبگوئی‌های قرآن مربوط به قیامت و احوالات انسان‌ها و ویژگی‌های بهشت و دوزخ می‌باشد که این بخش از مهم‌ترین اخبار غیبی قرآن است. از جمله غیبگوئی‌های قرآن مربوط به آخرالزمان و فرمانروایی مستضعفان بر زمین است.

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲ «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین ممت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.»

۶- اعجاز در معارف والای قرآن

یکی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز در معارف و امور هدایتی قرآن است. این وجه، از مباحث مهم و برجسته اعجاز قرآن به شمار می‌آید که سبب بقاء و پایداری و جاودانگی قرآن شده است. به طور کلی معارف والا و عمیق قرآن را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی و مذاقه قرار داد:

الف – وسعت معارف قرآن: قرآن از نظر تنوع و وسعت معارف، گستره وسیعی دارد و موضوعات فراوانی را در خود جای داده است. در قلمرو اعتقادات و اخلاقیات و احکام به

۱. نساء، ۸۱.

۲. قصص، ۵.

درآمدی بر علوم قرآن

مسائل فراوانی پرداخته و معارف بی مثالی را در حوزه های خداشناسی، پیامبر شناسی، عدل، امامت، انسان شناسی، روح، جن، ملک و ابلیس، فلکیات و زمین و مباحث علمی آنها، تاریخ گذشتگان و سرنوشت آنها، مباحث حکومت و سیاست، قضا و قدر، عبادات، معاملات، حدود و قضا، برزخ و قیامت، معاد و... بیان کرده است.^۱ نظام ارزشی قرآن که صدها اصل اخلاقی و نظام حقوقی مربوط به حیات فردی، اجتماعی و اقتصادی را فرا می گیرد که هر یک نیز شامل ده ها باب از ابواب فقهی است.

ب - عقلانی و فطری بودن معارف: اساس و پایه آموزه ها، حقائق و مفاهیم اعتقادی و اخلاقی قرآن، عقلی و فطری بودن آن است. ماهیت عقلی و فطری بودن این تعالیم که هیچ گونه اختلاف و تضاد و تناقضی در آن نیست، از یک سو آنها را همیشگی و همه جایی ساخته و از سوی دیگر شیوه خاصی در عرضه و آموزش و در نتیجه پذیرش آنها موجب گشته است.

از جمله معارف عالی قرآن بحث خداشناسی است. قرآن کریم، به قدری جامع لطایف و حقایق و سرائر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می ماند.^۲ در قرآن خدا ذاتی واحد و بی نیاز: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ»^۳، دارای همه ی کمالات و پیراسته از همه ی نقایص «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»^۴ خالق هستی «إِنِّي اللَّهُ شَکُّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۵، آرام بخش دل ها «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۶، مورد

۱. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۳.

۲. آداب الصلاة، ص ۲۶۳.

۳. توحید، ۱-۲.

۴. اعراف، ۱۸۰.

۵. ابراهیم، ۱۰.

۶. رعد، ۲۸.

درس پنجم: اعجاز قرآن^۲

ستایش همه‌ی موجودات می‌باشد. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ»^۱ و همچنین نزدیک است و همه‌جا محضر او است. «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^۲

۷- اعجاز در آورنده قرآن

یکی از نکات مهمی که قرآن در معجزه بودنش بشریت را متوجه آن می‌کند، توجه به شخصیت و ویژگی پیامبر ﷺ است. پیامبر ﷺ در مکتب و کلاس درس هیچ استاد و معلمی حاضر نشده بود و بر همگان معلوم و مشخص بوده که ایشان درس ناخوانده بوده و هیچ نوشتن و خواندنی نیز از ایشان دیده نشده بود. قرآن در رد سخنان کسانی که می‌گفتند: فردی از رومیان معلم پیامبر ﷺ بوده است،^۳ می‌فرماید:

«وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ»^۴ «ما می‌دانیم که آنها می‌گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می‌دهد!» در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می‌دهند عجمی است ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است.»

تمامی جنبه‌ها و وجوه اعجازی که ذکر شد، از سوی پیامبری که درس ناخوانده و مکتب بشری ندیده است، پدید آمده است که این امر خود بر آسمانی بودن قرآن تأکید دارد.

همانطور که گذشت تحدی به قرآن عام بوده و صرفاً برای عرب زبانان نبوده است. از همین روی اعجاز قرآن در تمام جهات فوق‌الذکر مطرح می‌باشد. قرآن برای انسانِ بلیغ و فصیح، در بلاغت و فصاحتش و برای حکیم، در حکمت خود و برای دانشمندان در دانش خود و برای عالم اجتماعی در مباحث و مسائل اجتماعی و برای قانونگذاران در قانونگذاری خودشان و برای سیاستمداران در سیاستشان و برای حاکمان در حکومتشان و برای همه

۱. اسراء، ۴۴.

۲. ق، ۱۶.

۳. اعجاز القرآن باقلانی، ص ۳۴؛ البیان فی تفسیر القرآن، ص ۴۸.

۴. نحل، ۱۰۳.

درآمدی بر علوم قرآن

جهانیان در آنچه بدان دسترسی ندارند، مانند امور غیبی و اختلاف در حکم و علم و بیان، آیه و معجزه است.^۱

ب) امتیازات قرآن بر سایر معجزات پیامبران

با توجه به این که پیامبر اسلام ﷺ از سایر پیامبران برتر و اشرف مخلوقات است، ضرورتاً قرآن مجید که معجزه آن حضرت می‌باشد، باید امتیازاتی نسبت به معجزات پیامبران دیگر داشته باشد. از این رو به تعدادی از امتیازات قرآن بر سایر معجزات اشاره می‌کنیم:

۱- جاودانی بودن

حضرت حق تعالی دین اسلام را آخرین آئین انبیا و برترین آنها قرار داده است و این دین را برای همه‌ی انسان‌ها بعد از پیامبر تا قیامت برگزیده، بدین جهت قرآن مجید را به عنوان منبع و اصل دین، جاودانه و پایدار قرار داده است و با وفات پیامبر ﷺ قرآن از بین نرفته است و در دست همگان وجود دارد و مردم از آن استفاده می‌کنند. اما معجزه سایر پیامبران با وفاتشان از بین رفته و چیزی جز ذکر آن معجزات باقی نمانده است.^۲

۲- عقلانی بودن

قرآن کریم معجزه‌ای است که خداوند متعال از انسان‌ها خواسته است که در آن بیاندیشند و تفکر کنند و عقول خود را برای تدبر در آن به کار گیرند. اما معجزات پیامبران پیشین حسی بوده و جنبه جسمانی داشته و چشم و گوش انسانها را تسخیر می‌کرد. این موضوع خود برتری معجزه بودن قرآن را ثابت می‌کند، زیرا اعجاز عقلانی بالاتر از اعجاز حسی است و از شرافت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.^۳

۱. المیزان، ج ۱، صص ۶۰-۵۹.

۲. مباحث فی اعجاز القرآن، صص ۳۱-۲۹.

۳. أطيّب البیان، ج ۱، ص ۴۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۲۹.

۳- گویا بودن قرآن

قرآن به زبان و بیان آشکار مختص به خود، متصدی تنظیم و ترتیب مقدمات و اساس استدلال‌های خویش و شهادت بر اعجازش می‌باشد و این کار را به غیر خود واگذار نکرده است، تا راه استدلال برای اعجاز قرآن در پیش گیرند. قرآن یک معجزه گویاست، نیازی به معرفی ندارد، خودش به سوی خود دعوت می‌کند، مخالفان را به مبارزه می‌خواند. لذا پس از گذشت قرن‌ها از وفات پیامبر ﷺ، همانند زمان حیات او به دعوت خود ادامه می‌دهد. ولی معجزات پیامبران پیشین خود زبان نداشتند و می‌بایست پیامبران همراه معجزات خود می‌بودند تا برای اثبات اعجاز آنها مخالفان را دعوت به همانند آوری می‌کردند.^۱

۱. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶.

- ۱- در قرآن اشاره به جهت خاصی از اعجاز نشده و فقط در آیات تحدی، آوردن مانند آن از معاندان خواسته است.
- ۲- مشهورترین وجه اعجاز قرآن، بعد فصاحت و بلاغت در الفاظ و ظواهر قرآن است. قرآن به همراه فصیح‌ترین واژگان در بهترین سبک‌ها که نه شعر است و نه نثر، مخاطبان را به حیرت واداشته است.
- ۳- قرآن مجید با وجود گستردگی مطالب و تنوع آن، چنان آوای دلنشین و زیبا و جاذبه بی‌همتایی دارد که شنیدن آن، هر چند مکرر، غوغایی در جان و روح آدمی ایجاد می‌کند و این نشان از اعجاز در نظم و آهنگ قرآن است.
- ۴- طرح مسائل دقیق علمی از قبیل تلقیح گیاهان توسط باده‌ها، گردش و کروی بودن زمین و ... به همراه وجود نظم خاص میان کلمات و حروف قرآن از دیگر ابعاد اعجاز قرآن است.
- ۵- قرآن اخباری از غیب بیان کرده است که بشر توانایی دستیابی به آن را بجز از طریق وحی ندارد که این موضوع اثبات اعجاز غیبی قرآن است.
- ۶- قرآن ناب‌ترین معارف را در گستره وسیعی با موضوعات فراوانی همچون خداشناسی، پیامبرشناسی، عدل، امامت، انسان‌شناسی، مباحث حکومت و سیاست، قضا و قدر، عبادات، معاملات، حدود و قضا، برزخ و قیامت، معاد و ... در نهایت اتقان و استحکام در اختیار بشر قرار داده است.
- ۷- تمامی جنبه‌ها و وجوه اعجاز همگی از سوی پیامبری که درس ناخوانده و مکتب بشری ندیده، پدید آمده است که این امر خود بر معجزه بودن قرآن تأکید دارد.
- ۸- قرآن از جنبه جاودانی بودن، عقلانی بودن و گویا بودن بر معجزات سایر پیامبران برتری دارد.

پرسش و پاسخ

- ۱- آیا همه ابعاد وجوه قرآن برای همگان قابل درک است و چرا؟
- ۲- مراد از اعجاز علمی قرآن چیست؟
- ۳- انواع اعجاز غیبی در قرآن را با ذکر نمونه‌ای برای هر یک شرح دهید.
- ۴- جنبه‌های اعجاز قرآن در معارف والای آن را توضیح دهید.
- ۵- وجه امتیاز عقلانی بودن قرآن بر معجزات سایر پیامبران را بیان کنید.

درس ششم

تحریف ناپذیری قرآن

اهداف آموزشی درس

آگاهی از مفهوم لغوی و اصطلاحی تحریف

آشنایی با انواع تحریف

اثبات تحریف ناپذیری قرآن با دلایل گوناگون

بررسی دلایل قائلین به تحریف

یکی از مباحث مهمی که در خصوص تاریخ قرآن همواره مطرح می‌باشد بحث تحریف‌ناپذیری قرآن است. با توجه به اینکه کتب انبیاء پیشین همانند تورات و انجیل در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحول و تحریف شده و همچنین برخی روایات و نقل‌ها در کتب روایی مسلمان‌ها وجود دارد که ظاهراً دلالت بر تحریف قرآن دارد، این شبهه را در ذهن برخی افراد کوتاه‌فکر به وجود آورده است که قرآن تحریف شده و دلائلی نیز در این خصوص ارائه کرده‌اند. با توجه به وجود چنین شبهاتی ضرورت دارد با بررسی ابعاد گوناگون این بحث، هر گونه شک و شبهه را از ساحت مقدس قرآن بزدائیم و ثابت کنیم که این قرآنی که امروزه در دست ما است، عیناً همان قرآن نازل شده بر پیامبر ﷺ است.

۱- مفهوم تحریف

الف: تحریف در لغت

تحریف از ریشه «ح-ر-ف» به معنی عدول کردن از چیزی و کناره‌گیری و مایل کردن است. در آیه ۱۱ سوره مبارکه حج، «حرف» به معنی کناره استفاده شده است.^۱

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ﴾ «و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر یک حال (و بدون عمل) می‌پرستد.»

در تفسیر این آیه ذکر شده است که برخی از مردم در متن ایمان و اسلام قرار ندارند بلکه در کنار و لبه آنند.^۲

۱. تاج العروس، ج ۲۳، ص ۱۳۵؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۴۳.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۳؛ الکشاف، ج ۳، ص ۱۴۶.

ب: تحریف در اصطلاح

تحریف در اصطلاح به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌شود:

۱- تحریف لفظی

مقصود از تحریف لفظی تحریف به کاهش (تحریف بالنقیصه) یا تحریف به افزایش (تحریف بالزیاده) است.

درباره تحریف به نقیصه که می‌گویند کلمه، جمله، آیه و یا سوره‌هایی از قرآن حذف شده و اکنون در قرآن موجود نیست،^۱ اخباری نقل شده است که برخی متمسک به آن گشته‌اند و این نوع تحریف را در قرآن پذیرفته‌اند.^۲ ولی در این بخش به طور قاطع با عنایت به دیدگاه شیعه، تحریف به نقیصه را رد می‌کنیم.

در خصوص تحریف به افزایش باید گفت: این مسأله مورد انکار شیعه و اهل سنت است و کسی تا به حال ادعا نکرده است که بر قرآن چیزی افزون بر آنچه که بر پیامبر ﷺ وحی شده، اضافه گشته است؛ زیرا که کسی توانایی همانندآوری مثل قرآن را ندارد.^۳

۲- تحریف معنوی

تحریف معنوی که مقصود از آن تفسیر به رأی آیات قرآن است، مسلماً در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده و حتی روایاتی داریم که این‌گونه تحریف را به شدت نکوهش کرده است. در قرآن نیز هر کجا واژه تحریف بکار رفته، همین معنی آن اراده شده است. در ذیل تفسیر آیه «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»^۴ «کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین (اسلام، با درآمیختن عبری به عربی)»

۱. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۰۰؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۲؛ أوائل المقالات، ص ۸۱.

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۵۰؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۱۶.

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳؛ الوافی، ج ۹، ص ۱۷۷۸.

۴. نساء، ۴۶.

درس ششم: تحریف‌ناپذیری قرآن

گفته شده که به غیر آنچه خداوند اراده کرده است تبدیل می‌کنند و معنایش را تغییر می‌دهند و این عمل نزد خداوند مذموم می‌باشد.^۱

از پیامبر ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»^۲ «هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند جایگاه او در جهنم است.»

امام باقر علیه السلام درباره تفسیر به رأی و تحریف معنوی قرآن می‌فرمایند: «كَانَ مِنْ نَبَذِهِمُ الْكِتَابَ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَفُوا حُدُودَهُ فَهُمْ يَرُوءُونَهُ وَلَا يَرَعُونَهُ وَالْجُهَالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمُ لِلرِّوَايَةِ وَالْعُلَمَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمُ لِلرِّعَايَةِ»^۳ «نشانه پشت سر انداختن کتاب توسط آنان این بود که حروف آن را نگاه داشتند ولی حدودش را تحریف کردند. آنان کتاب را در حالی که روایت می‌کنند رعایت نمی‌کنند. جاهلان از اینکه آنان حافظان روایت قرآنند، شگفت‌زده و عالمان از اینکه آنان تارک رعایت و حریم قرآنند، محزون و غم زده‌اند.»

بر این اساس، تحریف معنوی، ناظر بر تفسیر قرآن می‌باشد و ارتباطی با تحریف الفاظ قرآن ندارد. آنچه که باید در بحث عدم تحریف قرآن اثبات شود آن است که قرآن موجود من البدوالی الختم، بدون یک کلمه کم و کاستی همانی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است.



۱. جامع البیان، ج ۵، ص ۷۵؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۲۴۳؛ الکشاف، ج ۱، ص ۵۱۶.

۲. عوالي اللآلی، ج ۴، ص ۱۰۴.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۸.

۲- دلایل عدم تحریف قرآن کریم

الف: دلیل قرآنی

یکی از واضح ترین دلیل بر سلامت قرآن و رد شبهه تحریف، عهده‌ی است که خداوند متعال بر حفظ و سلامتی قرآن ضمانت کرده است.

خداوند متعال در آیه حفظ می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱ «بی‌تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.»

همانطور که مفسران ذیل این آیه بیان کرده‌اند: منظور از حفظ قرآن، مصونیت آن از هر گونه تحریف به نقیصه و زیادت می‌باشد.^۲ آیه به صورت جمله اسمیه و با حرف «إِنَّ» تاکید و با ضمیر «نحن» و لام تاکید بیان شده است، همه عوامل تاکید کننده در کلام، در کنار هم قرار گرفته تا این حقیقت را بیان کند که خداوند همیشه حافظ و نگهبان قرآن خواهد بود و این وعده ای تخلف ناپذیر می‌باشد.^۳

همچنین خداوند متعال در آیه نفی باطل، با صلابت و قاطعیت بیشتری، مسأله مصونیت و تحریف ناپذیری قرآن را بیان می‌کند.

﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^۴ «و این کتابی است قطعاً شکست‌ناپذیر که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش‌رو و نه از پشت‌سر، به سراغ آن نمی‌آید چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.»

۱. حجر، ۹.

۲. مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۰۸؛ روح المعانی، ج ۷، ص ۲۶۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۵۳.

۳. الکشاف، ج ۲، ص ۵۷۲.

۴. فصلت، ۴۱ و ۴۲.

درس ششم: تحریف‌ناپذیری قرآن

مراد از جمله «مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ» زمان نزول قرآن و عصرهای پس از آن تا روز قیامت است و از اطلاق نفی در جمله «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» عمومیت استفاده می‌شود. بنابراین مضمون آیه این است که در بیانات قرآن تناقض و در خبرهایی که داده دروغ و در معارف، حکمت‌ها، شرایع و احکامش هیچ بطلانی نیست؛ نه مورد معارضه چیزی واقع می‌شود و نه دستخوش دگرگونی می‌گردد. امکان ندارد چیزی که از قرآن نیست، به آن راه یابد و یا اینکه آیاتش تحریف شود و جای آن تغییر یابد و یا کم و زیاد شود.^۱

ب: دلیل روایی

یکی دیگر از دلالتی که می‌توان بر عدم تحریف قرآن اقامه کرد، روایات پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ است. در این زمینه می‌توان به روایات زیر استناد جست:

۱- **حدیث ثقلین:** در این حدیث که به طور متواتر از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است، پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا...»^۲ «من در میان شما دو چیز گرانبها به جای می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم را؛ و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در روز قیامت و در حوض کوثر به من برگردند؛ تا زمانی که به آن دو تمسک بجوید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد...»

این حدیث شاهد تام و دلیل قطعی و تضمین پیامبر ﷺ بر عدم تحریف و سلامت قرآن است و با صراحت اعلام می‌کند که قرآن برای همیشه و تا روز قیامت محفوظ خواهد بود. روشن است که اگر قرآن خود دچار تحریف شده بود، فرمان تمسک بدان برای رستگاری و عدم گمراهی و ضلالت، معنایی نداشت.^۳

۱. المیزان، ج ۱۷، ص ۳۹۸؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۳؛ اعجاز القرآن، باقلانی، صص ۲۰-۱۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۴؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۶؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴.

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴.

درآمدی بر علوم قرآن

۲- **روایات ارجاع به قرآن در فتنه‌ها:** احادیثی از ائمه اطهار علیهم‌السلام رسیده که در حوادث و فتنه‌های روزگار، ما را به قرآن ارجاع می‌دهند و قرآن را به عنوان پناهگاه مطمئن و دژی مستحکم در برابر فتنه‌ها معرفی می‌نمایند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتَنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»^۱ «هنگامی که فتنه‌ها همانند شب تاریک و ظلمانی بر شما روی آورد بر شما باد به تمسک بر قرآن.»

حال اگر قرآن خود از فتنه‌ها و گزند حوادث مصون نمانده باشد، چگونه می‌تواند راهنما و هادی دیگران در فتنه‌ها باشد؟

۳- **روایات عرضه اخبار و احادیث بر قرآن:** پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام در روایات متعددی، قرآن را معیار و محکی استوار دانسته‌اند که با آن می‌توان اصالت و سلامت احادیث را تشخیص داد.^۲ از جمله در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که فرمودند: «مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»^۳ «پس آنچه را موافق کتاب خدا است بگیرید و آنچه را با کتاب خدا مخالف است رها کنید.» نیز فرموده‌اند: هر سخن و حدیثی که موافق با کتاب خدا نباشد، باطل است. «كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ»^۴

بر این اساس اگر قرآن دستخوش تحریف شده بود هرگز نمی‌توانست معیار مناسبی برای تشخیص و شناسایی روایات صحیح باشد.

۴- **تمسک اهل بیت علیهم‌السلام به آیات گوناگون قرآن:** دلیل دیگر عدم تحریف از نظر روایات، روایاتی است که در آن‌ها اهل بیت علیهم‌السلام به آیاتی از قرآن که مطابق با قرآن نزد ما است، تمسک کرده‌اند و به برخی از شیعیان خود فرموده‌اند: «أَقْرَأُ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ»^۵ «قرآن را

۱. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۷؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۵۱؛ تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۷.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۶۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۴.

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۱۱.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۶۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۸۸.

درس ششم: تحریف‌ناپذیری قرآن

همانگونه مردم می‌خوانند بخوان.» با توجه به این که آن حضرات معصومین علیهم‌السلام مأمور هدایت مردم بوده‌اند، هرگز در بیاناتشان دیده نشده که فرموده باشند آیه‌ای از قرآن تحریف شده است.

مجموعه این احادیث و روایات دلیل قطعی بر این است که قرآن در اختیار ما، دقیقاً همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است و هرگونه تحریفی چه به نقیصه و چه زیادت و یا جابجایی را به طور کامل نفی می‌کند.^۱

ج: دلیل عقلی

قرآن کتابی است که برای هدایت و راهنمایی انسان‌ها تا روز قیامت نازل شده و همگان با تمسک به این کتاب آسمانی به رستگاری و سعادت دست خواهند یافت. بر اساس این هدف قرآنی، عقل حکم می‌کند که تمام دستورات و معارف و حقایق و کلمات قرآن بدون هیچ تغییر و تحول و تحریفی باید به دست انسان‌ها برسد در غیر این صورت نقض غرض الهی رخ می‌دهد.^۲

د: گواهی تاریخ

بر اساس نقل‌های تاریخی و روایات زیادی که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است، قرآن از روز نخست مورد اهتمام ویژه و خاص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صحابه بوده است. علاوه بر اینکه خود حضرت شخصاً محافظ قرآن بوده‌اند. گروه کثیری به عنوان حفاظ و کتاب قرآن وجود داشتند که هر آیه یا سوره‌ای نازل می‌شد یا مسلمین آن را حفظ و یا به دستور حضرت، کتاب وحی، همه آیات و سور را یادداشت می‌نمودند.^۳ از این رو قرآن به طور کامل در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدون هیچ‌گونه تحریفی جمع‌آوری شده بود. به گواهی تاریخ و علمای

۱. المیزان، ج ۱۲، ص ۱۰۸.

۲. حجر، ۹.

۳. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۸، صص ۲۴-۲۳؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱، ص ۴۴.

بزرگ اسلام،^۱ این قرآن کاملاً به تواتر از نسلی به نسل دیگر با اهتمام ویژه مسلمین منتقل شده است.

ه: مسأله اعجاز قرآن

یکی دیگر از مسائلی که با شبهه تحریف در تضاد است و قاطعانه آن را رد می‌کند، بحث اعجاز قرآن است. علما مسأله اعجاز را بزرگ‌ترین دلیل بر رد شبهه تحریف دانسته‌اند؛ زیرا احتمال زیادت (همان‌گونه که برخی از خوارج گفته‌اند که سوره یوسف تماماً بر قرآن افزوده شده است، چون یک سرگذشت عاشقانه است و جایی در قرآن ندارد) یا کاستن (آن گونه که برخی صحابی گمان برده‌اند که دو سوره معوذتین دو دعای مبطل السحرند و جزء قرآن نیستند) درباره قرآن به طور کلی منتفی است؛ زیرا خداوند متعال در آیات تحدی، فرموده است هیچ بشری قادر به همانندآوری قرآن نیست و همچنین کم نمودن از قرآن نیز موجب می‌گردد تا نظم اولی کلام به هم بخورد و از بین برود و این به طور قطع در سبک و اسلوب بلاغی کلام موثر است و نمی‌توان گفت که نظم نوین همان نظم الهی و وحی است.^۲

۳- بررسی دلائل قائلین به تحریف

همانطور که ذکر کردیم علما و قرآن‌شناسان اعم از شیعی و سنی بر مصونیت قرآن از تحریف، تأکید کرده‌اند. متأسفانه برخی از اخباریون شیعی و محدثان اهل سنت در برخورد با ظاهر برخی روایات بدون بررسی و تحلیل محتوایی و عرضه آنها به قرآن، صرفاً آنها را از لحاظ سندی مورد توجه قرار دادند و به قضاوت عجولانه‌ای دست زده‌اند. در این بین میرزای نوری با نوشتن کتابی به نام «فصل الخطاب» با استفاده از منابع فریقین نقش خاصی را ایفاء نمود. البته علمای زیادی به نقد و بررسی این کتاب پرداخته‌اند و آن را به طور کامل رد نموده‌اند. در ادامه بحث به برخی از دلائلی که وی ذکر کرده، با ارائه پاسخ آنها بیان می‌کنیم:

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۰۰.

۲. علوم قرآنی، معرفت، ص ۳۷۵.

درس ششم: تحریف‌ناپذیری قرآن

۱- روایاتی وجود دارد که آنچه در امم گذشته واقع شده، در امت اسلام نیز واقع می‌شود که این امر شامل مسأله تحریف کتاب آسمانی نیز می‌شود.^۱

در این خصوص به روایتی از پیامبر ﷺ استناد می‌کنند که حضرت فرمودند: «يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقِدَّةِ بِالْقِدَّةِ»^۲ «هر چه در امت‌های گذشته بوده و اتفاق افتاده، بدون هیچ کم و کاستی، عیناً در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد.»

پاسخ: مقصود از تکرار کارهای امت‌های قبل در این امت کلیات است و جزء جزء مقصود نیست؛ چون برخی کارهای امت‌های قبل در این امت اتفاق نیفتاده است، همانند گوساله پرستی، تثلیث، غرق شدن فرعونیان و ...

این سخن پیامبر ﷺ به منزله عامی است که قابل تخصیص است و می‌توان عدم تحریف قرآن را به استناد آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۳ از آن برداشت نمود. حتی اگر ما این روایت را در تمامی امور جاری سازیم می‌توانیم بگوئیم مقصود از تحریف در قرآن، تحریف معنوی است که این موضوع محل بحث ما نیست.^۴

۲- حضرت علی عليه السلام دارای مصحفی مخالف با مصحف موجود بوده است. در تاریخ نقل شده است حضرت علی عليه السلام بعد از وفات پیامبر ﷺ در خانه نشست و مشغول جمع‌آوری قرآنی شد که در آن چیزهایی بود که در قرآن فعلی موجود نیست و این چیزی جز تحریف نیست.

پاسخ: در خصوص این شبهه در فصل بعد به طور مبسوط‌تری بحث خواهیم نمود، اما اجمالاً باید گفت که مصحف حضرت علی عليه السلام مشتمل بر مباحثی چون شرح و تفسیر و تأویل و شأن نزول و ترتیب آیات و سور می‌باشد و آیات و سوره‌ها افزون بر آنچه که موجود است،

۱. صیانه القرآن من التحریف، صص ۱۸۱-۱۸۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۳۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۷.

۳. حجر، ۹.

۴. التمهید فی علوم القرآن، ج ۸، صص ۱۰۹-۱۰۷.

درآمدی بر علوم قرآن

در آن نبوده است؛ زیرا که حضرت هرگز در طول عمر مبارک خود اشاره‌ای به تحریف قرآن ننموده‌اند.^۱

۳- اخبار فراوانی به وقوع تحریف در قرآن دلالت می‌کند. همانند اخباری که به وجود آیاتی در شأن اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن تاکید می‌کند.

پاسخ: حاجی‌نوری عموماً از کتاب‌هایی نقل روایت کرده که ضعیف و فاقد اعتبار می‌باشد همانند تفسیر ابی‌جاروت که از غلات و مورد لعن امام صادق علیه‌السلام می‌باشد یا کتاب دبستان المذاهب که نویسنده آن یکی از سران فرقه زردشتیان است که این کتاب با حمایت انگلیسی‌ها چاپ شده و منبع سوره جعلی «ولایت» مورد استناد حاجی‌نوری است.^۲ وی از منابع حدیثی، به روایات ضعیف و مجروح و خبر واحد استناد کرده است که با آیات قرآن و روایات صحیح‌السند در تضاد و تعارض می‌باشد و از نظر حدیثی غیر قابل اعتنا می‌باشد. همچنین وی برخی روایات تفسیری ذیل آیه را جزء قرآن دانسته است و قائل به تحریف آن آیات شده است و در ضمن به برخی روایات که اشاره به تحریف معنوی (تفسیر به رأی) دارد، استناد جسته است.

اما درباره این ادعا از اخبار برداشت می‌شود، فضائل اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن بوده و اکنون در قرآن موجود نیست، همانند این فرموده امام صادق علیه‌السلام «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقَّ مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكَبِ الْفِتْنِ»^۳ «هر کس امر ولایت ما را از قرآن به دست نیاورد نمی‌تواند از فتنه‌ها در امان باشد.» باید گفت: مقصود آن است هر کس که با تدبر و تعمق در همین قرآن موجود بنگرد از جای جای قرآن امور ولایت را می‌تواند برداشت نماید. مثلاً دقت در آیات اولی الامر و ذوی القربی و غیره، مقام شامخ ولایت را روشن می‌سازد، اگر چه مخالفین توجهی ندارند و یا نمی‌خواهند توجهی داشته باشند. اینگونه روایات دال بر تحریف نقیصه نیست بلکه مقصود تفکر و تعمق دقیق در قرآن است.

۱. تفسیر القرآن المجید، شیخ مفید، ص ۵۴۸.

۲. علوم قرآنی، معرفت، صص ۳۹۴-۳۹۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۱۵؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۶.

- ۱- تحریف در اصطلاح به تحریف لفظی یعنی تحریف بالنقیصه یا تحریف بالزیاده اختصاص دارد که محل بحث می‌باشد.
- ۲- برخی تحریف بالنقیصه را در قرآن پذیرفته‌اند، ولی در دیدگاه شیعه، رد شده است. تحریف بالزیاده که مورد انکار شیعه و سنت است، کسی تا به حال مدعی آن نشده است.
- ۳- تحریف معنوی که مقصود از آن تفسیر به رأی آیات قرآن است، امکان آن قطعی است.
- ۴- دلایل عدم تحریف عبارتند از:
 - دلیل قرآنی؛ آیه حفظ (حجر، ۹)، آیه نفی باطل (فصلت، ۴۱).
 - دلیل روایی؛ حدیث ثقلین، روایات ارجاع به قرآن در فتنه‌ها، روایات عرضه اخبار و احادیث بر قرآن، تمسک اهل بیت علیهم‌السلام به آیات گوناگون قرآن و دلیل عقلی، گواهی تاریخ و مسأله اعجاز قرآن.
 - ۵- اخباری که به وجود آیاتی در شأن اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن تاکید می‌کند، روایات ضعیف و مجروح و اخبار واحدی می‌باشد که با آیات قرآن و روایات صحیح‌السند در تضاد و تعارض می‌باشد.
 - ۶- اضافات مصحف حضرت علی علیه‌السلام بر مصحف موجود، مباحثی چون شرح و تفسیر و تأویل و شأن و نزول و ترتیب آیات و سور می‌باشد و آیات و سوری افزون بر آنچه که موجود است، در آن نبوده است.

پرسش و پاسخ

- ۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی تحریف را توضیح دهید.
- ۲- مفهوم تحریف معنوی را با روایتی شرح دهید.
- ۳- آیه نفی باطل چگونه بر عدم تحریف دلالت می‌کند؟
- ۴- دلایل روایی بر مصونیت قرآن از تحریف را نام ببرید و دو مورد را توضیح دهید.
- ۵- دلیل عقلی را بر تحریف‌ناپذیری قرآن تبیین کنید.
- ۶- شبهه تشابه بین امت اسلام با دیگر امم، در زمینه تحریف را پاسخ دهید.
- ۷- آیا در قرآن آیاتی در شأن اهل بیت علیهم‌السلام بوده و اکنون در قرآن موجود نیست؟ چگونه؟

درس هفتم

جامعیت قرآن

اهداف آموزشی درس

بررسی گستره مفهوم جامعیت قرآن

اثبات جامعیت قرآن

بررسی آیات دال بر جامعیت

شناخت دیدگاه‌های مختلف در زمینه جامعیت

از ویژگی‌های منحصر به فردی که قرآن کریم دارای آن است و آن را از معجزات سایر انبیاء برتری می‌بخشد، مسأله جامعیت قرآن است. این ویژگی قرآن از جمله دلائل اثبات اعجاز قرآن کریم و حقانیت آورنده آن نیز می‌باشد. اما نکته مهمی که در این موضوع باید مشخص گردد، مفهوم و مقصود از جامعیت قرآن و حوزه و قلمرو آن است. آیا مقصود از جامعیت آن است که از قرآن باید انتظار داشت به همه امور بپردازد و به تمام سؤالات بشریت در تمام حوزه‌ها پاسخ دهد و یا اینکه مقصود از جامعیت امر دیگری است؟ ولی قبل از تفسیر و چگونگی جامعیت قرآن به ادله اثبات آن می‌پردازیم.

اثبات جامعیت قرآن

مهم‌ترین ادله‌ای که از منظر درون دینی بر جامعیت قرآن دلالت دارد خود آیات قرآن است. جامعیت قرآن از چند دسته از آیات استنباط می‌شود:

دسته اول: آیاتی که صراحتاً به جامعیت قرآن تأکید می‌کند.

دسته دوم: آیاتی که اسلام را دین جهانی معرفی می‌کند.

دسته سوم: آیاتی که قرآن و دستوراتش جاودانی و کامل می‌داند.

دسته اول: آیات جامعیت

آیاتی در قرآن وجود دارد که به طور مستقیم اشاره به جامعیت قرآن دارند که عبارتند از:

۱- «مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^۱ «سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق

۱. یوسف، ۱۱۱.

درآمدی بر علوم قرآن

آنچه (از کتاب‌هایی) است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.»

۲- ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾^۱
«و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم.»

ظاهر دو آیه ﴿تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ و ﴿تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ این است که قرآن کریم همه چیز را بیان می‌کند؛ زیرا «تَفْصِيلَ» به معنای بیان مطلب به طور مشروح و «تَبْيَان» به معنای کثرت بیان است^۲ و معنای «كُلِّ شَيْءٍ» هم روشن است. بحث درباره این دو آیه از دیر زمان مورد توجه مفسران و دانشمندان اسلامی بوده و همواره از این دو آیه برای اثبات جامعیت قرآن استفاده می‌کردند.

۳- ﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾^۳ «و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار ثبت است.»

این آیه نیز به صراحت بیان می‌کند که هیچ اموری از تر و خشک وجود ندارد مگر اینکه در کتاب مبین به آن پرداخته شده است. البته بین اندیشمندان و محققان درباره کتاب مبین اختلاف شده است که آیا مقصود از آن همین قرآن است یا حقیقت دیگری؟

۴- ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾^۴ «هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم.»

۱. نحل، ۸۹.

۲. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۳۵۴؛ التحریر و التنویر، ج ۱۲، ص ۱۳۱.

۳. انعام، ۵۹.

۴. انعام، ۳۸.

از عبارت «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» برداشت می‌شود که این آیه نیز به زبان دیگر اشاره به تبیان بودن قرآن برای همه چیز است و از هیچ مسئله‌ای در قرآن فروگذار نشده است.

دسته دوم: جهانی بودن قرآن

از ادله دیگر جامعیت قرآن، مسأله جهانی بودن دین اسلام است. جهانی بودن دین به این معنا است که تعالیم و دستورات قرآن به طبقه، گروه، جامعه و نژاد خاصی اختصاص نداشته باشد. خطاب آیات کریمه به همه مردم اعم از عرب و عجم است و هدف هدایت و ساختن انسان در همه طبقات و اقشار است. آیاتی که گواه جهانی بودن قرآن است آن چنان فراگیر و گویاست که نیاز به استدلال ندارد. برای نمونه به چند آیه مربوط به جهانی بودن قرآن اشاره می‌شود:

- ۱- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۱ «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.»
- ۲- «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ»^۲ «و حال آنکه [قرآن] جز تذکاری برای جهانیان نیست.»
- ۳- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۳ «و ما تو را جز [به سِمَتِ] بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.»
- ۴- «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^۴ «بگو: «ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست.»

۱. انبیاء، ۱۰۷.

۲. قلم، ۵۲.

۳. سبأ، ۲۸.

۴. اعراف، ۱۵۸.

۵- «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»^۱ «بزرگ او خجسته» است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.»

از آن چه در برخی توصیف‌ها آمده استفاده می‌شود که معیار برای هدایت و تبلیغ، انسانیت است و تعلقات زمانی، مکانی، نژادی و جنسی مانع گسترش دعوت پیامبر ﷺ و فراگیری پیام‌های قرآنی نیست؛ مانند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۲ «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.»

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ...»^۳ «ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مَبْرُید...»

بنابراین لازمه جهانی بودن دین، جامع بودن آن است چرا که اگر دین و آئینی برای هدایت همه بشریت باشد باید تمام نیازها و خواسته‌های آنان را در مسیر سعادت دنیوی و اخروی پاسخگو باشد و اگر دارای خلأها و کاستی‌هایی در این مسیر باشد، نمی‌تواند داعیه

۱. فرقان، ۱.

۲. حجرات، ۱۳.

۳. نساء، ۱.

جهانی بودن را داشته باشد؛ بدین جهت است که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾

دسته سوم: جاودانگی قرآن

از ادله دیگر جامعیت، جاودانگی قرآن است؛ زیرا همان گونه که آیات ﴿تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ و ﴿رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ دلیل بر جامعیت قرآن است، آیاتی که دلالت بر جاودانگی قرآن دارد نیز دلیل بر جامعیت آن است؛ زیرا اگر بر اساس جاودانگی و خاتمیت دین، دلیلی ارائه گردد که قرآن برای همیشه، راهنما و سند هدایت برای تمام انسان‌ها در تمام زمان‌ها باشد، پس آنچه که ارتباط به هدایت انسان‌ها تا قیامت را دارد، باید در این دین موجود باشد و در عین حال هیچ‌گاه نباید کهنه و بدون استفاده باشد بلکه روز به روز باید نو و تازه باشد. آیاتی از قرآن به گونه‌ای ویژه اشاره به جاودانگی قرآن دارد که برای نمونه به دو آیه اشاره می‌شود:

۱- ﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^۱ «و به راستی که آن کتابی ارجمند است. از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویی نمی‌آید و وحی [نامه‌ای است از حکیمی ستوده.»

از آن جهت که باطلی در قرآن راه ندارد ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ﴾ و چیزی او را نسخ و باطل نخواهد کرد و همه آنچه را گفته مطابق واقع و حق است و برای همیشه دوام دارد نه کم می‌شود و نه زیاد. این چنین تفسیری به جاودانگی قرآن مربوط است، زیرا اگر کتابی، نوشته‌ای و دستور العملی، جامعیت نداشته باشد، قابل دوام نخواهد بود و دگرگون خواهد شد.

درآمدی بر علوم قرآن

۲- ﴿الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ

دِينًا﴾^۱ «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.»

صرف نظر از مباحث کلامی که درباره این آیه میان شیعه و اهل سنت مطرح است، این آیه به اتفاق مفسران همه مذاهب اسلامی دلالت می‌کند که دین اسلام کامل شده و همه آنچه می‌بایست گفته شود و احکام و مقرراتی که باید جعل شود، تعیین شده است. در واقع این آیه بیانگر آن است که دین اسلام دین خاتم و کامل‌ترین آنها در میان سایر ادیان است و بعد از اسلام، شریعتی و بعد از قرآن، کتاب آسمانی‌ای و بعد از پیامبر اسلام، رسولی ابلاغ نخواهد شد. بر این اساس باید قوانین و دستوراتش نه تنها در همان زمان کامل باشد بلکه باید در تمام زمان‌ها پاسخگوی نیاز بشریت باشد.

بنابراین بر اساس نص صریح آیات و بحث جاودانگی قرآن و خاتمیت دین اسلام، جامعیت قرآن اثبات می‌شود هر چند که روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که در ادامه بحث، به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

اکنون که مسأله جامعیت قرآن اثبات شد ضرورت دارد مفهوم جامعیت و قلمرو قرآن مشخص گردد. در این زمینه بین علما و اندیشمندان اسلامی آراء و اقوال گوناگونی وجود دارد که به طور کلی دو دیدگاه اصلی در این بحث مطرح می‌باشد که به آنها اشاره می‌کنیم.

دیدگاه‌ها درباره جامعیت قرآن و مفهوم آن

۱- گروهی با مقید کردن قلمرو جامعیت قرآن، آن را در امور هدایتی مختص کرده‌اند و اطلاق جامعیت در همه علوم را نپذیرفته‌اند. این دسته از اندیشمندان معتقدند از آن جهت که قرآن بر اساس هدف نزول آن، کتاب هدایت است و کتاب علمی و تاریخی و اجتماعی و سیاسی و ... نیست، بر همین اساس ضرورت دارد جامعیت آن در امور هدایتی باشد تا انسانها با تمسک بدان به سعادت برسند. اگر هم قرآن به طور ضمنی متعرض برخی از علوم

۱. مائده، ۳.

درس هفتم: جامعیت قرآن

مثلاً علم نجوم، طبیعیات و... شده است، جنبه هدایتی آن مدنظر بوده است و گرنه قرآن کتاب نجوم و فیزیک و شیمی نیست که بخواهد تمام مسائل مربوط به آن علوم را بیاورد و همانطور که مشخص است قرآن هرگز متعرض چنین مباحثی نگشته است.^۱ این گروه می‌گویند وقتی که ما به قرآن رجوع می‌نمائیم جزئیات بسیاری از احکام و معارف دین نیز در آن نیامده است حال چگونه ممکن است علم همه علوم و مسائل آن در قرآن باشد؟ بنابراین جامعیت قرآن مطابق با هدف نزول آن در ابعاد هدایتی است. هر انسانی در هر زمان و مکان بخواهد برای هدایت به این کتاب آسمانی تمسک بجوید، قرآن کریم به تمامی ابعاد هدایتی دنیوی و اخروی او توجه کرده است و به تمام نیازهای او را در این زمینه پاسخگو خواهد بود.

۲- عده‌ای دیگر به نص و ظاهر آیات و برخی روایات متمسک شده و اطلاق آیات جامعیت را پذیرفته‌اند و معتقدند که علم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد و قرآن را جامع تمام احکام و معارف و علوم می‌دانند.^۲ ابن مسعود صحابی پیامبر ﷺ در این باره می‌گوید: «الْتَمِسُوا غَرَائِبَ الْقُرْآنِ، فَفِيهِ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»^۳ «غرائب قرآن را بجوید، در آن علم اولین و آخرین موجود می‌باشد.»

برخی از مفسران بر اساس اخبار و روایات،^۴ قرآن را به ظاهر و باطن تقسیم می‌کنند و باطن قرآن را به لوح محفوظ،^۵ کتاب مکنون^۶ و کتاب مبین^۷ انطباق می‌دهند و آن را اصل و حقیقت این قرآن به حساب می‌آورند.^۸ قرآن کریم نسخه‌ای از لوح محفوظ و کتاب مبین و امام مبین است که طبق نص صریح قرآن همه چیز در آن احصا شده «وَكُلُّ شَيْءٍ

۱. مفاتیح الغیب، ج ۲۰، ص ۲۵۸؛ التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۳۸.

۲. جامع البیان، ج ۱۴، ص ۱۰۸؛ الإیتقان، ج ۲، ص ۳۳۰؛ جواهر التفسیر، ص ۱۶۶.

۳. إحياء علوم الدين، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

۴. «مَا مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَلَهَا ظَهْرٌ وَبَاطِنٌ قَالَ ظَهْرُهُ [تَنْزِيلُهُ] وَبَاطِنُهُ تَأْوِيلُهُ» وسائل الشيعة، ج ۲۷، ص ۱۹۶.

۵. بروج، ۲۱ و ۲۲.

۶. واقعه، ۷۹.

۷. انعام، ۵۹.

۸. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۶۵؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۴، ص ۳۸۶.

درآمدی بر علوم قرآن

أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ^۱ و همه چیز حتی چیزی که به سنگینی ذره یا کوچک‌تر از آن باشد، «و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَ رَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ^۲ در آن وجود دارد و هیچ خشک و تری نیست مگر این که در آن قرار گرفته «و لَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ^۳ و هیچ سر نهانی در آسمان و زمین وجود ندارد مگر این که در آن آمده است. «و مَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ^۴

آنگاه بر این اساس می‌گویند همه علوم را می‌توان از باطن قرآن استخراج نمود و مقصود از جامعیت قرآن، جامعیت با توجه به بطون مختلف و لایه‌های درونی آن است. هر چند که رسیدن به ژرفا و باطن آن برای همگان مقدور و میسر نیست، اما راسخان در علم که پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند، به این مراتب باطنی قرآن علم و دسترسی دارند.^۵

در این زمینه روایاتی وجود دارد که در آنها آمده حقیقت قرآن را کسی می‌تواند بفهمد که قرآن برای او نازل شده باشد. «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ»^۶ و از جهت شناخت باطن قرآن است که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا فِي تَفْسِيرِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^۷ «اگر بخواهم تفسیر سوره حمد را برای شما بگویم، هفتاد بار شتر می‌شود.» برخی ادله نقلی دیگر نیز این قول را تقویت می‌کند.

۱. یس، ۱۲.

۲. سبأ، ۳.

۳. انعام، ۵۹.

۴. نمل، ۷۵.

۵. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱۶، صص ۴۵۳-۴۴۹.

۶. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۸۵.

۷. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۹۳.

درس هفتم: جامعیت قرآن

امام صادق علیه السلام درباره علم به عجائب و غرائب قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ أُنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابُهُ ... وَلَوْ أَنَّكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَّبْتُمْ»^۱ «خداوند عزیز جبار کتاب قرآن را بر شما نازل کرد... اگر از آنچه در قرآن است برای شما خبر دهم تعجب می‌کنید.»

امام باقر علیه السلام نیز درباره جامعیت حقائق و معارف و علوم قرآن که علم آن در نزد اهل بیت علیهم السلام است می‌فرماید: «إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»^۲ «وقتی درباره چیزی سخن گفتم از من بخواهید که از قرآن پاسخ دهم.»

علامه طباطبایی ذیل روایتی که در آن حضرت علی علیه السلام علم خود را به برخورداری از نعمت فهم کتاب الهی مستند نموده است می‌گوید: آنچه از معارف عجیب و شگفت انگیزی که از علم آن حضرت صادر می‌شود و عقل‌ها را متحیر و مدهوش می‌سازد، همه مأخوذ از قرآن است.^۳

با جمع بین این دو دیدگاه می‌توان گفت: از آن جهت که خداوند متعال فرموده قرآن تبیان و تفصیل کل شیء است و هیچ امری را در آن فروگذار نشده است، مقصود باطن قرآن است که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بدان علم و آگاهی دارند و بیان جامع قرآن بر عهده آنان می‌باشد، هر چند که شناخت و دریافت آن از فهم متعارف عموم بشر، خارج و فراتر است. اما جنبه ظاهری و دلالت لفظی قرآن جامعیت دارد و کامل است و جامعیت و کمال آن به امور هدایتی دنیوی و اخروی آن مرتبط است و همه انسان‌ها با تدبیر و تفکر و تعمق در قرآن می‌توانند بدان دست یابند. ما هرگز از ظواهر آیات و سور نباید انتظار طرح جزئیات علوم را داشته باشیم هر چند که کلیات برخی از علوم مثل علوم انسانی و علوم طبیعی از آن قابل برداشت و استنباط است.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۳۱؛ تنزیه الأنبیاء (ع)، ص ۱۵۲.

۳. المیزان، ج ۳، ص ۷۱.

۱- آیات مورد استناد در جامعیت قرآن عبارت است از: یوسف، ۱۱۱؛ انعام، ۳۸ و ۵۹ و ۱۱۴؛ نحل، ۸۹.

۲- با استفاده از بحث جامعیت و جاودانگی قرآن، جامعیت آن اثبات می شود.

۳- عده‌ای قرآن را جامع تمام احکام و معارف و علوم می‌دانند که مقصود از جامعیت قرآن را به باطن آن ارتباط می‌دهند. این گروه به نص و ظاهر برخی آیات و روایات متمسک شده‌اند و اطلاق آیات جامعیت را پذیرفته‌اند و معتقدند که اولین و آخرین علوم در قرآن وجود دارد و آنگاه می‌گویند همه علوم را می‌توان از باطن قرآن استخراج نمود.

۴- گروهی با مقید کردن جامعیت، آن را در امور هدایتی مختص کرده و اطلاق جامعیت در همه علوم را نپذیرفته‌اند.

۵- از آن جهت که آیات جامعیت مطلق است و خداوند متعال هیچ نوع قیدی- مثل هدایت - را درباره جامعیت قرآن نزده است، به راحتی نمی‌توان از ظاهر و نص قرآن دست کشید و آن را از یک جنبه خاص تفسیر کرد.

پرسش و پاسخ

۱- آیات مربوط به جامعیت قرآن را ذکر نمایید.

۲- دلالت آیات ۳۸ و ۵۹ و ۱۱۴ سوره انعام را بر جامعیت قرآن بیان کنید.

۳- روایاتی را که بر جامعیت مطلق قرآن کریم دلالت دارد را شرح دهید.

۴- مقصود از جامعیت قرآن در بعد هدایتی آن چیست؟

درس هشتم

جمع قرآن «۱»

اهداف آموزشی درس

آشنایی با مفهوم جمع در لغت و اصطلاح

معرفی نوشت افزارهای وحی

بررسی دیدگاه‌ها درباره اولین جمع قرآن

بیان ویژگی‌های مصحف حضرت علی علیه السلام

بررسی دلائل اثبات جمع قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

از جمله مهم‌ترین مباحث علوم قرآن، تاریخ نگارش و جمع آوری قرآن در صدر اسلام است. کیفیت و نحوه جمع‌آوری قرآن با توجه به کمبود نوشت‌افزار و افراد باسواد در زمان حضرت، این اشکال را در ذهن برخی افراد به وجود آورده که ممکن است برخی از آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل شده است به نگارش و تألیف در نیامده باشد؛ به خصوص اینکه در این زمینه دیدگاه غالبی در بین اهل سنت و برخی قرآن‌پژوهان متأخر شیعه وجود دارد که معتقدند قرآن بعد از وفات پیامبر ﷺ توسط صحابی آن حضرت گردآوری شده است. پذیرش این دیدگاه در میان برخی از مستشرقان، شبهه تحریف به نقیصه در قرآن را به وجود آورد. بنابراین ضرورت دارد به کنکاش و بررسی دقیق این موضوع بپردازیم که نگارش قرآن به چه شکلی بوده است؟ و به این سؤال مهم پاسخ دهیم که آیا پیامبر ﷺ در زمان خود قرآن را جمع نموده و یا اینکه این امر مهم را بعد از وفات خویش بر عهده دیگران نهاده است؟ قبل از پرداختن به این سؤال اصلی، به طور مختصر به مقدمات این بحث می‌پردازیم تا زمینه ورود به اصل بحث فراهم شود.

۱- مفهوم شناسی جمع

الف) مفهوم لغوی جمع

جمع بر ضمیمه چیزی بر چیزی دیگر، انضمام چیزی به چیز دیگر دلالت می‌کند^۱ و به معنی گردآوری کردن می‌باشد.^۲

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۵۶؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۲، ص ۱۰۸.
۲. لغتنامه دهخدا، ج ۱۷، ص ۱۰۳؛ فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۱۷؛ اقرب الموارد، ج ۱، ص ۱۳۷.

ب) مفهوم اصطلاحی جمع قرآن

درباره مفهوم جمع قرآن چند قول مطرح گردیده است که به آنها اشاره می‌کنیم:

- جمع به معنی حفظ در ذهن

با توجه به اینکه در آغاز رسالت پیامبر ﷺ ابزار نوشتاری و نویسندگان بسیار محدود بودند، پیامبر ﷺ مسلمین را تشویق می‌کردند تا قرآن را در سینه‌ها و ذهن‌های خود حفظ کنند که این افراد به «حفاظ» و «قراء» قرآن معروف گشتند.^۱

- جمع به معنی گردآوری و تألیف

از کاربرد دیگر واژه جمع، گردآوری آیات و سور و نوشتن و تألیف آنها به دور از پراکندگی و گسستگی می‌باشد.^۲ در زمان پیامبر ﷺ عده‌ای تحت عنوان کُتاب وحی بودند که قرآن را می‌نوشتند. حضرت علی رضی الله عنه، ابی‌ابن کعب، عبد الله بن مسعود و زید بن ثابت از جمله کاتبان معروف وحی بودند.^۳ گرچه گروهی کتابت قرآن را برای پیامبر ﷺ بر عهده داشتند اما عده‌ای بودند که به نوشتن آیات و سور برای خود نیز اقدام می‌کردند که به عنوان جماع قرآن نام داشتند.

کتابت قرآن معمولاً به این نحو بوده است که بعد از نازل شدن آیات قرآن، پیامبر ﷺ به نویسندگان وحی دستور می‌داده است که آن آیه یا آیات را در لابه‌لای سوره‌ای که قبلاً نازل شده و پایان یافته بود، قرار دهند.^۴ بر این اساس می‌توان گفت ترتیب همه آیات توقیفی و به دستور پیامبر ﷺ بوده است و صحابه در این زمینه هیچ دخل و تصرفی نداشته‌اند. توقیفی بودن آیات علاوه بر آنکه اجماعی است، نصوص و روایات نیز آن را تأیید می‌کند.^۵

۱. مباحث فی علوم القرآن (مناع القطان)، ج ۱، ص ۱۲۲. برخی مفسرین در تفسیر آیه (إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ) همین معنی را بیان نموده‌اند. تنویر المعباس من تفسیر ابن عباس، ص ۴۹۳.

۲. شعب الإيمان، ج ۱، ص ۱۹۵؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۱؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۲۳۸-۲۳۷.

۳. مجمل التواریخ والقصص، ص ۲۶۲؛ تاریخ الإسلام، ج ۳، ص ۴۰۰؛ المعرفة والتاریخ، ج ۱، ص ۴۸۷؛ الاتقان، ج ۱، ص ۱۹۵.

۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۲۱؛ سنن أبی داود، ج ۱، ص ۲۸۷؛ جواهر التفسیر، ص ۲۳۵.

۵. تاریخ قرآن کریم، حجتی، ص ۶۶.

۲- نوشت افزار وحی

ابزار نویسندگی در عصر نزول قرآن بسیار ساده و ابتدایی بود. مسلمان‌ها از هر وسیله‌ای که برای کتابت در آن ممکن بود استفاده می‌کردند. در برخی از کتب تاریخی و روایی به این ابزار اشاره شده است:

۱- عُسْب: (جمع عسیب) چوب خرما که برگ‌هایش را می‌کنند و در قسمت پهن آن می‌نوشتند.

۲- لِخَاف (جمع لَخْفه): سنگ‌های کوچک و صفحه‌های نازک سنگ.

۳- اَدِیم (جمع اَدَم): تکه‌های پوست دباغی شده حیوانات.

۴- رِقَاع (جمع رَقْعَة): برگ‌های کاغذ، درخت یا پوست نازک.

۵- اَکْتاف (جمع کَتِف): استخوان شتر یا گوسفند.

۶- اِقْتَاب (جمع قَتَب): تخته چوبی که بر پشت شتر می‌گذاشتند که بر آن بنشینند.

۷- حَریر: پارچه ابریشمی که گاهی قرآن را بر آن می‌نوشتند.

۸- قَرَطِیس (جمع قَرطاس): به معنی کاغذ^۱

همچنین در قرآن نیز نام نوشت افزارهای زیر آمده است:

۱- قَرطاس ﴿وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰكَ كِتَابًا فِی قَرطاسٍ...﴾^۲ «و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر

تو نازل می‌کردیم...»

۲- قَلَم ﴿الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾^۳ «همان کس که به وسیله قلم آموخت.»

۱. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۰؛ الإِتقان، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. انعام، ۷.

۳. علق، ۴ و همچنین بنگرید: لقمان، ۲۷؛ قلم، ۱؛ آل عمران، ۴۴.

درآمدی بر علوم قرآن

۳- مداد ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾^۱ «بگو: اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می‌یابد، هر چند نظیرش را به مدد (آن) بیاوریم.»

۴- صحف ﴿وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾^۲ «و آن گاه که نامه‌ها از هم بگشایند.» ﴿فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ﴾^۳ «در صحیفه‌هایی ارجمند.»

۶- رَقَّ ﴿فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ﴾^۴ «در طوماری گسترده.»

۳- دیدگاه‌ها درباره اولین جمع قرآن

اینکه نخستین زمانی که قرآن جمع شد و این موضوع توسط چه کسی و یا چه کسانی انجام گرفت در بین دانشمندان علوم قرآن چند قول مطرح است:

الف- جمع در زمان پیامبر ﷺ

برخی معتقدند اولین جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ و با اشراف ایشان صورت پذیرفته است. قائلان این قول دلیل‌هایی را در این زمینه از قبیل دلیل قرآنی، روایی، عقلی و تاریخی اقامه کرده‌اند.^۵

ب- جمع توسط حضرت علی ؑ

دیدگاه دیگری وجود دارد که اولین جمع قرآن را به امام علی ؑ نسبت می‌دهد. در این باره روایاتی وجود دارد که به صراحت بیان می‌کند حضرت علی ؑ بعد از وفات پیامبر و

۱. کهف، ۱۰۹.

۲. تکویر، ۱۰.

۳. عبس، ۱۳.

۴. طور، ۳.

۵. البیان فی تفسیر القرآن، صص ۲۵۷-۲۳۸.

درس هشتم: جمع قرآن^۱»

به دستور ایشان اقدام به این عمل نمودند^۱ و پس از اتمام جمع قرآن، آن را بار شتری نمودند و به مردم عرضه نمودند، اما جامعه اسلامی به دلایلی آن را نپذیرفت و حضرت نیز قسم خوردند که دیگر مردم آن را نخواهند دید.^۲ در منابع شیعی نقل شده است که این قرآن دست به دست در نزد امامان معصوم علیهم السلام جزء ودائع امامت وجود داشته است و هم اکنون نیز آن قرآن نزد امام زمان (عج) محفوظ است.^۳

ویژگی‌های مصحف حضرت علی علیه السلام

مصحفی را که حضرت علی علیه السلام گردآوری کرده بودند، دارای ویژگی‌های خاصی بود که در مصاحف دیگر وجود نداشت:

الف: ترتیب دقیق آیات و سور، طبق نزول آنها، مکی پیش از مدنی قرار داشت و کاملاً مراحل و سیر تاریخی نزول آیات در آن روشن بود.

ب: در آن مصحف قرائت آیات، دقیقاً بر اساس قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که اصیل‌ترین قرائت بود، ثبت شده بود و هرگز برای اختلاف قرائت راهی در آن وجود نداشت.

ج: قرآن حضرت مشتمل تنزیل و تأویل و تفسیر و شأن نزول بود. حضرت علی علیه السلام خود در این باره می‌فرمایند: «و لقد جئتهم بالكتاب مشتملاً على التنزيل والتأويل»^۴ «برای آنها کتابی که مشتمل بر تنزیل و تأویل بود آوردم.»

ج - جمع توسط ابوبکر

عده‌ای نیز اولین جمع را به ابوبکر نسبت می‌دهند. این دیدگاه نظر اکثریت دانشمندان علوم قرآنی اهل سنت می‌باشد.^۵

۱. الأمالی للصدوق، ص ۳۲۰؛ المصاحف لابن ابی داود، ج ۱، ص ۳۳؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۱؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۸۴؛ «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ خَلْفَ الْقُرْآنِ خَلْفَ فِرَاشِي فِي الْمَصْحَفِ وَالْحَرِيرِ وَالْقَرَّاطِيسِ فَخَذُوهُ وَاجْمَعُوهُ وَلَا تُضَيِّعُوهُ كَمَا ضَيَّعَتِ الْيَهُودُ التَّوْرَةَ فَأَنْطَلَقَ عَلِيٌّ فَجَمَعَهُ فِي ثَوْبٍ أَصْفَرْتُمْ خَتَمَ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَقَالَ لَا أَرْتَدِي حَتَّى أَجْمَعَهُ وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لِيَأْتِيَهُ فَيَخْرِجُ إِلَيْهِ بَغِيرَ رِءَاءٍ حَتَّى جَمَعَهُ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ مَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ.»

۲. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۸؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۸۲؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.
۳. الكافي، ج ۲، ص ۶۳۳.

۴. برای اطلاعات بیشتر در زمینه نظم و ترتیب مصحف حضرت علی علیه السلام رجوع کنید به: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۵.

۵. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۲۳؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۵۷۲.

درآمدی بر علوم قرآن

آنان می‌گویند برخی از روایات وجود دارد که صراحتاً بیان می‌کند قرآن در زمان پیامبر ﷺ جمع نشده بلکه بعد از وفات حضرت اولین بار، توسط ابوبکر این کار صورت پذیرفته است.^۱

در جمع‌بندی دیدگاه‌ها درباره اولین جمع می‌توان گفت: بدون شک جمع اول قرآن در زمان پیامبر ﷺ و با نظارت ایشان صورت پذیرفت که در ادامه به ادله آن به اختصار اشاره خواهیم نمود. حضرت علی علیه السلام نیز اولین کسی بود که بر طبق تنزیل قرآن را جمع کرد و آن را تفسیر و تأویل نمود.^۲ در خصوص جمع ابوبکر به نظر می‌رسد این یک امر شخصی برای خلیفه بوده است. از آن روی که داشتن مصحف برای صحابه یک امتیاز مهم شمرده می‌شد و تعدادی از صحابه دارای مصحف بودند و ابوبکر که به عنوان خلیفه مسلمین فاقد این مهم بود، تصمیم به جمع قرآن گرفت و آن را در نزد خود تا هنگام وفاتش نگه داشت.

۴- دلایل اثبات جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ

در منابع اسلامی شواهد و قرائنی وجود دارد که با دقت و تأمل در آنها این مسئله بر ما ثابت می‌شود که قرآن در زمان پیامبر ﷺ به طور کامل جمع‌آوری شده است که در این قسمت به مهم‌ترین ادله جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ پرداخته می‌شود.

الف) دلایل قرآنی

۱- آیات تحدی

خداوند متعال در آیات تحدی به منکران قرآن می‌گوید: شما که ادعا دارید قرآن کلام خدا و سخنی الهی نیست بلکه قول پیامبر و صرفاً امری بشری می‌باشد، اگر راست می‌گویید ده سوره^۳ یا یک سوره^۴ و یا همانند این قرآن^۵ را بیاورید.

۱. فضایل القرآن، ابی عبیدالقاسم الهروی، ص ۲۸۳.

۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۸۸؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.

۳. هود، ۱۳.

۴. یونس ۳۸؛ بقره، ۲۳-۲۴.

۵. طور، ۳۴-۳۳.

استدلال: هنگامی که خداوند از بشر می‌خواهد همانند قرآن را بیاورند، مسلماً باید قرآنی مکتوب و مدون با سور و آیاتش وجود داشته باشد و در بین مردم، حتی کفار و مشرکان منتشر شده باشد تا خداوند بخواهد بدان تحدی کند. اما اگر روایت زید بن ثابت را بپذیریم که می‌گوید: قرآن در زمان پیامبر در سینه‌ها و چوب‌ها و اوراق و سنگ‌ها، پراکنده بوده و ما در زمان ابوبکر آن را جمع کردیم،^۱ تحدی به چنین قرآن پراکنده‌ای از سوی خداوند متعال چگونه امکان خواهد داشت؟ بنابراین آیات تحدی بر کامل بودن سور قرآن و تمایز آنها از یکدیگر دلالت دارد.^۲

۲- اطلاق لفظ کتاب بر قرآن

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که لفظ کتاب بر قرآن اطلاق شده است. همانند:

﴿كِتَابٌ فَصَّلْتُ ءَايَاتُهُ، قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾^۳ «کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند.»

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ، حَقَّ تِلَاوَتَةٍ﴾^۴ «کسانی که کتاب (آسمانی) به آنان داده‌ایم، (و) آن را چنان که باید می‌خوانند»

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ﴾^۵ «(این) کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن بیندیشند»

استدلال: بر اساس این آیات و آیات مشابه، حتماً باید مجموعه‌ای منسجم و مکتوبی تحت عنوان کتاب قرآن در زمان پیامبر ﷺ گردآوری شده باشد تا اینکه خداوند بگوید در این کتاب تدبر کنید یا اینکه حق تلاوت آن را به جا آورید.

۱. قال زید ابن ثابت: فتتبع القرآن أجمعه من الرقاع و العصب و اللخاف و صدور الرجال حتى وجدت آخر سورة التوبة مع خزيمة أو مع أبي خزيمة الأنصاري، فلم أجدها مع أحد غيره... لباب التأويل في معاني التنزيل، ج ۱، ص ۷؛ البرهان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲. تفسير الحديث، ج ۱، ص ۱۰۶؛ تاريخ قرآن، راميار، ص ۲۸۲؛ البيان في تفسير القرآن، ص ۲۵۱.

۳. فصلت، ۳.

۴. بقره، ۱۲۱.

۵. ص، ۲۹.

ب) دلایل روایی

۱- روایات جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ

در روایات بیان شده است که قرآن در زمان پیامبر ﷺ توسط شش نفر جمع شده است.^۱ از شعبی نقل گردیده است که ابی بن کعب، زید بن ثابت، معاذ بن جبل و ابوالدرداء سعد بن عبید و ابو زید، جماع قرآن بوده‌اند.^۲

علاوه بر اینکه صحابه قرآن را جمع می‌کردند، چندین مرتبه آن را بر پیامبر ﷺ می‌خواندند که در این خصوص از امام علی علیه السلام و عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و ابی بن کعب نام برده شده است.^۳ زید بن ثابت آخرین عرضه قرآن را شاهد بود و قرآن را نوشت و بر پیامبر اکرم ﷺ عرضه داشت. از وی نقل شده است که «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ نُؤَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرِّقَاعِ»^۴ «ما نزد رسول خدا بودیم، قرآن را از روی برگ و پوست، فراهم و مرتب می‌ساختیم.» حاکم نیشابوری می‌گوید: در این نقل دلیل روشنی است بر آن که قرآن در زمان پیامبر اکرم ﷺ تدوین شده است.^۵ معنای تألیف در این روایت طبق تفسیر و توضیح برخی از دانشمندان، ترتیب آیات و سور قرآن بوده است که طبق دستور پیامبر ﷺ صورت می‌پذیرفت و قابل تغییر نبوده است.^۶

بعضی از احادیث وارده دلالت بر وجود قرآن کریم مکتوب و منسجم در زمان پیامبر اکرم ﷺ دارد. کافی از حضرت باقر علیه السلام به سند خود روایت کرده که فرمودند: پیغمبر اکرم ﷺ فرموده خداوند سوره‌های طوال را به جای تورا و سوره‌های مئین را به جای انجیل و سوره‌های مثنی را به جای زبور به من عطا نموده و مرا از سایر پیغمبران به

۱. رجال الشیخ الطوسی، ج ۳، ص ۱۱۵؛ رجال ابن داود، ص ۷۷؛ رجال العلامة الحلی، ص ۲۹.

۲. المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۴۸۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۹۱؛ أسد الغابة، ج ۴، ص ۱۲۷.

۳. زبدة التفاسیر، ج ۱، ص ۱۰.

۴. الإیتقان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ دلائل النبوة، ج ۷، ص ۱۴۷.

۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۴۹؛ الإیتقان، ج ۱، ص ۱۶۰.

۶. تاریخ قرآن کریم، حجتی، ص ۶۷.

درس هشتم: جمع قرآن «۱»

سوره‌های مفصلی که عطا فرموده برتری داده است^۱ و این موضوع نشان دهنده توقیفی بودن ترتیب سور و آیات از جانب پیامبر می‌باشد.^۲

۲- حدیث ثقلین

حدیث ثقلین که جزء احادیث متواتر است و از طریق فریقین نقل گردیده،^۳ به روشنی ثابت می‌کند که قرآن در زمان پیامبر ﷺ جمع شده است. اگر بگوئیم قرآن در زمان پیامبر در سینه‌ها و چوب‌ها و اوراق و سنگ‌ها، پراکنده بود و در مجموعه‌ای گردآوری نشده بود، دیگر معنی نداشت که حضرت بفرمایند من دو چیز گرانبها - قرآن و اهل بیتم ﷺ - را در میان شما باقی گذاشته‌ام و برای هدایت به آنها متمسک شوید!^۴ بنابراین ضرورت دارد قرآن مکتوب و جمع شده‌ای در آن زمان وجود داشته باشد تا پیامبر ﷺ مردم را برای هدایت، به آن بخواند.

۳- مصحف باقی مانده از پیامبر ﷺ

بنا به تصریح روایات، پیامبر ﷺ در لحظات آخر عمر مبارک خویش حضرت علی را نزد خود فرا خواند و قرآنی را که در کنار بستر خویش بود به امام علی دادند و حضرت آن را در پارچه زردی پیچیده و به همراه خود بردند.^۵

۴- روایت ختم قرآن

در کتب حدیثی روایاتی از پیامبر ﷺ در باب فضیلت قرائت قرآن از مصحف و ختم آن وارد شده است.^۶

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵؛ المناقب، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲. تفسیر جامع، ج ۱، ص ۱۵؛ قرآن هرگز تحریف نشده، صص ۴۷-۴۹.

۳. «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابُ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ»، امالی للصدوق، ص ۴۰۵؛ الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۱؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۵۱؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷.

۴. رک: قرآن هرگز تحریف نشده، ص ۴۹؛ البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵۱.

۵. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۱؛ تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۹۸.

۶. الکافی، ج ۲، صص ۶۱۳-۶۱۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۷؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۳۰۴.

۵- روایات عرضه قرآن

هر سال جبرئیل آن مقدار از آیاتی را که بر پیامبر ﷺ نازل می‌کرد را با حضرت مقابله می‌نمود و در سال آخر عمر پیامبر ﷺ دو بار کل قرآن را به جبرئیل عرضه داشتند. معروف است که ابن مسعود در آخرین عرضه قرآن، حاضر بود آنچه را نسخ شده بود و یا تبدیل یافته بود می‌دانست.^۱

این روایات دلیل است که قرآن در حضور خود پیامبر ﷺ نوشته شده و خود به آن توجه فرموده و مطابق آنچه به او رسیده همگی به کتابت و ضبط در آمده است.

ج) دلیل عقلی

۱- حکمت بالغه

قرآن حجت خدا بر مردم و مقوم احکام و فرائض و منبع اصلی شریعت می‌باشد که قیام و استمرار دعوت دین به آن است. حال اگر پیامبر ﷺ قرآن را پراکنده می‌گذاشت و جمع نمی‌کرد و حدود آن را مشخص نمی‌نمود و تعداد آیاتش را بیان نمی‌داشت و اعرابش را مشخص نمی‌کرد و نصوص و سور آن را محدود نمی‌نمود، غرض از نزول قرآن تقویت نمی‌شد و این موضوع خلاف حکمت بود.^۲ هر کس پیامبر ﷺ را بشناسد و ختم نبوت را بپذیرد و به اخلاص حضرتش به خدا، قرآن و مردم آشنا باشد و همت بلند و عاقبت اندیشی و احتیاط در کارها و نظر حکیمانه‌اش را بداند، محال می‌داند که قرآن را که حاصل و نتیجه دعوتش می‌باشد، پراکنده و نامنظم رها کند. این کار از عزم راسخ و حکمت عمیق پیامبر ﷺ دور است.

۲- عدم جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ مستلزم تحریف است

اگر قائل به این موضوع شویم که قرآن در زمان پیامبر ﷺ جمع و تدوین نگشته باشد و بعد از وفات آن حضرت توسط صحابی به صورت پراکنده از سنگ و استخوان و کاغذ و ... به

۱. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۴۷؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، صص ۵۹-۵۷؛ لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۱، ص ۷.

۲. التفسیر الحدیث، ج ۱، ص ۸۶؛ سعد السعود للنفوس منضود، ص ۱۹۴-۱۹۲.

درس هشتم: جمع قرآن^۱»

شهادت دو نفر از صحابه جمع‌آوری شده باشد، این موضوع مستمسکی برای مدعیان تحریف قرآن قرار می‌گیرد.^۱

برای اینکه بطور قطع بگوییم که این قرآن همان قرآنی است که از جانب خدا نازل شده است یا باید به دست معصوم جمع شده باشد و یا اینکه همه الفاظ آن متواتراً نقل شده باشد. اگر گزارشی مبنی بر جمع توسط معصوم در دست نباشد پس باید قرآن متواتر باشد. اما اگر نحوه جمع در زمان ابوبکر توسط زید با شهادت دو شاهد را بپذیریم، لازمه اش آن است که قرآن به طور متواتر جمع نشده باشد، بنابراین قرآن ظنی السند خواهد بود و چیزی که سندش ظنی باشد احتمال می‌رود دستهای دشمنان در جمع آن راه پیدا کند. در نتیجه یا به وقوع تحریف در قرآن اطمینان پیدا می‌کنیم یا حداقل احتمال می‌دهیم که تحریف در این کتاب راه یافته باشد.^۲

با تکیه بر شواهد تاریخی و دلایل عقلی و روایی و در درجه نخست گواهی خود قرآن ثابت می‌شود که از همان سال‌های اقامت در مکه و مدت‌ها پیش از هجرت، قرآن نوشته شده و جمع می‌شده و به دور از پراکندگی دست به دست می‌گشته است.

۱. البیان فی تفسیر القرآن، صص ۲۵۷-۲۵۵.

۲. نزاهت قرآن از تحریف، صص ۱۵۵-۱۵۴.

- ۱- مفهوم اصطلاحی جمع قرآن به معنی حفظ در ذهن، گردآوری و تألیف می‌باشد.
- ۲- نوشت افزارهای موجود در زمان نزول وحی عبارت است از: عُسْب، لِحاف، اَدِیم، رِقاع، اَکتاف، اَقتاب، حریر، قرطاس، قلم، مداد، صحف، سَجَل، رَق.
- ۳- دیدگاه‌های مطرح شده درباره اولین جمع قرآن عبارتند از: جمع در زمان پیامبر ﷺ، جمع توسط حضرت علی ؑ، جمع توسط ابوبکر.
- ۴- اولین جمع قرآن در زمان پیامبر و با اشراف ایشان صورت پذیرفته است.
- ۵- اکثریت دانشمندان علوم قرآنی اهل سنت اولین جمع را به ابوبکر نسبت می‌دهند.
- ۶- هنگامی که خداوند بشر را دعوت به تحدی می‌کند، مسلماً باید قرآنی مکتوب و مدون با سور و آیاتش وجود داشته باشد تا خداوند بخواد بدان تحدی کند.
- ۷- قرآن در زمان پیامبر ﷺ توسط شش نفر جمع شده است. از جمله علی ؑ، عثمان، ابن مسعود، عبدالله بن عمرو بن العاص و سالم مولی اُبی حذیفه.
- ۸- حدیث ثقلین به روشنی ثابت می‌کند که قرآن در زمان پیامبر ﷺ جمع شده است.
- ۹- مصحف باقی مانده از پیامبر ﷺ، روایات ختم قرآن، تألیف قرآن نزد رسول اکرم ﷺ، روایات عرضه قرآن، مشخص می‌کنند که قرآن در زمان پیامبر ﷺ گردآوری شده بود.
- ۱۰- اگر پیامبر ﷺ قرآن را پراکنده می‌گذاشت و جمع نمی‌کرد و حدود آن را مشخص نمی‌نمود، غرض از نزول قرآن تقویت نمی‌شد و این موضوع خلاف حکمت بود.
- ۱۱- اهتمام پیامبر و مسلمین در محافظت از قرآن جمع قرآن را در زمان پیامبر اثبات می‌کند.

- ۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی جمع را توضیح دهید.
- ۲- نوشت افزارهای ذکر شده در قرآن را نام ببرید.
- ۳- دیدگاه‌ها درباره اولین جمع قرآن را مطرح کنید.
- ۴- ویژگی‌های مصحف امام علی علیه السلام را ذکر نمایید.
- ۵- آیاتی را که جمع قرآن در زمان پیامبر را اثبات می‌کند، شرح دهید.
- ۶- احادیثی که بر وجود قرآن مکتوب در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دلالت دارد، را بیان کنید.
- ۷- دلالت روایات عرضه بر جمع قرآن را توضیح دهید.
- ۸- آیا عدم جمع قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تحریف قرآن می‌انجامد؟ چگونه؟

درس نهم

جمع قرآن «۲»

اهداف آموزشی درس

بررسی نحوه جمع قرآن در زمان ابوبکر

بررسی انگیزه یکی کردن مصحف در زمان عثمان

آگاهی از نحوه یکی کردن مصاحف

آشنایی با ویژگی‌های مصحف عثمانی

نگاهی به اعراب و اعجام قرآن

در درس قبل به طور اختصار درباره جمع قرآن در زمان ابوبکر اشاره شد و ذکر گردید که عده ای از علما معتقدند که اولین جمع قرآن بعد از وفات پیامبر ﷺ برای اولین در زمان ابوبکر صورت پذیرفت.^۱ این دیدگاه نظر اکثریت دانشمندان علوم قرآنی اهل سنت می باشد.

کیفیت جمع قرآن توسط ابوبکر

درباره علت جمع قرآن در زمان ابوبکر چنین نقل شده است که در جنگ یمامه (جنگ با مسیلمه کذاب) تعداد هفتاد تن از قاریان و حافظان کشته شدند. عمر به ابوبکر پیشنهاد داد برای اینکه قرآن نابود نشود، شایسته است آن را جمع کند. ابوبکر نیز زیدبن ثابت را مأمور انجام این کار کرد، اما زید در ابتدا نپذیرفت و گفت چطور قرآن را جمع کنم در حالی که پیامبر در حیات خود این کار را انجام نداد. اما سرانجام آن را پذیرفت و قرآن را که در برگ ها و کاغذها و پوست درختان و سنگ ها و سینه های مردم پراکنده بود جمع نمود. کیفیت جمع قرآن در زمان ابوبکر توسط زید این گونه بود که زید هر یک از آیات قرآن را با شهادت دو شاهد می پذیرفت و آیه آخر سوره توبه را فقط نزد خزیمه ابن ثابت انصاری که ملقب به ذوالشهادتین بود یافتند.^۲

زیدبن ثابت در طول یک سال همه آیات و سوره را جمع کرد و نام آن را «مصحف» گذاشت. این مصحف تا وفات ابوبکر نزد وی بود و بعد از آن به عمر رسید و پس از عمر نزد دختر وی «حفصه» ماند. پس از مرگ حفصه مروان بن حکم بر آن صحیفه دست یافت و آنها را سوزاند.^۳

۱. فضایل القرآن، ابی عبید القاسم الیهروی، ص ۲۸۳.

۲. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۹۹؛ إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۳۷۸؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۴۹-۵۲.

۳. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹؛ المصاحف لابن أبی داود، صص ۷۳-۷۱.

درآمدی بر علوم قرآن

همانطور که در درس گذشته توضیح داده شد مسلماً قرآن با همین ترتیبی که امروز در دست ما است در زمان پیامبر ﷺ جمع شده است. روایات زید بن ثابت که می‌گوید: «من چطور قرآن را جمع کنم در حالیکه پیامبر این کار را انجام نداد.» با روایات قطعی جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ در تضاد آشکار می‌باشد. دیگر اینکه نحوه و کیفیت جمع قرآن در زبان ابوبکر که آیات را با دو شاهد پذیرفت شبهه تحریف به نقصیه را در اذهان به وجود می‌آورد و ممکن است کسی بگوید شاید آیاتی وجود داشته باشد ولی توسط زیدبن ثابت جمع نشده بود. براستی چگونه ممکن است با وجود آن همه صحابی ای که در زمان پیامبر ﷺ قرآن را حفظ می‌کردند و آن را می‌نوشتند، آیه آخر سوره توبه فقط نزد خزیمه بن ثابت انصاری موجود باشد و کس دیگری از این آیه اطلاع نداشته باشد؟

بنابراین پذیرش این سخن که اولین جمع قرآن در زمان خلیفه اول - با آن کیفیتی که شرح داده شد- روی داده باشد جای تردید و شک بسیار است. چگونه ممکن است پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ هیچ اهمتامی به حفظ نتیجه رسالت خود که همان قرآن مجید است نداشته باشد؟ و طبق گفته زیدبن ثابت آن را در برگ‌ها و کاغذها و پوست درختان و سنگ‌ها و استخوان شترها و سینه‌ها و حافظه‌های مردم رها کرده باشد و تا بعد از او صحابه قرآن را از پراکندگی نجات داده و جمع نمایند؟

توحید مصاحف در زمان عثمان

از آن روی که در بین مسلمین قرآن وجود داشت و برخی از صحابه نیز مصحف داشتند، سایر مسلمین از روی نسخه آنان برای خود استنساخ می‌کردند که در این جریان از طرف حکومت هیچ‌گونه نظارتی وجود نداشت. جمع کنندگان مصحف‌ها متعدد بودند و در این جهت با یکدیگر رابطه‌ای نداشتند و از نظر صلاحیت و استعداد و توانایی انجام این کار یکسان نبودند. بنابراین نسخه‌های هر کدام از نظر روش، ترتیب، قرائت و... با هم تفاوت‌هایی پیدا نمودند. در نتیجه تشتت‌هایی در قرائات میان قراء و جامعه مسلمان‌ها پدید آمد. این اختلافات در زمان ابوبکر و عمر جلب نظر می‌کرد ولی در زمان عثمان قرائات قرآن دستخوش پریشانی گشت که حتی در خود مدینه، معلمان قرآن، شاگردان را با گونه‌های

درس نهم: جمع قرآن «۲»

مختلفی از قرائات تعلیم می‌دادند. افرادی که قرائات را از استاد خود أخذ می‌کردند با هم به ستیز می‌پرداختند و این ستیز میان استاد آنان نیز سرایت می‌کرد و شروع به تکفیر همدیگر می‌نمودند. با گسترش قلمرو حکومت اسلامی، اعراب با ملل غیر عرب روابط برقرار ساختند و این اختلاف و اختلاط منشاء پیدایش اختلاف بی‌رویه در امر قرائت قرآن گردید.^۱

بخاری از انس بن مالک روایتی درباره اختلاف قرائات نقل می‌کند: در جنگ ارمستان و آذربایجان به همراه سپاهیان شامی و عراقی شرکت داشت، در گیر و دار جنگ، اختلاف سپاه اسلام در قرائت قرآن را مشاهده کرد و سخت به وحشت افتاد. وقتی نزد عثمان برگشت به او گفت: ای امیر المومنان! امت اسلام را قبل از آنکه در کتاب دینی خود مانند یهود و نصاری اختلاف کنند، دریاب.^۲

این حوادث باعث شد که عثمان به فکر یکی کردن مصاحف برآید و در این باره با صحابه مشورت کرد و با توجه به مشکلات و موانعی که در پیش بود، اقدام به یکسان سازی مصاحف نمود.

نحوه یکی کردن مصاحف

عثمان به سرعت به یکسان سازی مصاحف اقدام کرد. در بدو امر کمیته‌ای را برای این امر تشکیل داد و سپس به جمع‌آوری همه نوشته‌های قرآنی از تمام بلاد اسلامی پرداخت. از مصحف ابوبکر که در دست حفصه بود و مصحف ابی ابن کعب نیز استفاده نمود. بر حسب گواهی روایاتی از اهل سنت و نیز احادیثی از شیعه، نظارت حضرت علی علیه السلام مأخذ مهم و دقیقی بر منابع کار عثمان بود و در واقع پشتوانه کار عثمان در جمع و ترتیب قرآن، علم و دانش حضرت علی علیه السلام بوده است.^۳

پس از آنکه نسخه‌هایی تهیه شد، عثمان دستور داد همه مصاحف دیگر را بسوزانند و حتی فرمان داد که صحیفه موجود نزد حفصه نیز سوزانده شود. از این رو به عثمان لقب

۱. البدایة والنهایة، ج ۷، ص ۲۱۶.

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۹۰۸؛ الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۱۱.

۳. سعد السعود، ص ۲۷۹-۲۷۸؛ تاریخ قرآن کریم، حجتی، ص ۴۴۳.

درآمدی بر علوم قرآن

«خَرَّاقُ المصاحف» داده‌اند.^۱ البته برخی گفته‌اند ممکن است عثمان با وسیله دیگری غیر از آتش، مصاحف را محو کرده باشد. یعنی امکان دارد ناسخان بجای «خَرَق» - به معنی از بین بردن - اشتباهاً «خَرَق» را نوشته باشند. روایتی در این زمینه وجود دارد که می‌گوید: پس از آنکه عثمان قرآن را جمع کرد سایر مصاحف را در آب گرم و سرکه جوشانید.^۲

اما موضع همه صحابه درباره یکسان کردن مصاحف یکی نبود و حتی برخی صحابه همانند ابن مسعود علناً با کار عثمان به مخالفت برخاست و حاضر نشد مصحف خود را به عثمان بدهد.^۳

تعداد و ویژگی‌های مصحف عثمانی

مورخان در شمار مصحف‌های هماهنگی که توسط عثمان نوشته شد و به اقصی نقاط ممالک اسلامی فرستاده شد اختلاف نظر دارند. برخی‌ها تعداد مصاحف نوشته شده به غیر از نسخه اصلی «ام» که عثمان آن را در نزد خود نگه داشته بود را پنج عدد دانسته‌اند که به پنج مرکز مهم اسلامی آن روز ارسال شد.^۴ این پنج مرکز عبارت بودند از: مدینه، مکه، کوفه، بصره، شام.

گفته شده عثمان همراه هر مصحف یک قاری قرآن نیز به منطقه موردنظر اعزام می‌کرد تا قرائت قرآن را مطابق با آن مصحف به مردم بیاموزند. مصحفی که به هر منطقه اعزام می‌شد، در مرکز آن منطقه نگهداری می‌شد و از روی آن، نسخه‌های دیگری استنساخ می‌شد تا در دسترس مردم قرار گیرد. تنها قرائت این مصحف‌ها رسمیت داشت و هر نسخه و یا قرائتی که با این مصحف‌های یکسان شده اختلاف داشت، غیر رسمی و ممنوع شناخته می‌شد و استفاده از آنها برای افراد مجازات داشت.^۵

۱. مباحث فی علوم القرآن، مناع القطان، ج ۱، ص ۱۳۹؛ المصاحف لابن أبی داود، ص ۷۷.

۲. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۵۴.

۳. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۰؛ البدایة والنهایة، ج ۷، ص ۲۱۷.

۴. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۰؛ الإیتقان، ج ۱، ص ۲۱۵.

۵. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۰.

درس نهم: جمع قرآن «۲»

ترتیب سور در مصاحف عثمانی، همانند ترتیب سور صحابه در زمان پیامبر ﷺ و قرآن‌های کنونی بوده است؛ بدین شکل که سوره‌های سبع طوال، مئین، مثانی و مفسلات در این مصاحف به ترتیب آمده بودند.^۱ همچنین این مصاحف دارای رسم الخط ابتدایی و فاقد هرگونه نقطه و اعراب و علائم مشخصی بوده است. لذا بین، با و تا و ثا و یا تفاوتی نبود. در ضمن ج و ح و خ نیز از یکدیگر تمایز داده نمی‌شد، زیرا که در هنگام جمع قرآن عثمان گفته بود «جَرِّدُوا الْقُرْآنَ» یعنی قرآن را از هرگونه مشخصات املایی خالی سازید.^۲

اعراب و اعجام^۳ قرآن

خط عربی در ابتدا فاقد نقطه و نشانه و علامت بوده است و مصحف نیز همان‌طور که گفته شد از هر علامتی که نشان دهنده حرکت کلمه و اعراب آن باشد، عاری بود. در ابتدا مسلمان‌ها بدون هیچ مشکلی قرآن را که به زبان آنها بوده درست می‌خواندند و مشکلی وجود نداشت. اما در سال‌های بعد با گسترش قلمرو جامعه اسلامی به سوی کشورهای غیر عربی، به وضع علائم و نشانه‌هایی برای کلمات قرآن نیاز مبرم پیدا شد تا بدین وسیله از خطاها و اشتباهات در خواندن قرآن جلوگیری به عمل آید. چنانچه ابوالاسود دوئلی که پایه گذار علائم اعرابی قرآن و علم نحو و از صحابی حضرت علی علیه السلام بوده است، شنید کسی در آیه «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»^۴ «خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند» کلمه رسول را به کسره می‌خواند که معنی آن می‌شود «خداوند از مشرکان و پیامبرش بیزار است.» از این رو ابوالاسود دوئلی بر اساس نقلی حسب درخواست زیادبن ابیه، حاکم کوفه به امر اعراب گذاری قرآن اهتمام ورزید. کار وی بدین صورت بوده است که نویسنده‌ای را انتخاب کرد و به او گفت: هر حرفی را که من با گشودن دهان ادا کردم (مفتوح) نقطه‌ای بر

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، صص ۲۲۱ و ۳۳۰.

۲. مباحث فی علوم القرآن، صبحی الصالح، ج ۱، ص ۱۵۲؛ مناهل العرفان، ج ۱، ص ۴۰۹.

۳. اعجام از نظر لغوی به معنی برطرف ساختن ابهام و گنگی است و چون با نقطه گذاری حروف متشابه و همانند یکدیگر، از قبیل: باء، تاء، ثاء و یا از آنها رفع ابهام می‌باشد. لذا عرب حروف نقطه دار را «حروف معجمه» و حروف بی نقطه را «حروف مهمله» نامید. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۱۲؛ کتاب العین، ج ۱، ص ۲۳۸.

۴. توبه، ۳.

درآمدی بر علوم قرآن

بالای آن حرف بگذار و اگر دهان خود را جمع کردم (مضموم) نقطه‌ای در جلوی آن حرف قرار بده و اگر حرفی را کسره خواندم نقطه‌ای را بر زیر آن حرف بنویس. پس از چندی اعراب قرآن که با نقطه گذاری آغاز گشته بود، توسط خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ ق.) به نشانه‌های متداول ـَـ و ـِـ تبدیل شد.^۱

اولین کسانی که به نقطه‌گذاری حروف مشابه قرآن اقدام کردند، «یحیی بن یعمر» و «نصر بن عاصم لیثی» از شاگردان ابوالاسود بودند که در ادامه کار استاد خود، به نقطه‌گذاری حروف مشابه دست زدند. هر چند که برخی از علماء و مردم در ابتدا با این عمل مخالفت نمودند و کراهت خود را ابراز داشتند،^۲ اما آرام آرام اعراب و اعجام قرآن در بین علما و امت اسلام جایگاه خود را یافت. این موضوع همچنین سبب تکامل خط عربی گردید. خطاطان و خوشنویسان تا اواخر قرن چهارم، قرآن را به خط کوفی می‌نوشتند و خط زیبای نسخ در اوائل قرن پنجم جای خط کوفی را گرفت. از این به بعد در خط قرآنی تمام نقطه‌ها و نشانه‌هایی که هم اکنون معمول و متداول است، نوشته می‌شد.

۱. المحکم فی نقط المصاحف، صص ۹-۳؛ الفهرست، ابن ندیم، صص ۴۷-۴۶.
 ۲. تاریخ قرآن کریم، حجتی، ص ۴۶۹؛ فضائل القرآن للقاسم بن سلام، ج ۲، ص ۳۰۵.

چکیده

- ۱- بر اساس عقیده علمای اهل سنت، اولین جمع قرآن بعد از رحلت پیامبر ﷺ در زمان خلیفه اول با نظارت زید بن ثابت صورت پذیرفت.
- ۲- در زمان خلیفه اول و دوم مسلمین هر کدام به طور جداگانه از روی مصاحف صحابه برای خود نسخه‌هایی از قرآن استنساخ می‌کردند و به علت عدم توانایی لازم از سوی مسلمین تشتت‌هایی در قرائات میان قراء پدید آمد و این امر باعث تفرقه در میان مسلمین شد. همین مسئله سبب شد تا عثمان به توحید مصاحف روی بیاورد.
- ۳- عثمان برای توحید مصاحف، کمیته‌ای را تشکیل داد و سپس به جمع‌آوری تمام نوشته‌های قرآنی از تمام بلاد اسلامی پرداخت، نظارت حضرت علی علیه السلام به عنوان مهمترین منبع مصحف وی بود.
- ۴- تعداد مصاحف به غیر از نسخه اصلی - که عثمان نزد خود نگه داشت - پنج عدد می‌باشد که به پنج مرکز مهم اسلامی آن روز ارسال شد.
- ۵- ترتیب سور در مصاحف عثمانی، همانند ترتیب سور قرآن‌های کنونی بوده است و دارای رسم الخط ابتدایی و فاقد هرگونه نقطه و اعراب و علائم مشخصی بوده است.
- ۶- پس از توحید مصاحف، به سبب اختلاط میان عرب‌ها و اقوام غیر عرب، فصاحت عربی دستخوش تغییر شد و به همین علت، ضرورت نشانه گذاری در مصاحف احساس شد.
- ۷- نقطه‌گذاری و اعراب گذاری قرآن اولین بار توسط ابوالاسود دؤلی صورت گرفت و خلیل بن احمد فراهیدی آنها را به نشانه‌های فعلی تبدیل نمود.

پرسش و پاسخ

- ۱- نحوه جمع قرآن توسط زید بن ثابت را مورد بررسی قرار دهید.
- ۲- علت و کیفیت یکی کردن مصاحف را به اختصار توضیح دهید.
- ۳- حَرَّاقُ المصاحف به چه معنی است و به چه کسی گفته شده است؟ شرح دهید.
- ۴- ویژگی‌های مصحف عثمانی را بیان کنید.
- ۵- مقصود از اعراب و اعجام قرآن چیست؟

درس دهم

قراءات قرآن

اهداف آموزشی درس

آشنایی با مفهوم اصطلاحی قرائت

بررسی عوامل پیدایش اختلاف قراءات

کاوشی در ادله تواتر قراءات و بررسی آنها

آشنایی با قراء سبعه و راویان آنها

آگاهی از صحت قرائت عاصم در مقایسه با سائر قراءات

قرائت قرآن و تلاوت آیات آن یکی از مهم‌ترین مسائل علوم قرآنی به شمار می‌رود، به گونه‌ای که از همان دوران نخست پیوسته عده‌ای به این کار همت گماشته و عهده‌دار قرائت قرآن و تعلیم آن در جامعه اسلامی بوده‌اند. در زمان نزول قرآن، پیامبر ﷺ شخصاً قرآن را بر صحابه «اقرء» می‌فرمود و گروهی از اصحاب مثل حضرت علی رضی الله عنه، عبدالله بن مسعود، ابی‌بن کعب، زیدبن ثابت و دیگران قرآن را بدون واسطه از پیامبر ﷺ دریافت نمودند. بعد از رحلت پیامبر ﷺ قرائت قرآن در جامعه اسلامی متفاوت گردید و هر یک از اقوام بر اساس لهجه خود قرآن را تلاوت می‌کردند و این موضوع تا بدانجا پیش رفت که عثمان مجبور گردید در توحید مصاحف لهجه‌های مختلف را از بین ببرد و مصحفی براساس قرائت متواتر و مشهور گردآوری نماید. اگرچه هدف عثمان از توحید مصاحف اتحاد قرائت‌های مختلف بود، اما از آن جهت که خط اولیه فاقد اعراب و اعجام بود، به طور کلی بحث اختلاف قرائات در جامعه اسلامی از بین نرفت و مسأله اختلاف قرائات بعد از عثمان ادامه یافت تا اینکه در قرن دوم با ظهور قراء هفت گانه، مکاتب و مذاهب گوناگون در قرائت قرآن پدید آمد. در این قرن گروهی منحصرأ به قرائت قرآن پرداختند و همه توان و همت خویش را در تدوین این علم به کار گرفتند. بنابراین قرن دوم را می‌توان دوران پایه‌گذاری و اوج گیری علم قرائت دانست.

قرائات و سلسله قاریان به نام، قرن به قرن ادامه یافت تا اینکه در اوائل قرن چهارم ابوبکر بن مجاهد شیخ القراء بغداد، قرائات را در هفت قاری به نام، به رسمیت شناخت. بعدها در دوره‌های مختلف هفت قاری دیگر اضافه شد که بدین ترتیب مجموعاً چهارده قرائت معروف

درآمدی بر علوم قرآن

شد. از آن جهت که هر کدام از این قرائات به وسیله دو راوی روایت شده، مجموع قرائت‌های متداول به بیست و هشت قرائت می‌رسد.^۱

مفهوم قرائت

کلمه «قرائت» مصدر «قرأ» به معنای ضمیمه کردن حروف و کلمات به یکدیگر^۲ و ردیف کردن حروف و کلمات و تلفظ آنها با صوت است. قرائت هم شامل مطالعه می‌شود و هم شامل آنجایی که جمع حروف و کلمات تلفظ شود و هم آنجایی که این عمل با شنیدن انجام گیرد که اطلاق قرائت بر معنای اخیر تلاوت هم نامیده می‌شود.^۳ قرائت و تلاوت در اصطلاح طرق و روایات قرآنی است که با اسناد به یکی از قرائات سبعة خوانده شود.

عوامل به وجود آمدن اختلاف قرائات

اختلاف قرائت انگیزه‌ها و عوامل متفاوت دارد که در ادامه برخی از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- عاری بودن مصاحف عثمانی از نقطه و اعراب

بعد از متحد ساختن قرائات مصاحف در زمان عثمان به علت عاری بودن آن مصاحف از نقطه و اعراب، بسیاری از کلمات در قرآن قابلیت قرائت به صورت‌های مختلف را داشت. لذا میان «س» و «ش»؛ «ب» و «ت» و «ث»؛ «ج» و «ح» و «چ» و «خ»؛ «ص» و «ض»؛ «ط» و «ظ»؛ «ع» و «غ» در نوشتن هیچ فرقی نبود و خواننده باید با دقت و تامل در کلمات فرق آنها را متوجه می‌شد. دو نمونه از اختلاف قرائتی که از همین عامل ناشی شده بدین قرار است:

کسائی آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا»^۴ را به صورت «فَتَثَبَّتُوا» خوانده است.

۱. رک: علوم قرآنی، معرفت، ص ۱۶۵.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۶۸.

۳. المیزان، ج ۲۰، صص ۳۲۳-۳۲۲.

۴. حجرات، ۶.

درس دهم: قرائات قرآن

نافع آیه «وَلَا تُسَلُّ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ»^۱ را به صیغه نهی «لَا تُسَلُّ» خوانده است.

۲- خالی بودن از «الف» در وسط کلمات

این عامل نیز در بسیاری از موارد موجب اختلاف قرائات شده است. مثلاً کلمه «يُخَدَّعُونَ»^۲ به صورت‌های يُخَادِعُونَ، يُخَادَعُونَ، يُخَدَّعُونَ و یا وجوه دیگر قرائت شده است.^۳

بنابراین منشأ بسیاری از اختلاف قرائات به ابتدائی بودن خط عربی برمی‌گردد.

۳- تفاوت لهجه

قرآن به زبان و لهجه قریش که بهترین و فصیح‌ترین لهجه در میان لهجه‌های عرب بود نازل شد. اما قاریان قرآن که دارای لهجه‌های گوناگون بودند چه بسا در تلفظ یک کلمه آن را به لهجه خویش قرائت می‌کردند و همین امر به تدریج باعث اختلاف قرائات می‌شد. مثلاً کلمه «نَسْتَعِينُ» در بعضی از لهجه‌های عرب به «نِسْتَعِينُ» تلفظ شده است.

قراء سبعه و راویان آنها

به دلایل ذکر شده قرائت قرآن بین قاریان در مواردی اختلاف داشت و تعداد قاریان در طول سالیان متمادی افزایش می‌یافت تا اینکه ابن مجاهد از میان قرائات قرآن، هفت قرائت را برگزید. اسامی قاریان هفتگانه و راویان آنها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- عبد الله بن عامر دمشقی (متوفای ۱۱۸): از قراء اهل شام است. دو راوی او هشام بن عمار (۱۵۳-۲۴۵) و ابن ذکوان (۱۷۳-۲۴۲) هستند که هرگز ابن عامر را درک نکرده‌اند.

۱. بقره، ۱۱۹.

۲. بقره، ۹.

۳. ر.ک: معجم القرائات القرآنیة، ج ۱، ص ۲۵.

درآمدی بر علوم قرآن

- ۲- عبدالله بن کثیر مکی (متوفای ۱۲۰): از قراء مکه است و دو راوی وی بزّی (۱۷۰-۲۵۰) و قُنْبُل (۱۹۱-۲۹۵) هستند که هرگز او را درک نکرده‌اند.
- ۳- عاصم بن ابی النجود اسدی (متوفای ۱۲۷): قاری کوفه و دو راویش حفص بن سلیمان-پسر خوانده او- (۹۰-۱۸۰) و شعبه ابوبکر بن عیاش (۹۵-۱۹۳).
- ۴- زبّان ابو عمرو بن العلا مازنی (متوفای ۱۵۴): قاری بصره و دو راوی وی، دوری حفص بن عمر (متوفای ۲۴۶) و سوسی صالح بن زیاد (متوفای ۲۶۱) است.
- ۵- حمزه بن حبیب زبّات (متوفای ۱۵۶): از قراء کوفه و دو راوی او خلف بن هشام (۲۲۹-۱۵۰) و خلاد بن خالد (متوفای ۲۲۰) است.
- ۶- نافع بن عبد الرحمن اللیثی (متوفای ۱۶۹): قاری مدینه و دو راوی وی عیسی بن میناء (۲۲۰-۱۲۰) و ورش، عثمان بن سعید (۱۹۷-۱۱۰) است.
- ۷- علی بن حمزه کسای (متوفای ۱۸۹): قاری کوفه و راویانش لیث بن خالد (متوفای ۲۴۰) و دوری حفص بن عمر (متوفای ۲۴۶) است.
- متأخرین سه نفر دیگر بر این هفت نفر اضافه نموده‌اند که عبارتند از: خلف بن هشام (راوی حمزه) و یعقوب حضرمی (متوفای ۲۰۵) و ابو جعفر مخزومی که هریک دارای دو راوی می‌باشند.
- چهار قاری دیگری که به قرائت شاذ قرائت می‌کردند نیز بر این ده قاری افزوده شده‌اند که نام آنها به قرار زیر است:
- حسن بن یسار بصری (متوفای ۱۱۰) و محمد بن عبدالرحمان (متوفای ۱۲۳) و یحیی بن مبارک یزیدی (متوفای ۲۰۲) و سلیمان بن مهران اسدی (متوفای ۳۷۱).

ادله تواتر قرائات سبع

طرفداران عقیده تواتر^۱ قرائات سبع، برای اثبات نظریه خود ادله‌ای ارائه نموده‌اند که در ادامه پس از ذکر آنها به نقد و بررسی آن می‌پردازیم:

۱- اگر قرائات سبع متواتر نباشد، قرآن نیز متواتر نخواهد بود و چون عدم تواتر قرآن محال است پس عدم تواتر قرائات نیز محال می‌باشد. بعضی از علما درباره قرائت‌های هفت‌گانه مبالغه نموده و کسانی را که این قرائت‌ها را متواتر نمی‌دانند، کافر و خارج از اسلام پنداشته‌اند زیرا به نظر آنان این سخن مستلزم عدم تواتر خود قرآن می‌باشد و به نوعی این روایت را به قرائات سبعة ارتباط می‌دهند.^۲

در پاسخ باید گفت که قرآن و قرائت‌های مختلف آن، دو حقیقت متمایز می‌باشند؛ زیرا قرآن همان وحی است که به عنوان راهنمای مردم و سند نبوت بر محمد ﷺ فرود آمده ولی قرائت‌های مختلف وحی نیست بلکه اختلاف در حروف و حرکات و در چگونگی تلفظ الفاظ وحی است، قرائت‌های هفت‌گانه از قاریان برای ما به طور متواتر نقل گردیده است ولی متواتر بودن آنها از خود رسول خدا ﷺ برای قاریان جای تردید است؛ زیرا اسناد این قرائت‌ها در کتب قرائت موجود است که همه آنها از پیامبر اسلام ﷺ به صورت خبر واحد^۳ به ما رسیده‌اند نه به صورت متواتر.^۴

عقیده معروف در میان شیعه این است که انتساب این قرائت‌ها به پیامبر ﷺ قطعی نیست و دلیلی بر اثبات متواتر بودن تمامی قرائات تا پیامبر ﷺ وجود ندارد، بلکه بعضی از قرائت‌ها یک نوع اجتهاد از طرف خود قاریان بوده، تمام اسناد قرائت‌ها که در کتب قرائت آمده در زمره اسناد آحاد است و تواتر آنها جای شک و تردید بسیاری دارد.^۵

۱. تواتر: نقل‌های پیایی و فراوان و یقین‌آور را که ناقلان آن در کثرت به حدی باشند که یقین‌آور باشد «تواتر» و هر مطلبی که بدین گونه نقل شده باشد و این چنین به دست دیگران برسد «متواتر» می‌گویند.

۲. فتح الباری، ابن حجر، ج ۹، ص ۲۰.

۳. هر خبری که ناقلانش به آن حد نرسند آن را «خبر واحد» می‌نامند.

۴. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۷؛ الاتقان، ج ۱، ص ۱۳۸.

۵. البیان فی تفسیر القرآن، صص ۱۵۰-۱۴۹.

درآمدی بر علوم قرآن

۲- بسیاری از علما و فقهای اهل سنت قائل به متواتر بودن قرائات سبعة هستند و معتقدند که قرآن با همین قرائت‌ها نازل شده است و حدیث معروف «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أُنْزِلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ»^۱ «قرآن بر هفت حرف نازل شده است» را مربوط به همین موضوع دانسته و می‌گویند: قرآن بر هفت لغت و لهجه و قرائت نازل شده است و عقیده دارند که پیغمبر قرآن را با همین قرائات می‌آموخت و موارد بسیاری را نقل می‌کنند که بین اصحاب اختلاف می‌شد و حضور حضرت شرفیاب می‌شدند و او قرائت طرفین را می‌شنید و آنها را تصویب می‌کرد و به هر کدام می‌فرمود همین طور نازل شده است.^۲

در پاسخ باید به این نکته اشاره نمود که بین حدیث سبعة أحرف و قرائات قرآن ارتباطی نمی‌باشد چرا که منظور از سبعة أحرف قرائت‌های هفت‌گانه نیست و همانطوری که برخی گفته‌اند عدد هفت در این حدیث اشاره به کثرت است نه عدد معینی. زیرا عدد هفت معمولاً در زیادت و کثرت به کار می‌رود.^۳ همچنین برخی از علمای تشیع سبعة احرف را به هفت بطن قرآن و لایه‌های باطنی معارف آن تفسیر کرده‌اند.^۴

در ضمن به اعتقاد شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام قرآن بر یک قرائت نازل شده است. از امام محمد باقر علیه‌السلام منقول است که «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ»^۵ «قرآن واحد و از سوی خدای واحد نازل گشته است، اما اختلاف در قرائت آن از ناحیه راویان قرآن ناشی شده است.»

۱. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۰۰؛ أسد الغابة، ج ۳، ص ۹۷؛ الإصابة، ج ۷، ص ۶۳؛ سنن أبی داود، ج ۱، صص ۳۳۲-۳۳۱.

۲. اعجاز القرآن، رافعی، ص ۳۱

۳. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۹۲.

۴. علوم قرآنی، معرفت، ص ۱۸۵.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۶۳۰.

قرائت مقبول و معتبر

یگانه قرائتی که دارای سندی صحیح و به پشتوانه جمهور مسلمین استحکام یافته، قرائت حفص از عاصم است. این قرائت در طی قرون پی در پی تا امروز همواره میان مسلمانان متداول بوده است و تداول آن به دلایل زیر می‌باشد:

۱- قرائت حفص همان قرائت متواتر در بین عامه مسلمانان است، زیرا حفص و استاد او عاصم شدیداً آنچه که با قرائت متواتر میان مسلمانان و روایت صحیح موافق بود پایبند بودند و این قرائت را از ابو عبد الرحمن سلمی و او از امام علی علیه السلام گرفته که این اسنادی صحیح و عالی است که در دیگر قرائت‌ها نظیر ندارد.^۱

۲- عاصم در بین قراء، معروف به خصلت‌های ممتاز بوده که شخصیتی قابل توجه‌ای به او بخشیده است. وی ضابطی بی‌نهایت استوار که در أخذ قرآن از دیگران بسیار محتاط‌تر بوده است. وی قرائت را غیر از ابوعبدالرحمن سلمی که از علی علیه السلام فرا گرفته بود، أخذ نمی‌کرد.^۲

۳- حفص نیز که قرائت عاصم را در مناطق مختلف رواج داده به انضباط و استواری شایسته‌ای معروف بود و اعلم اصحاب عاصم، نسبت به قرائت او بوده است.^۳ از همین روی روایت صحیحی که از قرائت عاصم بر جای مانده است، روایت حفص از عاصم است.^۴

از مجموع آنچه گفته شد بر می‌آید که عاصم از دیدگاه شیعه و سنی، شخصیتی بارز و با تقوی و مورد اعتماد در مسئله قرائت بوده است. همچنین وی را جامع فصاحت و قرائت صحیح و تجوید معرفی کرده‌اند. با توجه به اینکه اسناد قرائت وی به امام علی علیه السلام می‌رسد و قرائت وی قرائت جمهور مسلمین بوده است برجستگی قرائت وی نسبت به سایر قرائات بر ما ثابت می‌گردد.

۱. معرفه القراء الکبار، ذهبی، ج ۱، ص ۸۸؛ کتاب السبعة فی القراءات، ص ۴۷.

۲. معرفه القراء الکبار، ذهبی، ج ۱، ص ۹۰.

۳. التیسیر فی القراءات السبع، ص ۴.

۴. النشر فی القرائات، ج ۱، ص ۱۷۹.

- ۱- قرائت و تلاوت در اصطلاح طرق و روایات قرآنی است که با اسناد به یکی از قرائات سبعة خوانده می‌شود.
- ۲- عاری بودن مصاحف عثمانی از نقطه و اعراب، خالی بودن از «الف» در وسط کلمات و تفاوت لهجه از عوامل پیدایش اختلاف قرائات می‌باشند.
- ۳- قراء سبعة عبارتند از: عبد الله بن عامر دمشقی، عبد الله بن کثیر مکی، عاصم بن ابی النجود اسدی، زبان ابو عمرو بن العلا مازنی، حمزه بن حبیب زيات، نافع بن عبد الرحمن الليثی، علی بن حمزه کسایی.
- ۴- در تواتر قرآن هیچ تردیدی نیست، ولی قرائت‌های هفت‌گانه از قاریان برای ما به طور متواتر نقل گردیده است و متواتر بودن آنها از خود رسول خدا ﷺ برای قاریان جای تردید است.
- ۵- قرائت حفص همان قرائت متواتر در بین عامه مسلمانان است، عاصم این قرائت را از ابو عبد الرحمن سلمی و او از امام علی علیه السلام گرفته که این اسنادی صحیح و عالی است. روایت صحیحی که از قرائت عاصم بر جای مانده است، روایت حفص از عاصم است.

پرسش و پاسخ

- ۱- مفهوم قرائت در لغت و اصطلاح چیست؟
- ۲- عوامل پیدایش اختلاف قرائات را ذکر نموده و یکی از موارد را توضیح دهید.
- ۳- ارتباط حدیث سبعة احرف را در مورد قرائات سبعة توضیح دهید.
- ۴- تواتر یا عدم تواتر قرائات را شرح نمایید.

درس یازدهم

محکم و متشابه

اهداف آموزشی درس

آشنایی با مفهوم محکم و متشابه در اصطلاح و قرآن

آگاهی از علل و زمینه‌های تشابه

بررسی تأویل متشابهات بر اساس آیه هفت سوره آل عمران

بررسی مفهوم تأویل

آشنایی با نمونه‌هایی از آیات متشابه

محکم و متشابه یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین مباحث علوم قرآنی است. خداوند متعال در آیه هفت سوره آل عمران به صراحت اعلام کرده که قرآن کریم در کنار آیات محکم، که اساس این کتاب الهی را تشکیل می‌دهد، آیات دیگری دارد که متشابهات نامیده می‌شود.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۱ «اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم است. آنها اساس کتابند و (پاره‌ای) دیگر متشابهاتند اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. (آنان که) می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست» و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.»

از این آیه استفاده می‌شود که آیات متشابه به گونه‌ای هستند که فتنه‌انگیزان با بهره‌گیری نادرست از تأویل آنها عده‌ای را گمراه می‌سازند.

از مهم‌ترین مسائلی که دانشمندان علوم قرآنی به آن توجه کرده‌اند، ویژگی‌های آیات متشابه، علل و زمینه‌های ظهور آیات متشابه در قرآن و چگونگی دستیابی به معنای حقیقی آیات متشابه است.

مفهوم شناسی محکم و متشابه

محکم اسم مفعول از باب افعال و از ریشه (ح ک م) به معنی «مَنع» است^۱ و متشابه از ریشه (ش ب ه) به معنی شباهت داشتن چیزی به چیز دیگر است.^۲

در کاربرد قرآنی بین محکم و متشابه به طور کلی سه نسبت وجود دارد که هر یک بر وجهی دلالت دارد:

الف: بر اساس آیه مبارکه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»^۳ «اوست کسی که این کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم است. آنها اساس کتابند و (پاره‌ای) دیگر متشابهاتند.» برخی از آیات قرآن محکم و برخی دیگر متشابهند.^۴ مقصود از محکم و متشابه اصطلاحی همین قسم می‌باشد.

ب: بر اساس آیه مبارکه «الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»^۵ «الف، لام، راء. کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است.» تمام آیات قرآن محکم و متقن است و باطلی در آن راه ندارد. «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ»^۶ «از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید» بنابراین در این وجه صفت کتاب و همه آیات قرآن محکم می‌باشد.^۷



۱. النهایة فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۴۲۰؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۴۱.

۲. مصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۰۳؛ تأویل مشکل القرآن، ص ۶۸؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۴۳.

۳. آل عمران، ۷.

۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۱، ص ۲۴۷.

۵. هود، ۱.

۶. فصلت، ۴۲.

۷. المیزان، ج ۳، ص ۲۰.

ج: بر اساس آیه مبارکه ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًى﴾^۱ «خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش همانند یکدیگر است آیاتی مکرر دارد.» همه آیات قرآن در لطف و زیبایی و عمق و محتوا شبیه یکدیگرند.^۲

پس می‌توان نتیجه گرفت: منظور از «محکمت» آیاتی از قرآن است که هیچ‌گونه ابهام و ابهامی نداشته باشند و این دسته از آیات، مادر و مرجع آیات دیگر قرآن است که باید متشابهات را به آن برگرداند. متشابهات در اصطلاح قرآنی به آیاتی اطلاق می‌شود که احتمال چندین معنا در آنها وجود دارد و به همین لحاظ در آنها شک و شبهه ایجاد می‌شود.^۳

علل و زمینه‌های تشابه

درباره علل و عوامل بوجود آورنده تشابه در قرآن نظریات مختلفی مطرح گردیده است که در یک تقسیم‌بندی می‌توان علل تشابهات را به صورت زیر تقسیم نمود:

الف: علل متنی قرآن

عوامل متنی که سبب شبیه در قرآن می‌گردد خود به چهار عامل زیر تقسیم می‌گردد:

۱- **تدریجی بودن نزول آیات:** تدریجی بودن آیات سبب می‌شود میان مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، عام و خاص فاصله بیفتد.^۴

۲- **قصور لفظ از تحمل معانی متعالی:** خداوند متعال در قرآن کریم از معارف و حقایقی سخن گفته است که ذهن بشر نسبت به آن آشنایی نداشته است. بر این اساس خداوند

۱. زم، ۲۳.

۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۰۲؛ التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ج ۳، ص ۱۵۲.

۳. درسنامه علوم قرآنی، ص ۳۲۴.

۴. المیزان، ج ۳، ص ۲۳.

درآمدی بر علوم قرآن

متعال برای القاء آن معارف عالی و معقول، آنها را در قالب مثال و تشبیه به صورت محسوس ارائه نموده است.^۱

۳- ذو وجوه بودن لفظ: کلماتی در قرآن وجود دارد که هریک چند معنای مختلف و مجزا را افاده می‌کند که خود باعث ایجاد تشابه می‌شود. مثلاً فتنه به معانی عذاب و آزمایش و گمراهی می‌باشد، از همین روی بحث وجوه و نظائر در قرآن مطرح شده است.^۲

۴- ویژگی زبان عربی در تنوع صنایع ادبی: قرآن کریم به زبان عربی نازل گشته و عربی بودن قرآن فقط با لغت نیست بلکه شامل فنون و صنایع ادبی نیز می‌باشد. این امر سبب می‌شود کسانی که با این قوانین آشنا نیستند و لفظ را بدون آرایه‌های ادبی همچون مجاز و کنایه و استعاره و تشبیه و ... در نظر می‌گیرند، در فهم قرآن برای‌شان شبهه ایجاد شود. مثل «ید الله» که کنایه از قدرت خداوند متعال می‌باشد، مورد استفاده فرقه‌های خاصی قرار گرفته و قائل به جسمانی بودن خدا گشته‌اند.^۳

ب: علل معرفتی

افراد در مواجهه با آیات قرآن سطح فکری مختلفی دارند. بعضاً به خاطر قصور ادراکی، ضعف، ظاهرگرایی و ذهنیت‌گرایی، آیات قرآنی بر آنها مشتبه شده و در فهم آن دچار مشکل می‌شوند.^۴ برخی مواقع نیز عامل تشابه از آنجا نشأت می‌گیرد که مفسر به جای اینکه بر کل آیه دقت نماید از دید و جنبه‌ای خاص بدون دید جامع و کلی به قرآن می‌نگرد. از این رو مفسران مکاتب مختلف، بر اساس دیدگاه کلامی خودشان آیات محکم و متشابه را چینش کرده‌اند. مثلاً در مورد «تَوَقَّی» در آیه ای این مسئله به خداوند و در آیه‌ای دیگر به ملک الموت و در جای دیگر به ملائکه نسبت داده شده است. در حالی که این آیات با هم

۱. المیزان، ج ۳، صص ۶۰-۶۲؛ کوثر، ج ۲، ص ۷۳.

۲. تفسیر الوسیط (الزحیلی)، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳. مناهل العرفان، ج ۲، ص ۲۸۰؛ تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۳۶.

۴. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۲، ص ۳۹۹.

اختلافی ندارند، بلکه در هر کدام از جهتی به این موضوع پرداخته شده است. بنابراین زاویه دید مفسر که به عنوان یک عامل معرفتی است، دلیلی بر ایجاد تشابه در قرآن می‌شود.

ج: علل تاریخی

عللی که در بستر تاریخ اتفاق افتاد، همانند فاصله گرفتن از فضای عصر نزول و در نتیجه پوشیده شدن برخی از حقایق، باعث گردید متشابهاتی در طول تاریخ به وجود آید و همین امر سبب ایجاد جدال‌های کلامی زیادی شده است. این موضوع تا جایی پیش رفته که هریک از مشرب‌های فکری و کلامی در درک و فهم آیات قرآن به یکدیگر اتهام کفر زده و به قتل و کشتار هم پرداختند.

د: علل روانی

این عامل تشابه به حوزه معرفت و شناخت افراد مرتبط نمی‌شود، بلکه به حوزه روان و احساسات و عواطف انسان‌ها به علت غرض ورزی و بیمار دلی و تعصبات گروهی مرتبط است. اینان به قصد درک حقیقت به سراغ قرآن نمی‌آیند بلکه در قلب‌های آنان بیماری وجود دارد ﴿فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ﴾ و آیات قرآن را مطابق میل و خواسته خود تفسیر می‌کنند و از حقایق آن چشم می‌پوشند.

اما اگر بتوان زمینه‌های تشابه را از بین برد، فهم متشابهات برای انسان مقدور می‌شود. در قرآن تشابه ذاتی که موجب شود فرد هیچ‌گونه فهمی از آن نداشته باشد وجود ندارد؛ زیرا در صورت وجود چنین آیاتی در قرآن، علت نزول آن برای انسان‌ها بی‌فایده خواهد بود. متشابهات موجود در قرآن عرضی است به این معنی که با توجه به علل و عوامل فوق الذکر، فهم آیه بر فرد پوشیده و شبهه‌انگیز می‌شود که با رفع آن علل و موانع، شبهه موجود در آیه از بین می‌رود و فهم حقیقی آن میسر می‌گردد.^۱ در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) تشابه به هر لفظی که بر جاهلش مشتبه گشته باشد، اطلاق شده است.^۲ بنابراین وجود متشابهات در

۱. المیزان، ج ۳، صص ۲۴-۲۳.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۲.

درآمدی بر علوم قرآن

قرآن نسبی است، زیرا بر اساس تفسیر آیه قرآن خداوند متعال علاوه بر خود راسخان در علم را نیز عالم به تأویل متشابهات معرفی می‌نماید.

برای روشن شدن بیشتر موضوع به بررسی واژه تأویل در فهم متشابهات می‌پردازیم.

تأویل متشابهات

«...وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا...»^۱ «...تأویل آن (متشابهات) را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند (آنان که) می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه (چه محکم و چه متشابه) از جانب پروردگار ماست...»

خداوند متعال در آیه فوق، آیات قرآن را به دو بخش محکم و متشابه تقسیم می‌کند و افرادی که در قلوبشان کجی و انحراف است را جزو گروهی می‌داند که از متشابهات قرآن برای فتنه جویی استفاده می‌کنند و آنگاه در ادامه می‌گوید: فقط خداوند و راسخان در علم از تأویل متشابهات آگاهی دارند. البته دیدگاهی وجود دارد که «واو» مطرح شده در آیه را استینافیه گرفته و آیه را اینگونه معنی کرده‌اند: «فقط خداوند متعال تأویل متشابهات قرآن را می‌داند و راسخان در علم می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم و همه از جانب پروردگار ماست.»^۲ اگر ما این نظریه را بپذیریم این سؤال مطرح می‌شود که ضرورت و فائده نزول آیاتی که هیچ انسانی جز خدا آن را نمی‌فهمد چیست؟ اما بر اساس دیدگاه غالب تشیع و برخی از علمای اهل تسنن^۳ «واو» مطرح شده در آیه عاطفه است. از این رو معنای آیه اینگونه می‌شود که «فقط خدا و راسخان در علم به تأویلات قرآن آشنايند.» روایات زیادی از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده که آن حضرات معصومین علیهم‌السلام فرمودند: ما راسخان در علم هستیم و

۱. آل عمران، ۷.

۲. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۵، ص ۱۸۸؛ جامع البیان، ج ۳، ص ۱۲۱؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۲، ص ۶.

۳. تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۶۰؛ الکشاف، ج ۱، ص ۳۳۸.

عالم به تأویل قرآنیم و در تلاوت آیه، «واو» محل بحث را به صورت عطفی و بدون وقف تلاوت نمودند.^۱

نکته دیگری که مفسران و عالمان دینی ذیل این آیه مطرح نمودند، بحث «تأویل» است. خداوند متعال در این آیه از لفظ «تأویل» برای آگاهی به متشابهات استفاده نموده است بنابراین ضرورت دارد مفهوم تأویل در این بحث تا حدی بیان می‌شود:

تأویل از ریشه «أ و ل» به معنی رجوع و بازگشت دادن چیزی به اصل آن است.^۲ در روایتی از پیامبر ﷺ تأویل به بطن قرآن تعبیر شده است.^۳ در میان تعاریف مختلفی که از تأویل ارائه شده است، علامه طباطبایی پس از ذکر و رد آنها، تأویل را از امور عینی و فراتر از سنخ مفاهیم و معانی معرفی می‌کند و معتقد است که خداوند آن امور و حقایق عینی - که در جهان خارج وجود دارد - را فقط برای تقریب به اذهان ما به قید الفاظ و کلمات و عبارات مقید کرده است. بر همین اساس وی همه آیات قرآن چه محکم و چه متشابهش را دارای تأویل می‌داند.^۴ ایشان جهت تبیین بیشتر موضوع می‌گوید: از آیات شریفه‌ی قرآن به دست می‌آید که ماورای این قرآنی که ما آن را می‌خوانیم و معانی‌اش را می‌فهمیم و آن را تعقل می‌کنیم، امر دیگری نیز هست که نسبت آن با این قرآن، نسبت روح به جسد و مُثَل با مثل است که آن قرآن، کتاب حکیم نام دارد و همه معارف این قرآن به آن حقیقت مستند است.^۵

نمونه‌هایی از آیات متشابه

از قطعی‌ترین موارد متشابهات که در باب آن بحث‌ها و نظریات گوناگونی مطرح شده، حروفی است که در ابتدای برخی سوره‌ها آمده و به فواتح سور یا حروف مقطعه معروف است.

۱. رک: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۷۹؛ تأویل الآیات الظاهره، ص ۱۰۶، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص ۹۸؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۱۱.

۳. «مَا مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٍ إِلَّا وَلَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ قَالَ ظَهْرُهُ [تَنْزِيلُهُ] وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ» بصائر الدرجات، ص ۱۹۶.

۴. المیزان، ج ۳، صص ۲۵-۲۴.

۵. المیزان، ج ۳، ص ۵۴.

درآمدی بر علوم قرآن

از جمله مصادیق واضح و آشکار در باب متشابهات قرآن، آیات مربوط به به صفات و افعال است که به علت تفاسیر مختلف و دیدگاه‌های گوناگون در این باره مکاتب مختلفی همچون اشاعره، معتزله و... شکل گرفتند.

آیه رویت: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»^۱ «در آن روز چهره‌هایی شاداب‌اند و به سوی پروردگار خود می‌نگرند.»

آیه راجع به آمدن خدا: «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا»^۲ «و(فرمان) پروردگارت و فرشته(ها) صف در صف آیند.»

عرش خدا: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^۳ «خداوند رحمان که بر عرش استیلا یافته‌است.»

آیات مربوط به افعال الهی: «فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»^۴ «همانا خداست که هر که را بخواهد گمراه می‌سازد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند.»

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا»^۵ «و اگر خدا می‌خواست آنان شرک نمی‌آوردند.»

۱. قیامت، ۲۳-۲۲.

۲. فجر، ۲۲.

۳. طه، ۵.

۴. فاطر، ۸.

۵. انعام، ۱۰۷.

چکیده

- ۱- بر اساس آیه ۷ سوره آل عمران برخی از آیات قرآن محکمند و برخی دیگر متشابهند که در این آیه متشابه اصطلاحی مطرح است.
- ۲- منظور از «محکّمات» آیاتی از قرآن است که هیچ گونه ابهام و ابهامی نداشته باشد و این دسته از آیات، مادر و مرجع آیات دیگر قرآن است که باید متشابهات را به آن برگرداند.
- ۳- متشابهات در اصطلاح قرآنی به آیاتی اطلاق می‌شود که احتمال چندین معنا در آنها وجود دارد و به همین لحاظ شک و شبهه ایجاد می‌شود.
- ۴- علل و زمینه‌های تشابه متنی قرآن عبات است از: تدریجی بودن نزول آیات، قصور لفظ از تحمل معانی متعالی، ذو وجوه بودن لفظ، ویژگی زبان عربی در تنوع صنایع ادبی.
- ۵- افراد در مواجهه با آیات قرآن سطح فکری مختلفی دارند. بعضاً به خاطر قصور ادراکی، ضعف، ظاهر گرایی و ذهنیت‌گرایی آیات قرآنی بر آنها مشتبه شده و در فهم آن دچار مشکل می‌شوند.
- ۶- فاصله گرفتن از فضای عصر نزول و در نتیجه پوشیده شدن برخی از حقایق باعث شد متشابهاتی در طول تاریخ به وجود آید.
- ۷- خدا و راسخان در علم به تأویلات قرآن آشنایند، حضرات معصومین علیهم‌السلام راسخان در علم و عالم به تأویل قرآن هستند.
- ۸- آیات رویت، آمدن خدا، عرش خدا و آیات مربوط به افعال الهی و... نمونه‌هایی از آیات متشابهند.

پرسش و پاسخ

- ۱- محکم و متشابه را تعریف کرده و کاربردهای قرآنی آنرا شرح دهید.
- ۲- علل و زمینه‌های متنی متشابهات را توضیح دهید.
- ۳- علل تاریخی و روانی تشابه را بیان کنید.
- ۴- آیا در قرآن متشابه ذاتی وجود دارد؟ شرح دهید.
- ۵- منظور از تأویل متشابهات چیست و چه کسانی به آن علم دارند؟

درس دوازدهم:

ناسخ و منسوخ

اهداف آموزشی درس

تبیین اهمیت بحث نسخ

ارائه مفهوم نسخ در لغت و اصطلاح

بررسی جایگاه نسخ در قرآن

تبیین شرایط و محدوده نسخ

بررسی شبهات نسخ و پاسخ به آن

آشنایی با انواع نسخ و معرفی نسخ ممکن

یکی از مباحث جدی و اساسی و دارای منزلت خاص در علوم قرآن، تفسیر و اصول فقه، بحث نسخ است. علم ناسخ و منسوخ از دیرباز مورد توجه عالمان معارف اسلامی، به‌ویژه مفسران و فقها بوده است. با این وجود که بحث یاد شده یک بحث اختلافی است، سخن در آن به درازا کشیده شده است. گروهی وسعت آیات منسوخ را بسیار گسترده دانسته‌اند؛ مانند «ابوبکر نحاس» در کتاب «الناسخ و المنسوخ» که تعداد آیات منسوخ را به ۱۳۸ رسانیده است.^۱ گروهی نیز درست برعکس عرصه را تنگ گرفته و آن را تنها در آیات معدودی وارد دانسته‌اند همچون آیت‌الله خویی که تنها به نسخ یک آیه از قرآن معتقد است. گروهی هم نیز نسخ را نقص و کاستی شمرده و آن را زیبنده قامت رسای قرآن نشناخته‌اند، چون ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی معتزلی که نسخ را به معنای باطل گرفته و پر واضح است که باطل هرگز عارض قرآن نمی‌شود.^۲

به هر حال نسخ از مباحثی است که دانشمندان اسلامی کتاب‌های بسیاری در رابطه با آن تألیف کرده‌اند و اکثر مفسران نیز در لابلای تفاسیر خود از آن سخن گفته‌اند. از آنجا که نسخ تنها در آیات احکام روی داده است، دانش‌های فقه و اصول نیز در این معرکه میدان‌دار و دارای نقشی اساسی هستند.

اهمیت بحث نسخ

برای نشان دادن اهمیت این بحث کافی است به روایاتی که از ائمه اطهار علیهم‌السلام رسیده، نظری بیافکنیم:

۱. الناسخ والمنسوخ للنحاس، ج ۱، صص ۷۷-۷۱.

۲. البیان فی تفسیر القرآن، صص ۳۷۸-۳۷۳.

درآمدی بر علوم قرآن

ابوعبدالرحمن السلمی روایت کرده است که علی علیه السلام به یکی از قضات برخورد کرد و از وی پرسید: آیا ناسخ را از منسوخ می‌شناسی؟ وی گفت: خیر؛ علی علیه السلام به وی فرمود: خود و دیگران را به هلاکت انداخته‌ای، هر حرفی از قرآن دارای وجوهی است.^۱

امام صادق علیه السلام در حدیث احتجاج با صوفیه فرمود: آیا شما ناسخ و منسوخ قرآن را می‌دانید؟ تا آنجا که فرمود: در پی شناخت ناسخ قرآن از منسوخ آن و محکم آن از متشابه آن باشید، خداوند چیزی را که حرام است، حلال نکرده است، این امر موجب نزدیکی شما به خدا و باعث دوری شما از جهل است. جهل و نادانی را برای اهلش بگذارید که اهل جهل بسیارند و اهل علم کم؛ خداوند فرمود: «وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ»^۲

این احادیث و احادیث فراوان دیگر نشان از اهمیت شناخت و معرفت ناسخ و منسوخ دارد که همین موضوع سبب اهتمام دانشمندان اسلامی نسبت به آن شده است. هر چند که شناخت ناسخ و منسوخ در زمره مقدمات اولیه شناخت تشریع و فقه اسلامی است، اما از آن جهت که از لوازم دست‌یابی به تفسیر صحیح آیات است، این بحث جزء مباحث علوم قرآن به شمار آمده و در این علم مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است.

مفهوم نسخ

نسخ در لغت

نسخ در لغت گاه به معنای از بین بردن و برداشتن و گاه به معنی تغییر و ابطال است. همچنین واژه‌ی نسخ در مورد نوشتن چیزی از روی نوشته‌ی دیگر (نسخه برداری) نیز به کار می‌رود.^۳ این معانی نیز با معنای اصلی ارتباط دارد؛ برای نمونه در نسخه‌برداری، نوشته‌ی پیشین باطل می‌شود و نوشته‌ی جدید جانشین آن می‌شود.^۴

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۶۹؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۸۴.

۳. کتاب العین، ج ۴، ص ۲۰۱؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۶۱؛ تاج العروس، ج ۴، ص ۱۳۹.

۴. الفروق اللغویة، ص ۵۳۹؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۰۱.

نسخ در اصطلاح

درباره‌ی اصطلاح نسخ در احکام قرآن و سنت، دو تعریف و برداشت مختلف وجود دارد: پیشینیان هر گونه تغییر در حکم پیشین را «نسخ» می‌نامیدند. تعریف ایشان از نسخ شامل تخصیص، عام یا تقييد و مطلق می‌شد.^۱

اما در اصطلاح متأخران و معاصران، دایره‌ی نسخ محدودتر است و تنها به رفع حکم مربوط می‌شود. در این دیدگاه، نسخ برداشتن حکمی از احکام ثابت دینی بر اثر سپری شدن زمان و مدت آن است.^۲

برای نمونه در خصوص نسخ آیه نجوا، بیان شده است که ابتدا این آیه نازل گردید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوِكُمْ صَدَقَةً﴾^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه با پیامبر (خدا) گفتگوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید.

آنگاه خداوند متعال بر اساس دلایل و مصالحی، حکم این آیه را باطل کرد و آیه جدیدی با حکم تازه‌ای - یعنی آیه ۱۳ سوره مجادله - را نازل نمود.

﴿ءَ اَشْفَقْتُمْ اَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوِكُمْ صَدَقَاتٍ فَاِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَاقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَ ءَاتُوا الزَّكٰوةَ وَ اطِيعُوا اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُؕ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ﴾^۴ «آیا ترسیدید که پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌هایی تقدیم دارید؟ و چون نکردید و خدا (هم) بر شما بخشود، پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبر او فرمان برید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.» بنابراین آیه اول (مجادله، ۱۲) را منسوخ و آیه دوم (مجادله، ۱۳) را ناسخ گویند.

۱. ر.ک: النسخ والمنسوخ لابن حزم، صص ۲۶ به بعد؛ النسخ والمنسوخ للنخاس، صص ۷۷ به بعد.

۲. البیان فی تفسیر القرآن، صص ۲۸۵-۲۸۶.

۳. مجادله، ۱۲.

۴. مجادله، ۱۳.

نسخ در قرآن

به طور کلی سه مجموعه از آیات است که در ضمن آنها واژه‌هایی چون نسخ، محو، اثبات و تبدیل به کار رفته است و مفسران، آنها را کم و بیش به نسخ اصطلاحی مربوط دانسته‌اند.

الف) آیات مربوط به محو و اثبات

﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾^۱ «خداوند هر چه را بخواهد محو، و

هر چه را بخواهد اثبات می‌کند و (لوح محفوظ) نزد اوست!»

روایاتی از صحابه و تابعین ذیل آیه رسیده است که اشاره به نسخ اصطلاحی دارند.^۲

ب) آیات مربوط به نسخ و انشاء

﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۳ «هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا

همانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟!»

به گفته برخی از مفسرین مراد از نسخ در این آیه، نسخ اصطلاحی می‌باشد،^۴ اما برخی دیگر از مفسران با نگاهی وسیع‌تر معتقدند که این آیه بیانی از امکان نسخ در سراسر آیات هستی و کائنات است، نه تنها در آیات قرآنی.^۵

ج) آیات مربوط به تبدیل

﴿وَ إِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ﴾^۱ «و هنگامی که آیه‌ای را به آیه دیگر مبدل کنیم - و خدا بهتر می‌داند چه حکمی را نازل کند - آنها می‌گویند: «تو افترا می‌بندی!»»

۱. رعد، ۳۹.

۲. زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۲، ص ۵۰۰؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۰۵.

۳. بقره، ۱۰۶.

۴. جامع البیان، ج ۱، ص ۳۷۹؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۵۳.

۵. المیزان، ج ۱، ص ۲۵۰؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۹۳.

سیاق این آیات به خوبی بر این امر دلالت دارد که مراد از تبدیل آیه‌ای به جای آیه‌ی دیگر، تبدیل آیه‌ی قرآن است و در نتیجه مقصود نسخ اصطلاحی است.^۲

شرایط و محدوده نسخ

۱- نسخ صرفاً در محدوده تشریعیات است. بنابراین نسخ در دائره اعتقادات و اخبار و وقائع خارجی و وعده و وعید و بداء قرار نمی‌گیرد.^۳

۲- تعارض بین دو حکم به گونه‌ای باشد که جمع میان آنها امکان‌پذیر نباشد. با این قید، تخصیص، تقييد و تبیین از دایره‌ی نسخ خارج می‌شود.^۴

۳- منسوخ محدود به زمان معینی نشده باشد. بعضی از احکام بر اساس مصالحی از همان ابتدا برای زمان خاص و محدودی وضع شده بود که پس از پایان یافتن زمان، آن حکم نیز به طور قطعی منتفی می‌شود. در این صورت، از بین رفتن حکم از مصادیق نسخ اصطلاحی نخواهد بود.^۵

برای نمونه خداوند متعال در سوره مائده می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ...﴾^۶ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند.»

دستورات این آیه به آغاز اسلام مربوط بود، اما پس از آنکه موقعیت مؤمنان تقویت شد و اسلام گسترش یافت، امر به معروف و نهی از منکر و جنگ و جهاد بر سر این اصول واجب شد. بنابراین نمی‌توان گفت که آیه فوق بر اساس آیات جهاد نسخ شده است.

۱. نحل، ۱۰۱.

۲. مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۹۵؛ غریب القرآن لابن قتیبة، ص ۲۱۰؛ نهج البیان عن كشف معانی القرآن، ج ۳، ص ۲۱۵.

۳. الإیتقان، ج ۲، ص ۵۶؛ الناسخ والمنسوخ لابن حزم، ص ۸.

۴. نواسخ القرآن، ج ۱، ص ۷۵.

۵. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۸۷؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۴۲-۴۳.

۶. مائده، ۱۰۵.

درآمدی بر علوم قرآن

- ۴- ناسخ (حکم دوم) از نظر زمانی باید بعد از آیه منسوخ (حکم اول) بیاید.^۱
- ۵- ناسخ تنها باید شارع باشد. بر اساس فرموده قرآن مجید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۲ «و از سر هوس سخن نمی گوید. این سخن به جز وحی که وحی می شود نیست.» پیامبر ﷺ که مفسر و شارح قرآن است می تواند حکم آیه ای را نسخ کند. بنابراین سنت می تواند ناسخ قرآن باشد.^۳ حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرمایند: «كِتَابُ رَبِّكُمْ ... بَيْنَ مُثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ قَرْضُهُ وَمَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسْخُهُ وَوَاجِبٌ فِي السُّنَّةِ أَخْذُهُ وَمُرْخَصٌ فِي الْكِتَابِ تَرْكُهُ»^۴ «این کتاب، کتاب پروردگار شما ... در آن بر بایستگی پاره ای قوانین تأکید شده، اما در سنت به روشنی نسخ شده است، همچنان که در مواردی دیگر، پایبندی به آن در سنت مورد تأکید قرار گرفته و قرآن، وانهادنش را رخصت داده است.»
- در همین زمینه آیت الله خویی می گوید: اگر حکمی که به وسیله قرآن ثابت شده است با سنت قطعی و حدیث های متواتر نسخ شود، این نوع نسخ از لحاظ عقلی و نقلی اشکالی ندارد و اگر چنین نسخی ثابت شود، باید از آن پیروی نمود و اگر سنت متواتر یا اجماعی محقق نباشد، در این صورت نسخ، پذیرفتنی نخواهد بود؛ زیرا نسخ با خبر واحد ثابت نمی شود.^۵

بررسی شبهات نسخ

مخالفان اسلام و مقابله کنندگان با قرآن، چنین پنداشته اند که با اعتقاد به نسخ، می توان عظمت آن را زیر سؤال برد. اکثر شبهات در این زمینه را یهودیان و نسل های امروزی آنان - عده ای از مستشرقان - مطرح کرده اند.

۱. نواسخ القرآن، ج ۱، صص ۷۷-۷۶.

۲. نجم، ۳-۴.

۳. الاتقان، ج ۲، ص ۶۰.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۳؛ أعلام الدین، ص ۱۰۲.

۵. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۸۵.

آنان معتقدند وجود نسخ در تکوین و تشریع مستلزم نسبت جهل به خداوند است؛ یعنی نسخ را مانند آن دانسته‌اند که کسی بدون داشتن علم و آگاهی در یک موضوع دستوری دهد یا کاری انجام دهد و بعد از گذشت زمانی به اشتباه خود پی‌برد و با کار یا حکم و دستور جدید موارد پیشین را لغو کند. به باور آنها این امر درباره‌ی انسان‌ها که علمشان محدود است امکان دارد، اما در مورد خداوند که دارای علم ازلی است امکان ندارد.

همچنین آنان در طرح شبهه دیگری، نسخ در قرآن را مستلزم وجود تناقض در آن دانسته‌اند که برای توجیه موارد تناقض‌آمیز در آیات قرآن و یا احکام شریعت نظریه‌ی نسخ را پیش کشیدند.^۱

تدریجی بودن تشریع در قرآن، بنابر سیاست گام به گام در امور اصلاحی و تغییرات اجتماعی که از جمله سنت‌ها و روش‌های قرآن در پیشبرد اهداف خود است، ضرورت وجود نسخ در قرآن را ایجاد می‌کند. این موضوع کاملاً مطابق با حکمت بالغه و علم خداوند متعال است و از این روست که وقوع نسخ را نمی‌توان ناشی از جهل و یا تغییر و تحول در اراده خداوند و یا تناقض در قرآن دانست. از جمله اهداف و دلایل دیگر وقوع نسخ در قرآن، آزمایش انسان‌ها بوده است که این موضوع نیز بر اساس علم و حکمت الهی می‌باشد. یکی از راه‌های آزمایش، آوردن حکمی برای امتحان است و بعد از امتحان مردم، حکم نسخ می‌شود و شکست خوردگان و پیروزشدگان در امتحان مشخص می‌شوند. به نظر می‌رسد که آیه نجوا بر چنین حکمتی استوار باشد.

البته این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که تعداد آیات ناسخ و منسوخ برخلاف آنچه برخی پنداشته‌اند وسیع نیست، بلکه دایره آن بسیار محدود است.

انواع نسخ

از جمله مسائل دیگری که در موضوع نسخ، اندیشمندان و عالمان اسلامی متعرض آن گشته‌اند بحث انواع نسخ است. نسخ را به سه دسته ۱- نسخ حکم و تلاوت ۲- نسخ تلاوت بدون حکم ۳- نسخ حکم بدون تلاوت تقسیم کرده‌اند.

۱- **نسخ حکم و تلاوت:** منظور از این نوع نسخ آن است که آیه یا آیاتی در قرآن بوده که هم متن آیه از قرآن نسخ شده و هم حکم آن. یعنی آیه‌ای در قرآن بوده است که اکنون در قرآن موجود نیست^۱ و این امر مستلزم تحریف به نقیصه است که در فصول گذشته بطلان آن به اثبات رسیده است.

۲- **نسخ تلاوت بدون حکم:** مقصود این است که لفظ آیه‌ای نسخ و از متن قرآن حذف گردیده ولی حکم آن باقی‌مانده است و تا کنون به آن عمل می‌شود.^۲ همان ایرادی که به قسم اول وارد گردیده به این نوع نیز وارد است.

۳- **نسخ حکم بدون تلاوت:** این قسم همان نسخ اصطلاحی است که در قرآن اتفاق افتاده و مورد تأیید همه علما می‌باشد.

هنگامی که علما بحث ناسخ و منسوخ را مطرح می‌کنند معمولاً به آیاتی از قرآن اشاره می‌نمایند که از دیدگاه آنان نسخ شده است. اما بررسی دقیق آیات ناسخ و منسوخ خود مجال مفصل دیگری را می‌طلبد تا یک یک آیات را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد تا مشخص شود، که آیا به راستی در آنها نسخ صورت گرفته و یا اینکه آن آیات عام و خاص یا مطلق و مقید و یا مجمل و مبین هستند؟ اما آنچه که به طور قطع در خصوص نسخ موجود در قرآن می‌توان به آن اشاره کرد آیه نجوا است که بحث آن گذشت.^۳

۱. در روایتی از عایشه آمده است: آیه «عَشْرُ رَضَعَاتٍ مَعْلُومَاتٍ يُحْرَمْنَ» از قرآن بود و با آیه «خَمْسِي مَعْلُومَاتٍ» نسخ شد. إمتاع الأسماع، ج ۴، ص ۲۸۳؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۴۵۳؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۸۶.

۲. در روایتی آمده است که عمر ادعا می‌کرد آیه رجم «الشیخ و الشیخة إذا زنيا فارجموهما البتة نکالا من الله...» در قرآن وجود داشته، سپس تلاوت آن نسخ شده ولی حکم آن باقی است. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۵۰.

۳. برای آشنایی بیشتر رک: البیان فی تفسیر القرآن، صص ۲۷۸-۲۸۳؛ التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۳۷۷-۲۹۶.

چکیده

- ۱- نسخ در لغت به معنای برداشتن و در اصطلاح نسخ برداشتن حکمی از احکام ثابت دینی بر اثر سپری شدن زمان و مدت آن است؛ ولی پیشینیان هر گونه تغییر در حکم پیشین را نسخ می‌نامیدند که تقیید و تخصیص و عام و خاص را نیز شامل می‌شد.
- ۲- مفسران مجموعه‌ای از آیات را که در آنها واژه‌هایی چون نسخ، محو، اثبات و تبدیل به کار رفته است را به نسخ اصطلاحی مربوط دانسته‌اند. (رعد، ۳۹؛ بقره، ۱۰۶؛ نحل، ۱۰۱).
- ۳- شرایط نسخ عبارتند از: نسخ صرفاً در محدوده تشریعات است. بین دو حکمی است که جمع میان آنها امکان پذیر نباشد. منسوخ محدود به زمان معینی نشده باشد. نسخ از نظر زمانی باید بعد از آیه منسوخ بیاید. مهمتر از همه اینکه، نسخ تنها باید شارع، پیامبر ﷺ و ائمه معصومین باشد.
- ۴- مستشرقان معتقدند وجود نسخ در تکوین و تشریع مستلزم نسبت جهل به خداوند است، در حالی که این موضوع کاملاً مطابق با حکمت بالغه و علم خداوند متعال است.
- ۵- نسخ را به سه دسته ۱- نسخ حکم و تلاوت ۲- نسخ تلاوت بدون حکم ۳- نسخ حکم بدون تلاوت تقسیم کرده‌اند. دو مورد اول مستلزم تحریف به نقیصه است.

پرسش و پاسخ

- ۱- روایتی را ذکر کنید که بر اهمیت نسخ دلالت می‌کند.
- ۲- آیا نسخ در آیه ۱۰۶ سوره بقره به نسخ اصطلاحی مربوط است؟ شرح دهید.
- ۳- آیا آیه محو و اثبات و آیه تبدیل بر نسخ اصطلاحی دلالت دارد؟ چگونه؟
- ۴- شرایط نسخ را نام ببرید.
- ۵- شبهه مطرح شده توسط مستشرقان درباره نسخ را نقد و بررسی نمایید.
- ۶- کدامیک از انواع نسخ در مورد قرآن صحیح است؟ علت نفی بقیه را توضیح دهید.

درس سیزدهم

اسباب نزول

اهداف آموزشی درس

آشنایی با سبب نزول و شأن نزول

پی بردن به اهمیت اسباب نزول

آشنایی با انواع آیات قرآن در رابطه با اسباب نزول

آگاهی از فوائد اسباب نزول

پی بردن به عمومیت سبب نزول خاص

بررسی اعتبار احادیث اسباب نزول

قرآن کریم در طول بیست و سه سال در شرایط و موقعیت‌های مختلفی به تدریج بر پیامبر ﷺ نازل گردید. در طول نبوت و رسالت حضرت گاهی حوادث و وقایعی اتفاق می‌افتاد که نزول برخی از آیات و سوره را به دنبال داشت که از آن حوادث و عوامل به شأن نزول و یا سبب نزول تعبیر شده است.^۱ برای نمونه در مورد سبب نزول آیه ۸۵ سوره اسراء نقل شده است که گروهی از یهودیان خدمت پیامبر ﷺ رسیدند و از حضرت درباره روح سؤال کردند که به دنبال این واقعه پس از چند روز تأخیر این آیه نازل شد.

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»^۲ «و درباره روح از تو می‌پرسند، بگو: «روح از (سَنخ) فرمان پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.»

بنابراین سبب نزول عبارت از حادثه یا سؤالی است که در عصر پیامبر ﷺ اتفاق افتاده و باعث نزول آیه، آیه‌ها و یا سوره‌ای از قرآن شده است که به شکلی اشاره به آن حادثه یا سؤال و... دارد.^۳ بنابراین اگر آیه یا سوره‌ای نظر به رخدادها یا گذشته تاریخ (قبل از اسلام) داشته باشد، آن رخدادها سبب نزول نامیده نمی‌شود، چون شرط تقارن زمانی بین سبب و مسبب را ندارد همانند حمله ابرهه به مکه که این امور شأن نزول نامیده می‌شود.

۱. بعضی از قرآن پژوهان بین این دو تعبیر تفاوت قائل شده‌اند: بدین معنی که سبب نزول را حادثه یا پیشامدی دانسته‌اند که در پی آن آیه یا آیاتی نازل شده و آن رویداد باعث و موجب نزول آیه شده است. اما شأن نزول اعم از سبب نزول است. یعنی شامل جریانی درباره شخص و یا حادثه ای در گذشته یا حال یا آینده است که در شأن آنها آیه یا آیاتی نازل می‌شود. مثلاً می‌گویند فلان آیه درباره عصمت انبیا نازل شده است. ر. ک: علوم قرآنی، معرفت، ص ۸۷.

۲. اسراء، ۸۵.

۳. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۰۶؛ الفجاء فی بیان الاسباب، صص ۱۷-۱۶.

اهمیت بحث اسباب نزول

در اهمیت بحث اسباب نزول حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده که حضرت شناخت اسباب نزول را در کنار شناخت ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مکی و مدنی از شرایط لازم فهم و درک قرآن بیان نمودند.^۱ تردیدی نیست که شناخت و آگاهی به «اسباب النزول» دارای نقش عمده و اساسی در فهم آیات قرآن کریم است چون علم به سبب، زمینه و مقدمه علم به مسبب می‌باشد.^۲

حضرت علی علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: به خدا قسم آیه‌ای در شب و روز و دشت و کوه و خشکی و دریا نازل نشد، مگر اینکه می‌دانم در چه ساعتی و درباره چه کسی نازل شده است.^۳ پس آشنایی به زمان و مکان و اشخاص و سایر شرایط و اوضاع مربوط به نزول آیات قرآنی، در جهت بررسی عمیق مفاهیم قرآن کریم و تفسیر و تبیین آن دارای تأثیر و کارایی قابل توجهی است.

انواع آیات و سور قرآنی در رابطه با اسباب النزول

در قرآن کریم با دو نوع از آیات و سور مواجه هستیم که برای پاره‌ای از آنها نمی‌توان «سبب نزول» خاصی اختصاص داد: ولی عده‌ای از آیات و سور دیگر دارای «اسباب النزول» خاصی می‌باشند، لذا می‌توان گفت که آیات و سور قرآن کریم از این لحاظ به دو نوع قابل تقسیم می‌باشد:

۱- آیات و سوری که فاقد «اسباب النزول» خاص می‌باشند

بسیاری از آیات و سور قرآن کریم، ابتداءً و بدون اینکه مسبوق به موجب و انگیزه خاصی باشند، نازل شده‌اند و به هیچ حادثه و واقعه و یا سؤال و پرسشی که همزمان با نزول وحی

۱. «سَأَصِفُ مِنْ عِلْمِ الْقُرْآنِ أَشْيَاءَ لِيَعْلَمَ أَنْ مَنْ لَمْ يَعْلَمْهَا لَمْ يَكُنْ بِالْقُرْآنِ عَالِمًا مَنْ لَمْ يَعْلَمْ النَّاسِخَ وَالْمَنْسُوخَ وَالْخَاصَّ وَالْعَامَّ وَالْمَكِّيَّ وَالْمَدَنِيَّ وَالْمَحْكَمَ وَالْمُتَشَابِهَ وَأَسْبَابَ التَّنْزِيلِ» بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۷۱.

۲. لباب النقول في أسباب النزول، ص ۳؛ البرهان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۲.

۳. «وَاللَّهُ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ فِي لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ، وَلَا سَهْلٌ وَلَا جَبَلٌ وَلَا بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ، إِلَّا وَقَدْ عَرَفْتُ أَيَّ سَاعَةٍ نَزَلَتْ! أَوْ فِي مَنْ نَزَلَتْ!» شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ج ۱، ص ۳۶۶؛ الطرائف، ج ۲، ص ۵۱۷؛ كشف الغمة، ج ۱، ص ۱۳۱.

روی داده باشند، مربوط نیستند تا در زمینه آنها ناگزیر به بررسی و تفحص از اسباب النزول و موجبات و انگیزه‌های خاصی باشیم. درباره این آیات فقط می‌توان سبب و انگیزه عام و کلی برای آنها بیان کرد و آن عبارت از نیاز همه انسان‌ها به رهنمودهای الهی و جبران نارسائی اندیشه‌های بشری به وسیله وحی می‌باشد تا از این رهگذر، در سراسر شؤون حیاتی خویش حق را از باطل تشخیص دهد.^۱

۲- آیات و سوری که دارای اسباب النزول خاصی هستند

در قرآن کریم با آیات و سوری مواجه هستیم که دارای سبب نزول خاصی می‌باشند و این آیات و سور در پی آن سبب نازل شده که آن سبب و علت نیز همزمان با نزول وحی روی داده است.^۲

البته در خود آیات قرآن اشاره‌ها و تصریحاتی در مورد محتوای پرسش‌ها و حوادث اسباب نزول وجود دارد؛ آیاتی که با الفاظی چون «يَسْتَنْبِئُونَكَ» «يَسْتَفْتُونَكَ» «يَسْأَلُونَكَ» «يَسْأَلُكَ» آمده و پرسشی را مطرح کرده است، حکایت از سبب نزول خاصی در آن مورد دارد.

فواید اسباب نزول

برخی گمان کرده‌اند در فن اسباب نزول فایده‌ای نیست، اما صاحب‌نظران فوایدی را بر این علم مترتب دانسته‌اند که در این بحث به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- شناخت فلسفه احکام

واضح است که اوامر و نواهی الهی دارای فلسفه و عللی است که شناخت آنها تاثیر بسزایی در فهم مخاطبان دارد. شناخت فلسفه احکام از راه‌های گوناگونی از طریق آیات، روایات و...

۱. رک: أسباب النزول، حجتی، ص ۱۹.

۲. التحرير والتنوير، ج ۱، ص ۴۴.

درآمدی بر علوم قرآن

میسر خواهد بود که یکی از آنها شناخت اسباب نزول است.^۱ از آن جمله سبب نزول آیه ذیل است:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»^۲ «در باره شراب و قمار، از تو می‌پرسند، بگو در آن دو، گناهی بزرگ، و سودهایی برای مردم است، ولی گناهشان از سودشان بزرگتر است.» این آیه شریفه بیانگر حکم خمر و قمار است که با مراجعه به سبب نزول آیه، می‌توان به فلسفه حکم که عبارت است از زایل شدن عقل و نابودی مال است پی برد.^۳

۲- دفع توهّم حصر

ظاهر برخی از آیات قرآن، حصر را می‌رساند، مثلاً ظاهر آیه:

«قُلْ لَا آجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ»^۴ «بگو: در آنچه به من وحی شده است، بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد هیچ حرامی نمی‌یابم، مگر آنکه مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که اینها همه پلیدند. یا (قربانی که) از روی نافرمانی، (به هنگام ذبح) نام غیر خدا بر آن برده شده باشد.»

از ظاهر آیه استنباط می‌شود که محرّمات صرفاً منحصر به موارد فوق می‌باشد. در این گونه موارد سبب نزول می‌تواند از جمله قرائین عدم حصر باشد. در آیه یاد شده، سبب نزول این گونه است که کافران به جهت لجاجت و دشمنی، حرام‌های خدا را حلال و حلال‌های خدا را حرام کرده بودند، این آیه برای شکستن غرض آنان نازل شده و نه بیان همه

۱. مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. بقره، ۲۱۹.

۳. اسباب نزول القرآن، الواحدي، ص ۷۲؛ أطيب البيان، ج ۲، ص ۴۳۶.

۴. انعام، ۱۴۵.

درس سیزدهم: اسباب نزول

محرمات.^۱ بنابراین موارد یاد شده در آیه نه همه موارد حرام، بلکه تنها مواردی است که کافران حلال می‌شمرده‌اند.

۳- شناخت رجال و شخصیت‌های صدر اسلام

بعضی مواقع برخی از سور و یا آیات درباره ستایش و یا نکوهش فرد و یا افرادی نازل شده است که تنها از طریق شناخت سبب نزول می‌توانیم آن افراد را شناسایی کنیم. برای نمونه درباره آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا»^۲ گفته شده که شخص فاسق، ولیدبن مغیره بوده است.^۳

۴- سهولت در حفظ الفاظ و فراگیری معارف و فهم قرآن

به دلیل پیوند اسباب با مسببات و احکام با حوادث و حوادث با اشخاص و زمان و مکان، شناخت سبب نزول باعث آسانی حفظ و سهولت فهم آیه و یا آیاتی است که در مورد آن نازل شده است و هریک از امور یاد شده برای نقش بستن و ترسیم هر چه بهتر آیات در ذهن و یادآوری همان آیات به هنگام نیاز علت می‌شود. هر چند که شناخت سبب نزول سبب فهم آسان‌تر از آیه می‌شود، اما برای فهم معانی آیات شرطی ضروری به حساب نمی‌آید.^۴

۵- فهم دقیق‌تر معانی آیات

هر سخن در مواقع مختلف، معانی متفاوتی دارد و برای درک درست سخن، فهم جهات خارجی و قرائن دیگر نیز لازم است. تشخیص این که مراد از سخن، استفهام، توبیخ، سرزنش، تأکید و یا احیاناً استهزا است، بستگی به چگونگی بیان آن و قرائن و امارات دیگر

۱. اسباب النزول، حجتی، ص ۹۶؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳.

۲. حجات، ۶.

۳. اسباب نزول القرآن، الواحیدی، ص ۴۰۷؛ جلاء الأذهان، ج ۹، ص ۱۶۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۴۵.

۴. اسباب النزول، حجتی، ص ۱۰۲؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱، ص ۵۰.

درآمدی بر علوم قرآن

دارد. شناسایی سبب نزول نیز مانند دیگر قرائن و آمارات، برای درک معانی و کلام خداوند ضروری است.^۱

برخی فوائد دیگر مثل شناخت آیات مکی و مدنی، شناخت اعجاز قرآن، شناخت افکار، عقاید، آداب و ویژگی های مردم عصر نزول، شناسایی ادله برخی حقایق مطرح شده در مباحث کلامی، شناخت ناسخ و منسوخ و... در بحث اسباب نزول مطرح شده است.^۲

اعتبار احادیث اسباب نزول

برای بررسی صحت و سقم روایات اسباب نزول، همان روش و شیوه ای را به کار می‌بریم که نسبت به سایر روایات اعمال می‌داریم. حدیث صحیح و ضعیف از دیدگاه شیعه و اهل سنت متفاوت است. شیعه معمولاً روایاتی را صحیح می‌داند که به معصوم متصل شود و روایات نقل شده از غیر معصوم را حجت نمی‌داند.^۳ اما اهل سنت قول صحابه و گاهی مواقع تابعین را نیز حجت می‌دانند و این‌گونه احادیث را جزو احادیث صحیح بر می‌شمرند.

علامه طباطبایی پس از تردید در اعتبار روایات اسباب نزول، روش تعامل صحیح با آنها را چنین بیان می‌کند: «سبب نزولی که ذیل آیه ای وارد شده است در صورتی که خبر متواتر یا قطعی‌الصدور نباشد، باید به آیه‌ی مورد بحث عرضه شود و تنها در صورتی که مضمون آیه و قرائن موجود در اطراف آیه با آن سازگار بود، به سبب نزول نام برده اعتماد می‌شود. به این ترتیب اگر چه مقدار زیادی از اسباب نزول از اعتبار ساقط می‌شود ولی آنچه از آنها می‌ماند معتبر است.»^۴

از آنجا که روایات اسباب نزول مانند بقیه روایاتی که از اهل سنت رسیده، پس از گذشت یک قرن تدوین شده است، احتمال جعل، تحریف و نیز تطبیق نابجای قصص اسباب نزول

۱. درسنامه علوم قرآنی، ص ۸۸.

۲. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۲۵-۲۳.

۳. تسنیم، ج ۱، صص ۲۳۳-۲۳۲.

۴. القرآن فی الإسلام، ص ۱۲۶.

درس سیزدهم: اسباب نزول

بر آیات قرآن در این روایات دور از ذهن نیست. در باب روایات اسباب نزول تعصبات فرقه‌ای نیز کاملاً تاثیرگذار بوده است که به همین دلیل بسیاری از واقعیات تحریف شده است.

واحدی نیشابوری از علمای اهل سنت می گوید: «سخن و اظهارنظر درباره اسباب النزول آیات، جز از طریق روایت و سماع و شنیدن، آن هم از کسانی که شاهد و ناظر نزول قرآن کریم بوده و همزمان با نزول وحی می‌زیستند و بر اسباب النزول آگاهی یافتند، جائز و روا نیست.»^۱ در همین خصوص حاکم نیشابوری از دیگر علمای اهل سنت می‌گوید: «اگر یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ - که شاهد وحی و نزول قرآن کریم بوده است - راجع به آیه‌ای از قرآن کریم گزارشی بدین‌گونه بیان کند که «نزلت فی کذا» - آیه درباره فلان امر نازل شده است» باید خبر و گزارش او را صحیح برشمرد.»^۲

با وجود اینکه این بیان مورد تأیید عموم کسانی است که احادیث اسباب نزول را مورد بررسی قرار داده‌اند، ولی این احادیث که اکثراً از طریق اهل سنت نقل شده، غالباً غیر مسند و ضعیف است.^۳

مشکل دیگری که در احادیث اسباب نزول وجود دارد تعارضات عدیده‌ای است که بعضی علمای اهل سنت در مقام حل آن برآمده‌اند. برای نمونه سیوطی گاهی برای یک آیه چند شأن نزول مختلف نقل می‌کند و با توجیهات و دلائلی سعی دارد صحت همه آنها را اثبات کند و به همین دلیل ابواب مختلف و گوناگونی را در بحث اسباب نزول مطرح کرده است که به نظر نمی‌رسد این مسائل راه‌گشای فهم و درک قرآن باشد، بلکه این مباحث اطناب‌های بی‌فایده‌ای است که بدان‌ها پرداخته شده است.

۱. اسباب نزول القرآن، الواحدی، ص ۱۰؛ لباب النقول فی أسباب النزول، ص ۳.

۲. معرفة علوم الحديث، ص ۵۹.

۳. القرآن فی الاسلام، ص ۱۲۶.

سبب نزول خاص و حکم عام

از جمله مباحث مهمی که اندیشمندان اسلامی در این بحث به آن اشاره کرده‌اند این مسأله است که اگر آیه‌ای معنای عامی داشته باشد، گرچه سبب نزول خاصی باعث نزول آن شده باشد آیا حکم آن فقط شامل آن شان نزول خاص می‌شود و آن حکم عمومیت دارد؟ در پاسخ به این سؤال گفته شده است که مفهوم و مدلول سوره و یا آیه مختص به همان مورد خاص نیست؛ بلکه حکم و مفهوم آن به موارد مشابه آن نیز تعمیم و سرایت داده می‌شود.^۱ این موضوع مورد پذیرش اکثر قریب به اتفاق مفسران و دانشمندان علوم قرآن است.^۲ اساساً اگر مفاد آیات را مخصوص مورد نزولش بدانیم، بسیاری از آیات قرآن کریم کاربردش را از دست می‌دهد و قرآن به کتابی برای گذشتگان تبدیل می‌شود که پیامی برای آیندگان ندارد. آیات مربوط به سرقت، قذف، لعان، ظهار، ساختن مسجد ظهار و ده‌ها آیه دیگر که برای هر یک، سبب خاصی ذکر کرده‌اند احکامی را بیان می‌کند که کلی و عمومی است؛ مثلاً حد سرقت در آیه قطع دست، تنها درباره واقعه‌ای که سبب نزول این آیه شده، اجرا نمی‌گردد، بلکه یک حکم الهی برای همگان است که به موارد مشابه آن سبب خاص نیز سرایت می‌کند. حکم آیه‌ای که درباره شخص یا اشخاص معینی نازل شده است به آنها منحصر نمی‌شود بلکه به همه مواردی که در صفات و خصوصیات با مورد نزول آیه شریک است سرایت خواهد کرد.^۳

۱. الاتقان، ج ۱، صص ۹۰-۹۱.

۲. مناهل العرفان، ج ۱، صص ۱۲۸-۱۲۶؛ التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، صص ۲۶۲-۲۶۱.

۳. درسنامه علوم قرآنی، ص ۹۰.

چکیده

- ۱- سبب نزول عبارت از حادثه یا سؤالی است که در عصر پیامبر ﷺ اتفاق افتاده و باعث نزول آیه، آیها و یا سوره‌ای از قرآن شده است که به شکلی اشاره به آن حادثه یا سؤال و... دارد.
- ۲- شناخت و آگاهی از اسباب النزول دارای نقش عمده و اساسی در فهم آیات قرآن کریم است چون علم به سبب، زمینه و مقدمه علم به مسبب می‌باشد.
- ۳- در قرآن کریم دو دسته آیات و سور داریم که برای پاره‌ای از آنها نمی‌توان سبب نزول خاصی اختصاص داد، ولی عده‌ای از آیات و سور دیگر دارای اسباب النزول خاصی می‌باشند.
- ۴- از فواید مهم اسباب نزول شناخت فلسفه احکام، دفع توهّم حصر، شناخت رجال و شخصیت‌های صدر اسلام، سهولت حفظ الفاظ و فراگیری معارف می‌باشد.
- ۵- اعتماد بر سبب نزول وارد شده در ذیل آیه، تنها در صورتی است که خبر متواتر یا قطعی الصدور باشد، و گرنه باید به آیه‌ی مورد بحث عرضه شود و اگر مضمون آیه و قرائن موجود در اطراف آیه با آن سازگار نبود، به آن اعتماد نمی‌شود.
- ۶- سبب نزول سوره یا آیه مختص به همان مورد خاص نیست؛ بلکه حکم و مفهوم آن به موارد مشابه آن نیز تعمیم و سرایت داده می‌شود.

پرسش و پاسخ

- ۱- مفهوم سبب نزول چیست؟ فرق آن با شأن نزول را بیان کنید.
- ۲- زمینه‌های اهمیت اسباب نزول را شرح دهید؟
- ۳- خصوصیات آیات و سوری که دارای اسباب النزول خاصی هستند را توضیح دهید.
- ۴- یکی از فواید اسباب النزول را با آیه‌ای ذکر کنید.
- ۵- در مورد اعتبار احادیث اسباب نزول، دیدگاه علامه و حاکم نیشابوری را تبیین نمایید.

درس چهاردهم

مفردات در قرآن کریم

اهداف آموزشی درس

آشنایی با مفهوم علم مفردات و اهمیت آن

آگاهی از پیشینه علم مفردات

شناخت نقش علم مفردات در ترجمه و تفسیر

فروغات و زیرمجموعه‌های علم مفردات

آشنایی با برخی منابع کارآمد علم مفردات

مفهوم علم مفردات

علم مفردات یا واژه‌شناسی قرآن، دانشی است که درباره‌ی تک واژه‌های قرآنی از نظر ریشه، اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب، مناسبات و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می‌کند.^۱ پس علم واژه‌شناسی به هر زبانی که باشد عبارت از دانستن و پی‌بردن به معانی کلمات آن زبان است.^۲

اهمیت و فائده علم مفردات

خواندن قرآن کریم و فهم تدریجی معنای عبارات و آیات شریفه‌ی آن، گام اول فهم قرآن است. عرب‌زبانان به دلیل آشنایی با زبان عربی، معنای بسیاری از عبارات و آیات قرآن کریم را به طور مستقیم درک می‌کنند. اما به دلیل نزدیکی زبان فارسی به زبان قرآن و نیز یادگیری تدریجی معنای واژگان و عبارات قرآنی، می‌توانیم معنای بسیاری از آیات کتاب خدا را درک کنیم. این درک، چه برای ما و چه برای عرب‌زبانان، درک اولیه و فهم عمومی از آیات قرآن کریم محسوب می‌شود. همین درک اولیه و فهم عمومی بسیار ارزشمند و هدایت‌گر است و می‌تواند ما را با بسیاری از معارف بلند قرآن کریم آشنا سازد. با یادگیری علم مفردات قرآن، می‌توان ریشه‌ی بسیاری از کلمات قرآن کریم را تشخیص داد و با معنای آنها آشنا شد و حتی معنای بسیاری از کلمات جدید را می‌توان حدس زد. اما درک عمیق‌تر و دقیق‌تر قرآن کریم که کلام حکمت‌آمیز و حکمت‌آموز خدای حکیم است؛ نیازمند فراگیری علوم خاصی می‌باشد.

۱. دانشنامه قرآن پژوهی، ج ۲، صص ۲۱۳-۲۱۲۹؛ درسنامه مفردات قرآن مجید، ص ۱۹.

۲. فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۱، مقدمه ص ۸.

درآمدی بر علوم قرآن

راغب اصفهانی در اهمیت علم مفردات می‌گوید: «اولین علمی که در علوم قرآن به آن نیاز است، علم الفاظ است و در علم الفاظ، تحقیق در مفردات قرآن اهمیت خاصی دارد. فهم معنای واژگان، اولین گام در درک معنای قرآن کریم است؛ همان‌طور که در ساخت یک بنا، مصالح ساختمانی نیاز و ضرورت اول است.»^۱

در همه زبان‌ها به ویژه زبان عربی برای معانی نزدیک به هم، از الفاظ مختلف استفاده می‌شود و معمولاً عموم مردم به معنای دقیق معنای الفاظ توجه خاصی ندارند. از این رو یکی از فوائد استفاده از علم مفردات، آشنایی با معنای دقیق‌تر کلمات و تفاوت معنای الفاظ مترادف با یکدیگر است. مثلاً معنای کلمات «هِدَايَة، سَبِيل و خَشْيَة» در نگاه اول روشن است. اما با مراجعه به کتب مفردات و لغت می‌توان معنای دقیق‌تری از این مفاهیم دریافت نمود:

الهِدَايَة: دِلَالَة بِلُطْفٍ (هدایت راهنمایی است که با لطف و مهربانی همراه است).

السَّبِيل: الطَّرِيقُ الَّذِي فِيهِ سُهولةٌ (سبیل به معنای طریق یا راه است ولی راهی که در آن آسانی و سهولت وجود دارد).

الخَشْيَة: خَوْفٌ يَشُوْبُهُ تَعْظِيمٌ وَ أَكْثَرُ مَا يَكُونُ ذَلِكَ عَنْ عِلْمٍ يَخْشَى مِنْهُ (خشیه به معنای خوف یا ترس است اما ترسی که آمیخته با احساس عظمت می‌باشد و این احساس نتیجه آگاهی از مقام و منزلت طرف مقابل است).

پیشینه پیدایش علم مفردات

با بررسی‌های تاریخی مشخص می‌شود که شناخت واژه‌های قرآن از زمان پیامبر ﷺ وجود داشته و همواره از طرف خود اعراب برای فهم معانی آیات قرآن، در مورد واژه‌ها و مفردات آن، از پیامبر ﷺ پرسش‌هایی می‌شده است. با گسترش اسلام، اقوام و قبایل بیشتری با نژاد و زبان‌های مختلف، به اسلام روی آورده و نیازمند فهم و درک معانی قرآن، از طریق شناخت واژه‌ها گشتند.

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۴.

درس چهاردهم: مفردات در قرآن کریم

از ابن مسعود و عثمان و اُبیّ نقل شده است که: «رسول خدا ﷺ ده آیه از قرآن را به اصحاب خود یاد می‌داد و آنان از این ده آیه فارغ نمی‌شدند تا این که مفاهیم و معانی آن را یاد بگیرند و مورد عمل و اجرا بگذارند.»^۱

در ضمن گاهی معنای برخی مفردات و الفاظ قرآنی که بر صحابه روشن نبود، از پیامبر ﷺ می‌پرسیدند و حضرت آن را شرح می‌دادند. ابن عباس می‌گوید: مردی از رسول خدا از معنای «عِضِينَ» در آیه «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ»^۲ پرسید و پیامبر پاسخ فرمودند: «آمَنُوا بِبَعْضٍ وَكَفَرُوا بِبَعْضٍ»^۳

پس از پیامبر ﷺ توسط امام علی (ع) در محاورات و سخنرانی‌ها و نامه‌های رسمی خود به بیان مفردات قرآن می‌پرداخته است. برای مثال سخنی از امیرالمؤمنین (ع) در این مورد شایان توجه است که ایشان در سخنان خود درباره فتنه به مفهوم و واژه‌شناسی آن پرداخته‌اند:

«هیچ کس از شما نگوید خداوندا، من به تو پناه می‌برم، از امتحان و آزمایش، چرا که هر کس دارای وسیله آزمایشی است (و حداقل مال و فرزندی دارد و اصولاً طبیعت زندگی دنیا، طبیعت آزمایش و بوته امتحان است) و لکن کسی که می‌خواهد به خدا پناه برد، از امتحانات گمراه کننده پناه برد چه اینکه خداوند می‌گوید: بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمون است.»^۴

علم مفردات با سؤالات نافع بن ازرق از ابن عباس و پاسخ‌های وی با استناد به اشعار عرب شکل جدی و حرفه‌ای به خود گرفت و با تألیف تفسیر لغوی و غریب القرآن ابن عباس اهمیت علم مفردات آشکار گردید.

۱. تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۷۴؛ التفسیر و المفسرون، ذهبی، ج ۱، ص ۳۶.

۲. حجر، ۹۱.

۳. الإیقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۱۸.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۹۳.

درآمدی بر علوم قرآن

در زمان ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز تبیین کلمات و آیات قرآنی ادامه یافت و صدها شاگرد فقیه و مفسر قرآن در مکتب آن بزرگواران تربیت شدند که هر کدام بر حسب توانایی خود از محضر ائمه معصومین علیهم‌السلام استفاده نموده و به تألیف کتاب‌هایی در این زمینه پرداختند. زیدبن علی و ابان بن تغلب از شاگردان مکتب امام سجاد علیه‌السلام نخستین گام جدی در تصنیف علم مفردات را برداشته‌اند و بعد از ابان، علی بن حمزه کسایی از قراء سبعة با تألیف کتاب معانی القرآن نقش مهمی بر تحول در شاخه‌های علم مفردات داشت.

تا حدود قرن ششم کتاب‌های مفردات قرآن که توسط دانشمندان اسلامی تألیف شده است؛ بیشتر به تبیین و توضیح واژگان خاص و دشوار قرآن اختصاص داشته و بحث واژه‌شناسی به صورت شاخه‌ای از تفسیر مطرح نبوده است. به همین دلیل کتاب‌های تألیف شده در این زمینه، غریب‌القرآن نام داشته‌اند، تا اینکه با مرور زمان و گسترش مباحث علوم قرآن دانش مفردات به عنوان شاخه‌ای از این علم مطرح شد و کتب مستقل زیادی تألیف گردید.

نقش علم مفردات در تفسیر و فن ترجمه

برای تفسیر آیات قرآن، نخست لازم است که معنای الفاظ روشن شود؛ آنگاه تفسیر آنها صورت پذیرد، اگر معنای الفاظ به خوبی روشن نشود، کشف معناهای گوناگون از آنها امکان‌پذیر نخواهد بود و روشن است دانشی که عهده‌دار معنا کردن الفاظ است علم مفردات می‌باشد.

از مهم‌ترین کاربردهای علم مفردات استفاده آن در ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف است. ترجمه قرآن نیاز به دانش واژه‌شناسی دارد و تا شخصی در این فن به تخصص دست نیابد، نمی‌تواند قرآن را به صورت درست ترجمه کند و در این راه دچار لغزش‌های فراوانی خواهد شد.^۱

۱. رک: تفسیر و مفسران، معرفت، ج ۱، ص ۱۵۲.

فروع علم مفردات

دانش بررسی واژگان قرآن علوم بسیاری را در بر می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. غریب القرآن

غریب القرآن علمی است که به توضیح واژه‌های غیر مأنوس، عجیب، دور از ذهن و غامض قرآن می‌پردازد، به گونه‌ای که انسان در فهم معنای آن واژه با مشکل مواجه می‌شود. به تعبیری دیگر، توضیح و تبیین آن بخش از واژه‌های قرآن که آشنایان به زبان عربی به سادگی معنای آنها را در نمی‌یابند، غریب القرآن نامیده می‌شود.^۱ این نکته نیز شایان توجه است که غریب القرآن غیر از مشکل القرآن است؛ چراکه مشکل القرآن ارتباطی به تفسیر واژه‌ها ندارد بلکه آیات به ظاهر متعارض را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نخستین کسی که در غریب القرآن تألیفی از خود بر جای گذاشته، عبدالله بن عباس بوده که سیوطی کتاب او را به روایت علی بن طلحه به طور کامل در الإتقان فی علوم القرآن درج کرده و نیز تحت عنوان مسائل نافع بن ازرق با تصحیح بنت الشاطی به چاپ رسیده است.

از مهم‌ترین کتاب‌هایی که منحصراً درباره غریب القرآن به نگارش در آمده است، کتاب غریب القرآن ابوبکر محمد بن عزیز السجستانی (متوفای ۳۳۰ ق.)، غریب القرآن ابن قتیبه (قرن ششم) و غریب القرآن طریحی (قرن یازدهم) است. برخی از کتاب‌ها نیز واژه‌های غریبه را در قرآن و حدیث به طور مشترک مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مانند مجمع البحرین نوشته طریحی و النهایه فی غریب الحدیث و الاثر نوشته ابن اثیر (متوفای ۶۰۶ ق.).

نمونه‌هایی از غریب القرآن در قرآن

- واژه جَنَفًا در آیه «فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوسٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ»^۲ به معنای

گناه و اثم می‌باشد.

۱. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۵۱۴؛ علوم قرآنی، معرفت، صص ۲۷۴-۲۷۳.

۲. بقره، ۱۸۲.

درآمدی بر علوم قرآن

- واژه فِتْنَةٌ در آیه «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»^۱ به معنای شرک می‌باشد.

- واژه فَسْحَقًا در آیه «فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ»^۲ به معنای دور باد می‌باشد.

- واژه وَالْجَفَّةُ در آیه «قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَالْجَفَّةُ»^۳ به معنای ترسناک می‌باشد.

- واژه الْوَدُودُ در آیه «وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ»^۴ به معنای حبیب و دوست دارنده می‌باشد.

۲. معرب القرآن

در لغت عرب واژه‌هایی وجود دارد که ریشه عربی ندارند و از زبان‌های دیگر اخذ شده که شکل واژه‌های دخیل با تغییراتی همراه شده است و به مرور زمان به رنگ لغت میزبان در آمده است؛ به این تغییرات در واژه‌های بیگانه اصطلاحاً معرب (عربی شده) می‌گویند.^۵ دانش مفردات بیان کننده معنای الفاظ معرب است، اگرچه ریشه‌ای برای آنها پیدا می‌کند.

در این زمینه کتاب‌های فراوانی نوشته شده که برای نمونه می‌توان به «المعرب من الکلام الأعجمی» نوشته ابو منصور جوالیقی (متوفای ۵۴۰ق.) اشاره نمود. «المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب» نیز از جلال الدین سیوطی درباره واژه‌های غیر عربی که شکل عربی به خود گرفته و در قرآن آمده‌اند سخن می‌گوید. وی همچنین در کتاب الإیتقان فی علوم القرآن به واژگان دخیل اشاره کرده است. در دوره‌ی معاصر یکی از مستشرقان به نام آرتور جفری، کتابی در این زمینه نگاشته که توسط دکتر فریدون بدره‌ای به عنوان «واژگان دخیل» به فارسی ترجمه شده است.

برخی واژه‌های غیر عربی که با دگرگونی معرب شده و در قرآن آمده است، عبارتند از:

۱. بقره، ۱۹۳.

۲. ملک، ۱۱.

۳. نازعات، ۸.

۴. بروج، ۱۴.

۵. علوم قرآنی، معرفت، ص ۲۷۶.

- ۱- اباریق جمع ابریق معرب آبریز: ﴿بَاكُوَابٍ وَّ اَبَارِيقٍ وَّ كَاسٍ مِّنْ مَّعِينٍ﴾^۱
- ۲- جُنَاحَ معرب گناه: ﴿فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾^۲
- ۳- سَجِيلَ معرب سنگ وگل: ﴿تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيلٍ﴾^۳
- ۴- سرادق معرب سرادر به معنی دهلیز یا سردار به معنی پرده منزل: ﴿اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا اَحَاطَ بِهُمْ سُرَادِقُهَا﴾^۴
- ۵- التنور کلمه‌ای فارسی است که در قرآن آمده است: ﴿وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ﴾^۵

۳. لغات القرآن

غیر از لغات به لهجه‌ی قریشی، واژگانی از لهجه‌های دیگر قبایل شبه جزیره‌ی عربستان چون هُذَیل، حِمَیر، تَمِیم، اُوس و... نیز در قرآن وجود دارد. از این رو علما برای شناسایی چنین الفاظی به نگارش کتاب‌های مستقلی دست زده‌اند که رفته رفته شاخه‌ای در دانش مفردات به وجود آورد که در اصطلاح «لغات القرآن» خوانده شد. ابوالقاسم محمدبن عبدالله رساله‌ای به نام اللغات نوشته و لغات قبایلی را که در قرآن آمده بر حسب ترتیب سور یادآور شده است که این رساله مستقلاً به نام «اللغات فی القرآن» به چاپ رسیده است. جلال‌الدین سیوطی این رساله را در کتاب خود الاتقان فی علوم القرآن خلاصه نموده است.^۶

نمونه‌هایی از لغات القرآن ذیلاً ذکر می‌شود:

۱. واقعه، ۱۸.
۲. بقره، ۱۵۸.
۳. قیل، ۴.
۴. کهف، ۲۹.
۵. مومنون، ۲۷.
۶. برای مطالعه بیشتر رک: الاتقان، ج ۲، صص ۸۹-۱۰۴؛ التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، صص ۱۳۰-۱۰۸.

درآمدی بر علوم قرآن

- ۱- «دُحُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ»^۱ دُحُورًا از لغت کنانه به معنای طرداً.
- ۲- «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ»^۲ الْوَدْقَ از لغت جُرهم به معنای باران.
- ۳- «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ»^۳ الرُّجْزَ از لغت هذیل به معنای عذاب.
- ۴- «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ»^۴ مَسْنُون از لغت حمیر به معنی گندیده.
- ۵- «لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ»^۵ از لغت حضر موت به معنی خستگی.

۴. مجاز القرآن

مجاز القرآن دانشی است که درباره الفاظ مجازی که در معنای حقیقی خود به کار نرفته‌اند، بحث می‌کند. برخی از دانشمندان در ضمن تألیفات خود راجع به علم مجازات قرآن سخن گفته‌اند؛ مانند سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن و برخی نیز تالیفی جداگانه داشته‌اند؛ مانند مجاز القرآن نوشته ابوعبیده معمر بن المثنی (متوفای ۲۱۰ ق) که این کتاب در شرح دشواری‌های عبارات قرآن کریم است، اعم از اینکه مشکلات از مقوله مجاز و استعاره باشد یا نباشد.^۶

برای مثال در آیه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۷ «ید» در معنای حقیقی اش به کار نرفته، بلکه در معنای مجازی آن به معنای قدرت به کار رفته است.

۱. صافات، ۹.

۲. نور، ۴۳.

۳. مدثر، ۵.

۴. حجر، ۲۶.

۵. فاطر، ۳۵.

۶. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۹۶۹.

۷. فتح، ۱۰.

۵. وجوه و نظائر

درآمدی بر علوم قرآن

(۴) به معنای «قرآن» در آیه ﴿وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا...﴾^۱

(۵) به معنای «روح بدن» در آیه ﴿وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي...﴾^۲

در زمینه نظائر برای نمونه سه کلمه بشر، انسان و آدم به یک موجود اشاره داشته و در مورد مخلوق واحدی به کار می‌روند.

از دیگر منابع معروف در زمینه وجوه و النظائر می‌توان به «وجوه القرآن الکریم» ابوعبدالرحمن اسماعیل بن احمد نیشابوری (متوفای ۴۳۰ ق.) و «وجوه القرآن» ابوالفضل جیش بن ابراهیم تغلیسی (متوفای ۵۵۸ ق.) اشاره نمود که وجوه مختلف کلمات قرآنی را بر اساس ترتیب حروف تهجی و بدون در نظر گرفتن ریشه و اصل کلمات آورده‌اند.

معرفی برخی منابع کارآمد در یافتن معنای مفردات قرآنی

به طور کلی برای یافتن معنای مفردات قرآن دو دسته منابع عمومی و اختصاصی وجود دارد. منابع عمومی همان فرهنگ لغت زبان عربی است که در آن به واژه‌های قرآنی از آن سو که جزء لغات عربی هستند اشاره شده است. اما در منابع اختصاصی صرفاً به معنای لغات موجود در قرآن پرداخته شده است که در ادامه تعدادی از این منابع را معرفی خواهیم نمود.

الف) منابع عمومی

۱. العین

این کتاب نوشته خلیل بن احمد فراهیدی (متوفای ۱۷۰ ق.) و قدیمی‌ترین لغت‌نامه عربی است. مهم‌ترین ویژگی این لغت‌نامه آن است که مؤلف آن، در عصر امامان معصوم علیهم‌السلام و دوره صدور بیشترین احادیث شیعی (دوران امام باقر تا امام کاظم علیهم‌السلام) می‌زیسته است. این ویژگی موجب شده تا العین از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای در تبیین معنای واژه‌های به کار رفته

۱. شوری، ۵۲.

۲. اسراء، ۸۵.

درس چهاردهم: مفردات در قرآن کریم

در متون اسلامی برخوردار باشد. ترتیب چینش واژه‌ها در این کتاب بر اساس ترتیب حروف حلقی و «قریب المخرج» بودن حروف است. او از میان حروف حلقی، حرف عین را مقدم ساخته و بر همین اساس نام کتاب خود را العین گذاشته است. ترتیب حروف بدین شکل است: «ع ح ه خ ع ق ک ج ش ص ض س ز ط د ت ظ ذ ث ر ل ن ف ب م و ای»^۱ و در برخی موارد استشهاد قرآنی در آن دیده می‌شود.

۲- تهذیب اللغة

کتاب تهذیب اللغة تألیف ازهری (متوفای ۳۷۰ ق.) است که ترتیب کتاب خود برحسب ترتیب کتاب العین تنظیم نموده و مولفان لسان العرب و تاج العروس بیشتر از این کتاب استفاده کرده‌اند.

۳- معجم مقاییس اللغة

این کتاب تألیف ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریای رازی (متوفای ۳۹۵ ق.) است. بنای او در این کتاب بر اختصار بوده و لغات ناآشنا و کم کاربرد را نیاورده است. تقسیم‌بندی کتاب بر اساس ریشه‌ی کلمات است و هر بخش را با عنوان کتاب به یکی از حروف الفبا اختصاص داده است. معجم مقاییس اللغة با «کتاب الهمزة» آغاز شده و با «کتاب الیاء» به پایان رسیده است. معجم مقاییس اللغة به ریشه‌یابی کلمات مشهور است. به ترتیب حروف الفبا و با تحقیقات و تعلیقات ارزشمندی با عنوان ترتیب مقاییس اللغة به چاپ رسیده است.

۴- لسان العرب

این لغت‌نامه نوشته ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم بن منظور، مشهور به ابن‌منظور (متوفای ۷۱۱ ق.) و از اهالی شمال آفریقا بوده است. این اثر دارای متنی مفصل، همراه با شواهد فراوانی از اشعار، آیات و احادیث است. در برخی موارد از حد یک لغت‌نامه فراتر رفته و به شرح حال برخی از مشاهیر پرداخته است. همین ویژگی باعث شده تا این کتاب در

۱. فرهنگ بزرگ جامع نوین، مقدمه، ص ۱۳.

درآمدی بر علوم قرآن

تحقیقات اسلامی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. تنظیم کتاب بر اساس ریشه کلمات است و بر اساس حرف آخر ریشه‌ی کلمات مرتب شده است.

۵- قاموس المحيط

کتاب قاموس المحيط از معروفترین آثار مجد الدین محمد بن یعقوب بن محمد فیروز آبادی (متوفای ۸۱۷ق.) از علمای برجسته علم لغت در قرن ۸ و ۹ هجری بوده است. این کتاب از حیث جامعیت و سهل الوصول بودن آن بر تمامی کتبی که تا عصر وی تالیف شده بود برتری دارد و به همین سبب بوده است که پس از انتشار این کتاب اکثر طلاب علوم دینی به آن اهتمام ویژه‌ای نمودند. در این کتاب بیش از شصت هزار ماده لغت عرب را جمع نموده است.

از جمله منابع عمومی دیگر در علم مفردات می‌توان به کتب صحاح اللغه اثر جوهری (۳۹۳ق.) و تاج العروس اثر زبیدی (۱۲۰۵ق.) اشاره نمود.

ب) منابع اختصاصی

۱- معانی القرآن

معانی القرآن از کتب لغت مشهور نوشته ابی زکریا یحیی بن زیاد الفراء (متوفای ۲۰۷ق.) است. مؤلف در این اثر توانایی نحوی- صرفی خویش را نشان داده است. استفاده از کلمات اشعار و دیگر آیات قرآنی برای بیان معنی واژه قرآنی از ویژگی‌های مولف در ذکر شواهد است. ذکر اقوال و آراء نحویان بزرگی مانند کسایی در جای جای کتاب وی دیده می‌شود.

۲- المفردات فی غریب القرآن

نویسنده‌ی این کتاب ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل بن محمد معروف به راغب اصفهانی (متوفای ۵۰۲ق.) است. این واژه‌نامه بر اساس مواد اصلی کلمه (اشتقاق) سامان داده شده است. روش راغب چنین است که نخست به بیان ماده لغت، به همراه معنای حقیقی پرداخته و سپس مشتقات و معانی مجازی را با تبیین با ذکر شواهدی از قرآن،

درس چهاردهم: مفردات در قرآن کریم

احادیث و اشعار و اقوال عرب بیان می‌کند. او همچنین از قرائات وارده، اقوال صحابه و تابعین و حکماء بهره برده و گاه به تفسیر قرآن به قرآن پرداخته است. نویسنده در برخی موارد نیز به نقد و رد آراء دیگران (با ابراز نظرات و آراء خود) می‌پردازد و در این حوزه از علوم، صاحب مرتبه اجتهاد است.^۱

۳- مجمع البحرين و مطلع النیرین

این کتاب از نگاشته‌های فقیه و مفسر قرآن شیخ فخرالدین طریحی نجفی (متوفای ۱۰۸۷ ق.) است. این فرهنگ، واژگان غریب قرآن و حدیث را در بردارد و به علاوه اسماء بعضی از انبیاء، محدثین، علماء، ملوک، شخصیات تاریخی بزرگ، تفسیر و شرح حدیث و عقائد در آن آمده است. ترتیب لغات در کتاب، برگرفته از صحاح جوهری بر اساس حرف آخر ریشه‌ی آن است. این کتاب اخیراً همانند دیگر معجم‌های امروزی به ترتیب الفبا تنظیم شده است.

۴- قاموس قرآن

قاموس قرآن نوشته سید علی‌اکبر قرشی است. مؤلف از کتاب‌های متعدد تفسیری، تاریخی، حدیثی و کتاب‌های معتبر لغت استفاده کرده است. یکی از منابع عمده‌ی او در این کتاب، تفسیر مجمع البیان طبرسی است. در ذیل هر کلمه، معنای لغوی آن بررسی و آیاتی که واژه در آن به کار رفته به همراه مقداری از روایات و اقوال دانشمندان در تفسیر آیات آورده شده است.

۵- التحقيق فی کلمات القرآن الکریم

التحقیق تألیف سیدحسن مصطفوی است. مؤلف در این اثر لغات قرآن را بر اساس ریشه کلمات تنظیم کرده و سعی نموده است که از مکررات و طولانی بودن مباحث دوری نماید. در ذیل هر مفرد قرآنی، نخست توضیحات کتابهای معتبر لغت و ادب از جمله صحاح و مقایس اللغه و تهذیب اللغه را آورده است. افزون بر این آیه یا آیاتی را که آن واژه‌ی قرآنی

۱. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۲۱۲۹.

درآمدی بر علوم قرآن

یا هم ریشه‌های آن قرار دارد، ذکر می‌کند. سپس در قسمتی با عنوان «التحقیق» نظر و جمع‌بندی خویش از اقوال نقل شده را بیان کرده و معنای مشترک بین کاربردهای مختلف واژه را نشان می‌دهد. در ذیل بسیاری از لغات غیر عربی، ریشه‌ی آنها را که به عبری و... بوده، توضیح می‌دهد و به همان شکلی که در زبان اصلی است، می‌آورد.

بررسی چند واژه قرآنی

با توجه به شناخت مختصری که از منابع مفردات قرآن صورت گرفت، در ادامه به بررسی چند واژه قرآنی با استفاده از کتب لغت می‌پردازیم تا با تبعیت از همین روش بتوان به معنای دقیق کل واژه‌های قرآن نائل شد.

۱- اُزِف: این واژه با مشتقاتش، سه بار در قرآن به کار رفته است.

مفردات راغب:

قال تعالى: (أَزِفَتِ الْأَزِفَةُ) (النجم / ۵۷) أَى: دنت القيامة و أُزِف و أفد يتقاربان، لكن أُزِف يقال اعتباراً بضيق وقتها و يقال: أُزِف الشخص و الأُزْف: ضيق الوقت و سُميت به لقرب كونها و على ذلك عبّر عنها بالساعة و قيل: أَتَى أَمْرُ اللَّهِ (النحل / ۱)، فعَبّر عنها بالماضي لقربها و ضيق وقتها، قال تعالى: (وَ أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزِفَةِ) (غافر / ۱۸).^۱

العین:

ازف: أُزِف الشيء يأُزِف أُرُفا و أزوفا و الأزفة القيامة و المتأزف: المكان الضيق و المتأزف: الخطو المتقارب و (المتأزف: القصير من الرجال).^۲

معجم مقاییس اللغة:

الهمزة و الزاء و الفاء يدل على الدنو و المقاربه. يقال أُزِف الرحیل اذا اقترب ودنا.^۳

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۵.

۲. کتاب العین، ج ۷، ص ۳۹۱.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۹۴.

جمع‌بندی: معنای اصلی در واژه «أزف» نزدیک شدن زمان و پایان یافتن وقت است و معنی ضیق وقت که راغب بر آن اشاره دارد از جمله معانی آن به شمار می‌رود و اشاره آیه به قیامت با تعبیر «أزفت» به ساختار ماضی دلالت بر قطعیت آن دارد.

۲- برزخ: این واژه سه مرتبه در قرآن به کار رفته است.

مفردات راغب:

الْبَرْزَخُ: الْحَاجِزُ وَالْحَدُّ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ وَقِيلَ: أَصْلُهُ بَرْزَه فَعَرَّبَ وَقَوْلُهُ تَعَالَى: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (الرَّحْمَنُ / ۲۰) وَ الْبَرْزَخُ فِي الْقِيَامَةِ: الْحَائِلُ بَيْنَ الْإِنْسَانِ وَ بَيْنَ بُلُوغِ الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ فِي الْآخِرَةِ وَ ذَلِكَ إِشَارَةٌ إِلَى الْعُقْبَةِ الْمَذْكُورَةِ فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعُقْبَةَ» (الْبَلَدُ / ۱۱)، قَالَ تَعَالَى: «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (الْمُؤْمِنُونَ / ۱۰۰) وَ تِلْكَ الْعُقْبَةُ مَوَانِعُ مِنْ أَحْوَالٍ لَا يَصِلُ إِلَيْهَا إِلَّا الصَّالِحُونَ وَقِيلَ: الْبَرْزَخُ مَا بَيْنَ الْمَوْتِ إِلَى الْقِيَامَةِ.^۱

قاموس قرآن:

واسطه و حایل میان دو چیز. «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (رحمن/۲۰) میان آن دو حایلی است که تجاوز نمی‌کنند. «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون/۱۰۰) از پس آنان برزخی هست تا روزی که برانگیخته می‌شوند. عالم مرگ را برزخ گوئیم چون میان زندگی دنیا و آخرت واسطه است.^۲

لسان العرب:

الْبَرْزَخُ: مَا بَيْنَ كُلِّ شَيْئَيْنِ، وَ فِي الصَّحَاحِ: الْحَاجِزُ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ وَ الْبَرْزَخُ: مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قَبْلَ الْحَشْرِ مِنْ وَقْتِ الْمَوْتِ إِلَى الْبَعْثِ، فَمَنْ مَاتَ فَقَدْ دَخَلَ الْبَرْزَخَ.^۳

۱. المفردات في غريب القرآن، ص ۱۱۸.

۲. قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. لسان العرب، ج ۳، ص ۸.

جمع‌بندی: واژه برزخ از اصل «ب-ر-ز» به معنی حائل و ما بین دو چیز است. از همین رو طبق گفته قاموس قرآن عالم مرگ به عالم برزخ تعبیر شده چون میان زندگی دنیا و آخرت واسطه است.

۳- **حطم:** این واژه با مشتقاتش شش مرتبه در قرآن به کار رفته است.

المفردات راغب:

الْحَطْمُ: كسر الشيء مثل الهشم ونحوه، ثُمَّ استعمل لكل كسر متناه، قال الله تعالى: «لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ» (النمل / ١٨) وَحَطَّمْتُهُ فأنحطم حَطْماً وَسَائِقُ حُطْمٍ: يحطم الإبل لفرط سوقه وسميت الجحيم حُطْمةً، قال الله تعالى في الحطمة: «وَمَا آدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ» (الهمزة / ٥) وَقِيلَ لِلْأَكُولِ: حطمة، تشبيهاً بالجحيم وَالْحُطَامُ: ما يتكسر من اليبس، قال عز وجل: «ثُمَّ يَهَيِّجُ فَتْرَتَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا» (الزمر / ٢١).^١

قاموس قرآن:

شکستن. «حطمه حطماً: کسره» «ادْخُلُوا مَسَاكِينَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ» (نمل/ ١٨) وارد مساکن خویش شوید تا شما را سلیمان و لشگریانش در هم نشکنند. (پایمال نکنند). حطام آنست که از خشکی شکسته شود. «ثُمَّ يَهَيِّجُ فَتْرَتَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا» (زمر/ ٢١) سپس می‌خشکد و آن را زرد شده می‌بینی و سپس شکسته و ریز ریز می‌شود. جهنم از آن جهت حطمه نامیده شده که هر چیز را می‌شکند و خورد می‌کند. «كَأَلَّا لِيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطْمَةِ * وَ مَا آدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ» (همزه/ ٤-٥) حتماً به حطمه انداخته می‌شود. چه دانی حطمه چیست؟ آتش افروخته خداست.^٢

١. المفردات فی غریب القرآن، ص ٢٤٢.

٢. قاموس قرآن، ج ٢، ص ١٥٣.

معجم مقاییس اللغة:

الحاء و الطاء و المیم اصل واحد و هو كسر الشی يقال حطمت الشی حطماً، كسرتة و يقال للمتکسر فی نفسه حطم و يقال للفرس اذا تهدم لطول عمره حطم^۱.

جمع بندی: واژه حطم در معنی شکستن ساختار چیزی، چه مادی و چه معنوی به کار می‌رود، به شکلی که نظم و صورت ظاهری آن از بین برود و شامل هر شکستنی نمی‌شود.



۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۷۸.

- ۱- علم مفردات یا واژه شناسی قرآن، دانشی است که درباره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه، اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب، مناسبات و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند.
- ۲- آموزش و یادگیری علم مفردات برای درک عمیق و دقیق از واژه های قرآن کریم، ضرورت دارد.
- ۳- پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام در امر آموزش قرآن و تفسیر آن توجه ویژه به مفردات و واژه های قرآن برای فهم بهتر آیات داشتند.
- ۴- غریب القرآن، مجاز القرآن، لغت القرآن، معربات و وجوه و نظایر جزء علمی هستند که در علم مفردات به آنها پرداخته می شود.
- ۵- کتب العین، التهذیب، معجم مقاییس اللغة، لسان العرب و قاموس المحيط از مهمترین منابع عمومی و کتب معانی القرآن، المفردات، مجمع البحرين، قاموس قرآن و التحقيق فی کلمات القرآن از جمله منابع اختصاصی در علم مفردات می باشد.

پرسش و پاسخ

- ۱- مفهوم علم مفردات و اهمیت آن را شرح دهید.
- ۲- پیدایش علم مفردات را به اختصار شرح داده و قدیمی ترین کتب در این زمینه را نام ببرید.
- ۳- نقش علم مفردات در تفسیر و فن ترجمه را توضیح دهید.
- ۴- زیر مجموعه های علم مفردات را نام برده و برای هر کدام مثال های قرآنی بیان کنید.
- ۵- علم وجوه و النظائر را شرح داده و وجوه مختلف روح را ذکر کنید.
- ۶- با رجوع به کتب لغت معنای دقیق واژه های «عسّس» «الصّرح» «حصّب» «نکص» «لغوب» «شطط» «دُسّر» «ولیجه» «عُمّه» را مشخص نمایید.

درس پانزدهم

تفسیر و روش‌های آن

اهداف آموزشی درس

آشنایی با مفهوم تفسیر

بررسی تفسیر در دوران پیامبر ﷺ

آشنایی با تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی و تفسیر عقلی

آگاهی از تفسیر به رأی و ممنوعیت آن

شناخت تفسیر ترتیبی و موضوعی

خداوند متعال از دانش و علم بیکران خود، قرآن را برای هدایت بشریت بوسیله پیامبر ﷺ اسلام بر آنها نازل فرموده است. قرآن کریم شامل معارف و مضامین و حقائق بسیار متعالی‌ای است که به طور اختصار در قالب الفاظ و عبارات عربی در ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه تجلی نموده است. از آن‌رو که این معارف دارای سطوح مختلف و مراتب گوناگون و رموز و اسرار پیچیده‌ای است، فهمیدن همه معارف آن برای عموم به راحتی مقدور نیست. حضرت علی (ع) در روایتی درباره اسرار قرآن می‌فرمایند: «إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْقَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ»^۱ «همانا قرآن ظاهر آن زیبا و باطن آن عمیق است و عجائب آن تمام نمی‌شود و غرائب آن از بین نمی‌رود».

از این رو نیاز به شرح و تبیین و تفسیر قرآن از سوی کسانی که عالم به اسرار قرآن و راسخ در علم هستند و همچنین علم کتاب به آنها داده شده، کاملاً احساس می‌شود. هر چند که جنبه‌ها و ابعاد دیگری نیز در قرآن وجود دارد که لزوم و ضرورت تفسیر را به اثبات می‌رساند.

مفهوم شناسی تفسیر

تفسیر از ریشه «ف س ر» به معنای بیان، پرده برداشتن و کشف کردن است و مقلوب ریشه «س ف ر» می‌باشد.^۲ در اصطلاح به معنی پرده برداشتن و روشن و تبیین نمودن آیات قرآن به منظور کشف مراد و مقصود خداوند متعال به قدر طاقت بشر است.^۳

۱. بحارالأنوار، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۸.

۳. مجمع البیان، مقدمه، ج ۱، ص ۳۹.

درآمدی بر علوم قرآن

در قرآن مجید تنها یک بار کلمه تفسیر بکار رفته است که به معنی «شرح و تفصیل» است. «و لَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا»^۱ «و برای تو مثلی نیاوردند، مگر آنکه [اما] حق را با نیکوترین بیان برای تو آوردیم.»

پیامبر ﷺ اولین مفسر قرآن

به جهت اهمیت شرح و تفسیر کلام خداوند، به گواهی قرآن،^۲ اولین مفسر و مبین قرآن پیامبر ﷺ بودند که آیات قرآن را برای مسلمین و پیروان خویش به صورت شرح اصطلاحات قرآنی، شرح واژگان، تقييد مطلق، تخصیص عام، تفسیر قرآن به قرآن، نکات اخلاقی، امامت و ولایت و ویژگی‌های بهشت و جهنم تفسیر می‌کردند.

صحابه هرگاه در فهم معانی آیات دچار مشکل می‌شدند به حضرت مراجعه می‌کردند و از ایشان معانی آیات را فرا می‌گرفتند. حضرت معمولاً به دو شیوه گفتاری و عملی به تفسیر آیات می‌پرداختند. مثلاً درباره کیفیت نماز در آیه شریفه «و أَقِيمُوا الصَّلَاةَ...»^۳ و مانند آن می‌فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي»^۴ «همانگونه که من نماز می‌خوانم، شما هم بخوانید.»

پیامبر اکرم ﷺ افزون بر شیوه عمومی، به طور خصوصی نیز آموزش‌هایی داشته‌اند که این آموزش یا به صورت گروهی برای صحابه‌ای مانند ابن مسعود، ابی‌ابن‌کعب و ... بوده یا به طور خاص برای امام علی (ع) بوده است. بر اساس روایات وارده از ائمه اطهار (ع) پیامبر ﷺ به طور ویژه تفسیر تمام قرآن را به حضرت علی (ع) آموخته است.^۵

اما درباره اینکه پیامبر چه مقدار از قرآن را برای صحابه و مردم تفسیر و تبیین کرده است، نظرات گوناگونی ارائه شده است. گروهی معتقدند پیامبر ﷺ تمام معانی قرآن و الفاظ آن را تفسیر کرده است. چرا که خداوند می‌فرماید: «و أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ

۱. فرقان، ۳۳.

۲. «و أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» نحل، ۴۴.

۳. بقره، ۴۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹.

۵. الأمالی للصدوق، ص ۴۰۱.

درس پانزدهم: تفسیر و روش‌های آن

لِّلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^۱ «و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند!»
اما گروهی نیز بر این عقیده‌اند که پیامبر ﷺ جز اندکی از قرآن را تفسیر نکرده است. از آنجا که در روایتی آمده است که پیامبر تنها چند آیه از قرآن را که جبرئیل به او آموخته بود، تفسیر کرده است.^۲

گروه سوم نیز بر این باورند که بیشتر قرآن توسط پیامبر ﷺ تفسیر شده است، زیرا همه قرآن نیازمند تفسیر نیست. برخی آیات با مراجعه به لغت یا ادبیات و نیز با تدبیر قابل فهم است. این نکته را نیز باید دقت کرد که همه آنچه که اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن فرموده‌اند، همه منتسب به پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد.^۳

بعد از وفات پیامبر ﷺ تفسیر قرآن در عصر صحابه^۴ ادامه یافت که در بین صحابه بدون تردید و تطبیق اسناد موجود و روایات معتبر از شیعه و سنی، پس از رسول خدا ﷺ داناترین مردم به تفسیر قرآن حضرت علی علیهما السلام بوده است^۵ و روایات تفسیری زیادی از حضرت به جا مانده است.

علاوه بر حضرت علی علیهما السلام برخی از صحابه مانند ابن عباس و عبد الله بن عمر و ابی بن کعب و... در امر تفسیر قرآن پیشرو بودند. تفسیر در دوره صحابه معمولاً از چارچوبه جهات ادبی آیات و شأن نزول آنها و مختصری استدلال به آیات برای توضیح آیاتی دیگر و اندکی تفسیر با روایات وارده از رسول خدا ﷺ در باب قصص و معارف مبدأ و معاد و امثال آن تجاوز نمی‌کرد.^۶

۱. نحل، ۴۴.

۲. جامع البیان، ج ۱، ص ۲۹؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۳۱.

۳. تفسیر و مفسران، معرفت، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۶۸.

۴. صحابی به کسی گفته می‌شود که مصاحبت طولانی با پیامبر داشته و در ماجراهای حساس و مهم همراه پیامبر بوده و در اوامر و نواهی مطیع ایشان بوده است و تا موقع مرگش متصف به آن اوصاف بوده باشد و بر همین اساس صحابه مراتب گوناگونی در شان و عظمت دارند. الرعایه فی علم الدرایه، ص ۳۳۹.

۵. «كان عمر يتعوذ بالله من معضلة ليس لها أبو حسن» أسد الغابة، ج ۳، ص ۵۹۷؛ الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۵۸.

۶. الميزان، مقدمه، ج ۱، ص ۴.

درآمدی بر علوم قرآن

تفسیر قرآن بعد از صحابه در دوران تابعین رواج بیشتری یافت که در این میان اهل بیت پیامبر ﷺ جایگاه و نقش ویژه‌ای داشتند و روایات تفسیری بسیاری از این بزرگواران بر جای مانده است.

مراحل و تنوع تفسیر

تا این مرحله معمولاً تفاسیر بسیار ساده و دور از هرگونه اطناب‌های کلامی بود و اجتهادهای تفسیری و تفسیر به رأی در آنها به ندرت دیده می‌شود. اما بخاطر ارتباط مسلمین با سایر ادیان و ممالک دیگر جهان و تشکیل فرقه‌های مذهبی گوناگون، تفاسیر آرام آرام از آن حالت اولیه خارج شد و سبک و سیاق جدیدی به خود گرفت. از سویی در اواخر سلطنت امویان و اوایل حکومت عباسیان، فلسفه یونان به زبان عربی ترجمه شد و در بین علمای اسلام انتشار یافت و همه جا مباحث عقلی ورد زبان‌ها و نقل مجالس علما شد.

از سوی دیگر مقارن با انتشار بحث‌های فلسفی، مطالب عرفانی و صوفی‌گری نیز در اسلام راه یافت و جمعی از مردم به آن ابراز تمایل نمودند، تا به‌جای برهان و استدلال فقهی، حقایق و معارف دینی را از طریق مجاهده و ریاضت‌های نفسانی دریابند. به تبع این عوامل و برخی عوامل دیگر همانند ظاهرگرایی و باطن‌گرایی، تفسیر مرحله به مرحله پیش رفت و گستردگی و تنوع آن رو به فزونی گذاشت و روش اهل علم در تفسیر قرآن کریم، مختلف و گوناگون گردید.^۱

از این رو ما در طول تاریخ اسلام و سده‌های مختلف آن شاهد شکل‌گیری گرایش‌های تفسیری متعددی همچون: ادبی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی، اجتماعی و... هستیم. در دهه‌های اخیر با پیشرفت چشمگیر علوم تجربی، نوعی تفسیر با صبغه علمی نیز نگاشته شد که گاهی مواقع شاهد افراطی‌گری‌هایی در آنها هستیم؛ مثلاً برخی از این مفسران سعی کرده‌اند جهت اثبات حقانیت قرآن، کشفیات جدید علمی را بر قرآن تطبیق دهند.^۲

۱. التفسیر و المفسرون، ذهبی، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۰؛ المیزان، مقدمه، ج ۱، صص ۱۲-۵.

۲. تاریخ تفسیر قرآن کریم، ص ۲۳۵.

درس پانزدهم: تفسیر و روش‌های آن

بدین گونه تفسیر راه تکامل خود را پیمود و کتاب‌های تفسیری هر کدام سمت و سوی خاصی به خود گرفتند.

روش‌های تفسیری

روش تفسیر به آن دسته از مستند و یا مستندات گفته می‌شود که مفسر در آن از روش و شیوه منظمی برای کشف معانی و مقصود کتاب خدا مطابق با درک خود روی می‌آورد.

به طور کلی سه روش برای تفسیر قرآن وجود دارد:

۱- استفاده از قرآن در تفسیر خود (تفسیر قرآن به قرآن)

۲- رجوع به اخبار و روایات (تفسیر روایی)

۳- استفاده از عقل و مدرکات آن (تفسیر عقلی)

در هر نوع روشی که مفسر در تفسیر خود از آن استفاده می‌کند، ناگزیر است از یکی از این روش‌ها و یا هر سه آنها استفاده کند.

۱- تفسیر قرآن به قرآن

یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها و روش‌های تفسیر، تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد. این روش عبارت است از تبیین و کشف معنای آیه یا آیاتی با استفاده از برخی آیات دیگر.^۱ چرا که قرآن کریم در جایی به اجمال و اختصار سخن گفته و در برخی آیات دیگر تفصیل و شرح آن را بیان نموده است.^۲ بنابراین قرآن کریم خود گویای مفاهیم و معارف خود می‌باشد و برای فهم و درک آیات، بهترین راه خود قرآن است.^۳

این شیوه بر گرفته از سنت پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام در تفسیر آیات قرآن است. همچنین آیاتی از قرآن بر صحت این شیوه دلالت می‌کند.

۱. تفسیر القرآن المجید، شیخ مفید، ص ۱۶؛ القرآن فی الإسلام، ص ۶۴.

۲. البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۷۵.

۳. المیزان، ج ۱، ص ۱۱؛ القرآن فی الإسلام، ص ۸۷.

درآمدی بر علوم قرآن

«إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ.. ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ»^۱ «در حقیقت گردآوردن و خواندن آن بر [عهده] ماست. سپس توضیح آن [نیز] بر عهده ماست!»

«هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»^۲ «[قرآن] برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل است.»

قرآنی که بیانگر همه چیز است، قبل از هر چیز مسلماً بیانگر خودش نیز می‌باشد و بخشی از قرآن را بخشی دیگر تفسیر می‌کند.^۳ حضرت علی علیه السلام در روایتی بر این امر تأکید دارند و می‌فرمایند: «كِتَابُ اللَّهِ تُبْصِرُونَ بِهِ وَتَسْمَعُونَ بِهِ وَيَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ»^۴ «کتاب خدا که به وسیله آن می‌بینید و می‌شنوید برخی از آن برخی دیگر را تفسیر می‌کند و برخی از آن، به برخی دیگر شهادت می‌دهد.»

برای نمونه خداوند متعال درباره نزول دفعی قرآن می‌فرماید: «حَمِّمٌ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ»^۵ «حم سوگند به این کتاب روشنگر، که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم ما همواره انداز کننده بوده‌ایم!» در این آیه تنها اشاره شده است که قرآن در یک شب مبارک و فرخنده نازل گردیده است، اما این که این شب چه شبی و در چه ماهی می‌باشد، آیات دیگر این نکته را روشن کرده‌اند. چنانکه خداوند متعال در سوره قدر می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۶ «ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم» در آیه دیگر می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۷ «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است»

۱. قیامت، ۱۹-۱۷.

۲. بقره، ۱۸۵.

۳. قال ابن عباس: «القرآن يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضاً» بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۳۵۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۲.

۵. دخان، ۳-۱.

۶. قدر، ۱.

۷. بقره، ۱۸۵.

درس پانزدهم: تفسیر و روش‌های آن

بنابراین از مجموعه آیات استفاده می‌شود که قرآن در شب قدر که شب فرخنده‌ای است و در ماه مبارک رمضان واقع شده، نازل گردیده است.^۱

از مهم‌ترین تفاسیری که با این سبک و سیاق نگاشته شده است، تفسیر المیزان اثر علامه طباطبایی است که در نوع خود منحصر به فرد و ویژه می‌باشد، هر چند که از زوایای دیگر این تفسیر اجتهادی و جامع است.

۲- تفسیر روایی (تفسیر ماثور)

از جمله روشی که برخی مفسران در کتب تفسیری خود از آن استفاده نمودند، تفسیر نقلی یا روایی و یا ماثور است. بدین نحو که پیامبر ﷺ یا ائمه معصومین علیهم‌السلام آیه‌ای را شرح و تفسیر نمودند که مفسر در تفسیر آیه به این گونه روایات استناد می‌جوید. در واقع از سنت (قول و فعل و تقریر پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام) در تفسیر قرآن استفاده می‌کنند؛ چرا که روایات به عنوان یکی از مهمترین منابع تفسیری به شمار می‌آید.^۲

تفسیر روایی ریشه‌دارترین و با سابقه‌ترین شیوه تفسیر قرآن کریم است. زیرا یکی از وظایف مهم رسالت حضرت، شرح و تبیین آیات قرآن است. «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۳ «و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند».

از جمله مهم‌ترین کارکردهای تفسیر روایی، آگاهی از بطون آیات و تاویل آن است؛ زیرا کسانی جز راسخان در علم بدان راهی ندارند. از همین روی حقائق و بطون بسیاری از آیات قرآن که از طرق عادی راهی برای فهم آن نیست، برای ما آشکار می‌شود.

۱. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۷۹.

۲. البته اهل سنت، قول و فعل و تقریر صحابه و تابعین را جزو سنت دانسته و قول آنها را همانند قول پیامبر ﷺ دارای حجیت می‌دانند و بدان عمل می‌کنند. رک: الاتقان، ج ۲، صص ۴۷۴-۴۷۳؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳. نحل، ۴۴.

درآمدی بر علوم قرآن

برای نمونه امام صادق علیه السلام در تأویل آیه «وَ بَثِّرْ مُعْطَلَةً وَ قَصِّرْ مَشِيداً»^۱ فرمودند: مقصود از بثر معطله امامی است که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و قصر مشید امامی است که مردم به او رجوع می‌کنند و گویا است.^۲

چالش تفسیر روایی

آنچه در بحث تفسیر روایی حائز اهمیت است و باید بدان توجه ویژه‌ای داشت، اطمینان از صحت روایت است؛ زیرا در طول تاریخ افراد و گروه‌هایی بنابر دلایل گوناگون بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دروغ بسته‌اند.^۳ چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكَذَابَةُ»^۴

برای نمونه در یک حدیث جعلی، غیاث بن ابراهیم برای خشنودی خلیفه عباسی، حدیثی را به دروغ به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده که حضرت فرمودند: «لَا سَبَقَ إِلَّا خَفَّ او حَافِرُ او حَمَامَهُ»^۵ «مسابقه بجز در سواری شتر و اسب و کبوتر روا نیست.» که صحیح آن، این‌گونه است: «لَا سَبَقَ إِلَّا فِي نَضْلٍ أَوْ خَفٍّ أَوْ حَافِرٍ»^۶ «مسابقه بجز در تیراندازی و سواری شتر و اسب روا نیست.»

بنابراین در تفسیر روایی صرفاً باید به روایات صحیح از لحاظ محتوایی و سندی رجوع کرد و از روایات ضعیف و جعلی احتراز نمود.
مهم‌ترین تفاسیر روایی عبارتند از:

۱- تفسیر القرآن الکریم اثر ابو حمزه دوم ثمالی (دوم)

۲- جامع البیان فی تفسیر القرآن اثر محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق.)

۱. حج، ۴۵.

۲. تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۳۹.

۳. برخی از عوامل جعل حدیث عبارت است از: موضوع خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روی کار آمدن معاویه، تشعبات مذهبی، ... علم الحديث و درایه الحديث، شانه چی، ص ۹۶.

۴. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۰۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۸۰.

۵. علم الحديث و درایه الحديث، شانه چی، ص ۱۰۲؛ کتب زیادی در زمینه بررسی احادیث جعلی به نام موضوعات نوشته شده است: الموضوعات، ابن جوزی، اللآلی المصنوعة، سیوطی و ...

۶. عوالی الآلی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۸۱.

۳- تفسیر عیاشی محمد بن مسعود عیاشی (۳۲۰ق.)

۴- تفسیر قمی علی بن ابراهیم قمی (۳۲۹ق.)

۵- الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی (۹۱۰ق.)

۶- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ق.)

۷- نور الثقلین اثر ابن جمعه عروسی (۱۱۱۲ق.)

۳- تفسیر عقلی (تفسیر اجتهادی)

یکی دیگر از روش‌های تفسیری، تفسیر اجتهادی است. تفسیر اجتهادی بیشتر بر درایت و عقل متکی است تا روایت و نقل؛ چون معیار سنجش و بررسی در آن، اندیشه و تدبر است. در این روش معمولاً مفسر با دلیل و برهان و استفاده از ادله و گاهی با استفاده از روایات به تجزیه و تحلیل آیات قرآن می‌پردازد.

خداوند متعال با دعوت عموم مردم به تفکر و تدبر در قرآن از آنها می‌خواهد تا از این کتاب الهی عبرت گیرند و راه سعادت را با تمسک به آن بر خود هموار سازند.

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۱ «این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند!»

همچنین خداوند متعال، افرادی را که در قرآن کریم تفکر و تدبر نمی‌کنند، مورد عتاب قرار می‌دهد و آنها را مؤاخذه می‌کند و می‌فرماید:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۲ «آیا آنها در قرآن تدبر نمی‌کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است؟!»

مفسر در تفسیر اجتهادی از لغات و واژگان قرآن، علم بلاغت، قرائات قرآن، بررسی سیاق، شأن نزول، آیات الاحکام، نکات اجتماعی، علمی، کلامی، فلسفی و عرفانی سود می‌جوید. بر

۱. ص، ۲۹.

۲. محمد، ۲۴.

درآمدی بر علوم قرآن

همین اساس تفسیر اجتهادی به تفاسیر لغوی، ادبی، فقهی، اجتماعی، علمی، کلامی، فلسفی، عرفانی و جامع تقسیم می‌شود.^۱

در تفسیر عقلی هر دانشمندی بر اساس علم و توانمندی و دستاوردهای علمی‌اش از زاویه دانش خود به تفسیر روی می‌آورد؛ هر چند ممکن است از جنبه‌های دیگر استفاده نماید، معمولاً یک وجه لغوی و یا ادبی و یا اجتماعی در آن تفسیر غالب است. گاهی نیز برخی مفسران در تفسیر خود از تمام روش‌ها و شیوه‌های تفسیری استفاده می‌کنند که به این نوع تفاسیر مانند تفسیر مجمع البیان امین الاسلام طبرسی، تفسیر جامع می‌گویند.^۲

چالش تفسیر عقلی

با توجه به ظریف و دقیق بودن بحث تفسیر عقلی، امکان دارد که مفسری بدون در نظر گرفتن اصول و قواعد تفسیر، سعی کند آیات قرآن را بر رأی و نظر خود منطبق سازد و بدین وسیله دیدگاه خود را با آن آیه توجیه نماید یا آن را وسیله‌ای برای تبلیغ عقیده و مسلک خویش گرداند. در تفسیر به رأی افراد سلیقه‌های شخصی و پندارها و اوهام خود را بر آیات قرآن حمل می‌کنند و آن آیات را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف خود قرار می‌دهند. پیامبر ﷺ در ذم تفسیر به رأی فرمودند: «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ أَوْ بغيرِ عِلْمٍ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»^۳ «هر کس قرآن را طبق رأی خویش تفسیر کند، جایگاه خود را در دوزخ فراهم نموده است.»

برای نمونه صاحب تفسیر المنار در تفسیر معنای سجیل (در سوره فیل) می‌گوید: این عذاب کنایه از حصبه و آبله است و این سوره کریمه برای ما روشن می‌کند که این آبله و حصبه از سنگریزه‌های خشکی که بر سر افراد لشکر ابرهه باریده، سرایت کرده است.^۴

۱. التفسیر و المفسرون، ذهبی، ج ۱، ص ۹۹.

۲. روشهای تفسیر قرآن، مودب، ص ۲۹۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۵۱۲؛ عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۳۷.

۴. رک: التفسیر و المفسرون، ذهبی، ج ۱، صص ۱۷۵-۱۷۰.

درس پانزدهم: تفسیر و روش‌های آن

از مهم‌ترین تفاسیر عقلی می‌توان به تفاسیر زیر اشاره نمود:

- ۱- التبیان فی تفسیر القرآن اثر شیخ طوسی (۴۶۰ق.)
- ۲- مجمع البیان فی تفسیر القرآن اثر فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ق.)
- ۳- مفاتیح الغیب، تفسیر کبیر اثر فخر رازی (۶۰۲ق.)
- ۴- تفسیر القرآن الکریم اثر ملاصدرا (۱۰۵۰ق.)
- ۵- روح المعانی اثر آلوسی (۱۲۷۰ق.)

تفسیر ترتیبی و موضوعی

به طور کلی مفسران در شیوه نگارش تفسیر به دو شکل ترتیبی و موضوعی، قرآن را تفسیر می‌کنند.

تفسیر ترتیبی آن است که مفسر، قرآن را برحسب ترتیب قرآن موجود از سوره حمد تا سوره ناس و یا مطابق ترتیب نزول از اول تا آخر قرآن تفسیر کند. در این نوع تفسیر ممکن است مفسر تمام قرآن را تفسیر نکند و تنها به تفسیر بخشی از قرآن اکتفا کند، مانند تفسیر جزء سی شیخ محمد عبده.

تفسیر موضوعی آن است که مفسر، موضوع واحد و مستقل قرآنی همانند خداشناسی، معاد، نبوت و ... و یا دو موضوع مرتبط با هم مثل ایمان و عمل صالح را مورد بررسی قرار دهد. مفسر، آیات قرآن مربوط به موضوع مورد نظر را در کنار هم، جمع‌آوری می‌کند تا ابعاد مختلف آن موضوع از نظر قرآن مشخص شود. تفسیر اخلاق در قرآن آیت الله مصباح یزدی و منشور جاوید آیت الله سبحانی از جمله تفاسیر موضوعی هستند.

۱- تفسیر در لغت به معنای بیان، پرده برداشتن و کشف کردن است. در اصطلاح به معنی پرده برداشتن و روشن و تبیین نمودن آیات قرآن به منظور کشف مراد و مقصود خداوند متعال به قدر طاقت بشر است.

۲- اولین مفسر و مبین قرآن پیامبر ﷺ بودند که آیات قرآن را برای مسلمین و پیروان خویش به صورت شرح اصطلاحات قرآنی، شرح واژگان، تقييد مطلق، تخصيص عام، تفسير قرآن به قرآن، نکات اخلاقی، امامت و ولایت و ویژگی‌های بهشت و جهنم تفسیر می‌کردند.

۳- درباره حجم روایات تفسیری پیامبر ﷺ سه دیدگاه وجود دارد: ۱- پیامبر تمام قرآن را تفسیر کرده است. ۲- تنها تعدادی از آیات را تفسیر نموده است. ۳- به تفسیر بیشتر آیات پرداخته است.

۴- در طول تاریخ اسلام و سده‌های مختلف آن شاهد شکل‌گیری گرایش‌های تفسیری متعددی همچون: ادبی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی، اجتماعی و... هستیم. در دهه‌های اخیر نیز با پیشرفت چشمگیر علوم تجربی، نوعی تفسیر با صبغه علمی نیز نگاشته شد.

۵- یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها و روش‌های تفسیر، تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد. این روش عبارت است از تبیین و کشف معنای آیه یا آیاتی با استفاده از برخی آیات دیگر.

۶- از جمله روشی که برخی مفسران در کتب تفسیر خود از آن استفاده نمودند، تفسیر نقلی یا روایی و یا مأثور است. بدین نحو که مفسر در تفسیر آیه به روایات تفسیری پیامبر ﷺ یا ائمه معصومین علیهم‌السلام استناد می‌جوید.

۷- یکی دیگر از روش‌های تفسیری، تفسیر اجتهادی است. تفسیر اجتهادی بیشتر بر درایت و عقل متکی است تا روایت و نقل. اساس تفسیر اجتهادی به تفاسیر لغوی، ادبی، فقهی، اجتماعی، علمی، کلامی، فلسفی، عرفانی و جامع تقسیم می‌شود.

۸- امکان دارد مفسری بدون در نظر گرفتن اصول و قواعد تفسیر، سعی کند آیات قرآن را بر رأی و نظر خود منطبق سازد و بدین وسیله دیدگاه خود را با آن آیه توجیه نماید یا آن را وسیله‌ای برای تبلیغ عقیده و مسلک خویش گرداند.

۹- تفسیر ترتیبی آن است که مفسر، قرآن را بر حسب ترتیب قرآن موجود از حمد تا ناس و یا مطابق ترتیب نزول از اول تا آخر قرآن را تفسیر می‌کند. تفسیر موضوعی آن است که مفسر، موضوع واحد و مستقل قرآنی همانند خداشناسی، معاد، نبوت و ... و یا دو موضوع مرتبط با هم مثل ایمان و عمل صالح را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پرسش و پاسخ

- ۱- تفسیر یعنی چه؟
- ۲- حجم روایات تفسیری پیامبر ﷺ چه مقدار بود؟ دیدگاه‌ها را مطرح کنید.
- ۳- روش‌های تفسیری قرآن را نام ببرید و تفسیر قرآن به قرآن را شرح دهید.
- ۴- آیه‌ای را به روش قرآن به قرآن تفسیر کنید.
- ۵- روش تفسیر روایی را با نمونه‌ای توضیح دهید و مهم‌ترین چالش تفسیر روایی چیست؟
- ۶- تفسیر عقلی و اقسام آن را توضیح دهید.
- ۷- تفسیر به رأی چیست؟ روایتی را در مورد نفی آن بیان کنید.
- ۸- تفسیر ترتیبی و موضوعی را تعریف کنید. برای هر کدام نمونه‌ای بیان کنید.

منابع و مأخذ

١. قرآن مجيد، ترجمه محمد مهدي فولادوند، تهران، دار القرآن الكريم، ١٤١٥ ق.
٢. قرآن مجيد، ناصر شيرازي مكارم شيرازي، قم، دار القرآن الكريم، دوم، ١٣٧٣.
٣. نهج البلاغه، امام علي بن ابي طالب (عليه السلام)، قم، انتشارات دار الهجره، بي تا.
٤. الإتيقان في علوم القرآن، السيوطي، تحقيق، سعيد المندوب، بيروت، دار الفكر، أول، ١٤١٦ ق.
٥. الاحتجاج، ابو منصور احمد بن علي طبرسي، مشهد، نشر مرتضى، ١٤٠٣ ق.
٦. إحياء علوم الدين، ابو حامد غزالي، بيروت، دار الكتاب العربي، بي تا.
٧. آداب الصلاة، خميني، سيد روح الله، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ١٣٧٢.
٨. الإرشاد، الشيخ المفيد، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، أول، ١٤١٣ ق.
٩. إرشاد القلوب، حسن بن ابي الحسن ديلمى، بي جا، انتشارات شريف رضى، ١٤١٢ ق.
١٠. أسباب النزول، سيد محمد باقر حجتى، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ششم، ١٣٧٧.
١١. أسباب نزول القرآن، علي بن احمد واحدى، بيروت دار الكتب العلمية، أول، ١٤١١ ق.
١٢. أسد الغابة في معرفة الصحابة، عز الدين بن الأثير أبو الحسن علي بن محمد الجزري، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ ق.
١٣. الإصابة في تمييز الصحابة، احمد بن علي بن حجر العسقلاني، تحقيق، عادل احمد عبد الموجود و علي محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية، أول، ١٤١٥ ق.
١٤. الأصفى في تفسير القرآن، ملا محسن فيض كاشاني، قم، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، ١٤١٨ ق.
١٥. اطيب البيان في تفسير القرآن، سيد عبد الحسين طيب، تهران، انتشارات اسلام، ١٣٧٨.
١٦. اعجاز القرآن، رافعى، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٣٩٣ ق.

درآمدی بر علوم قرآن

۱۷. اعجاز القرآن، الباقلائی، تحقیق، السيد أحمد صقر، مصر، دار المعارف، سوم، بی تا.
۱۸. الإعجاز اللغوی والبیانی فی القرآن الکریم، علی بن نایف الشحود، بی جا، بی تا.
۱۹. اعجاز بیانی قرآن، عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی، مترجم، حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، دوم، ۱۳۸۲.
۲۰. أعلام الدین، حسن بن ابی الحسن دیلمی، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، سعید الخوری شرتونی، تهران، دارالاسوه، ۱۳۷۴.
۲۲. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی نجفی، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۲۳. الأمالی، شیخ صدوق، المكتبة الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. إمتاع الأسماع، تقی الدین أحمد بن علی المقریزی، تحقیق، محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیة، أول، ۱۴۲۰ ق.
۲۵. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مکارم شیرازی ناصر، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۷، ۱۴۲۱ ق.
۲۶. انوار التنزیل و اسرار التاویل، عمر بن محمد بیضاوی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
۲۷. أوائل المقالات، شیخ مفید، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. البحر المحیط فی التفسیر، ابو حیان محمد بن یوسف اندلسی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۳۰. بحر العلوم، نصر بن محمد بن احمد سمرقندی، بی جا، بی تا.
۳۱. البداية والنهاية، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
۳۲. البرهان فی علوم القرآن، بدر الدین محمد بن عبد الله بن بهادر الزرکشی، المحقق، محمد أبو الفضل إبراهیم، بی جا، دار إحياء الكتب العربیة، أول، ۱۳۷۶ ق.
۳۳. بصائر الدرجات، محمد بن حسن بن فروخ الصفار، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، دوم، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی، بدون مشخصات دیگر.

منابع و مأخذ

۳۵. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، تهران شرکت سهامی انتشار، چهارم، ۱۳۶۲ ش.
۳۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، شانزدهم، ۱۳۸۱.
۳۷. پژوهشی در قرآن، حبیب الله احمدی، مولف، اول، ۱۳۷۶.
۳۸. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی، بی جا، دار الهدایة، بی تا.
۳۹. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، شمس الدین محمد بن احمد الذهبی، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، دوم، ۱۴۱۳ ق.
۴۰. تاریخ یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی (بالیعقوبی)، بیروت، دار صادر، بی تا.
۴۱. تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۴۲. تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوك)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق، محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، دوم، ۱۳۸۷ ق.
۴۳. تاریخ تفسیر قرآن کریم، حبیب الله جلالیان، قم، انتشارات اسوه، چهارم، ۱۳۷۸.
۴۴. تأویل الآیات الظاهرة، سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۹ ق.
۴۵. تأویل مشکل القرآن، ابن قتیبہ عبدالله بن مسلم، بدون مشخصات دیگر.
۴۶. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۷. التحریر و التنویر، محمد ابن طاهر ابن عاشور، بی نا، بی جا، بی تا.
۴۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۴۹. تسنیم، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۵۰. التفسیر الحدیث، دروزة محمد عزت، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ ق.
۵۱. تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.

درآمدی بر علوم قرآن

۵۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود العیاشی، طهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰.
۵۳. تفسیر القرآن العظيم، عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، تحقیق، اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی، مكتبة نزار مصطفى الباز، سوم، ۱۴۱۹ ق.
۵۴. تفسیر القرآن المجید، محمد بن محمد شیخ مفید، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۲۴ ق.
۵۵. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق، سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چهارم، ۱۳۶۷.
۵۶. تفسیر الکاشف، مغنیه محمد جواد، تهران دارالکتب الإسلامية، اول، ۱۴۲۴ ق.
۵۷. التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، وهبة بن مصطفى زحیلی، بیروت، دار الفکر المعاصر، دوم، ۱۴۱۸ ق.
۵۸. تفسیر الوسیط (زحیلی)، زحیلی وهبة بن مصطفى، دمشق، دار الفکر، ۱۴۲۲ ق.
۵۹. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، سلطان محمد گنابادی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۸ ق.
۶۰. تفسیر جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
۶۱. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰.
۶۲. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶۳. تفسیر مقاتل بن سلیمان، مقاتل بن سلیمان بلخی، بیروت، داراحیاء التراث، اول، ۱۴۲۳ ق.
۶۴. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶.
۶۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.

منابع و مأخذ

۶۶. تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تحقیق، محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۶۷. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، جلیل، ۱۳۸۰.
۶۸. تفسیر جلالین، جلال الدین سیوطی و جلال الدین محلی، بیروت، نور المطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۶۹. تفسیر و مفسران، محمد هادی معرفت، قم، موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹.
۷۰. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۵ق.
۷۱. تنزیه الأنبیاء (ع)، سید مرتضی علم الهدی، قم، انتشارات شریف رضی، بی تا.
۷۲. تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، الفیروز آبادی، لبنان، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۷۳. تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.
۷۴. التیسیر فی القراءات السبع، ابو عمرو عثمان بن سعید دانی، بیروت، دارالكتاب العربی، بی تا.
۷۵. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالمعرفه، اول، ۱۴۱۲ق.
۷۶. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۷۷. جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، ابو المحاسن حسین بن حسن جرجانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۷.
۷۸. جمل من انساب الأشراف، أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، تحقیق، سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، اول، ۱۴۱۷ق.
۷۹. جواهر التفسیر، حسین کاشفی سبزواری، تحقیق، جواد عباسی، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، بی تا.
۸۰. حقایق مهم حول قرآن کریم، سید جعفر مرتضی عاملی، مترجم، سید حسن اسلامی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، سوم، ۱۳۷۷.
۸۱. دائرة المعارف قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۸۲. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

درآمدی بر علوم قرآن

۸۳. درسنامه علوم قرآنی، حسین جوان آراسته، قم، بوستان کتاب، نهم، ۱۳۸۵.
۸۴. درسنامه مفردات قرآن مجید، غلامعلی همایی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، اول، ۱۳۸۶.
۸۵. دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، ابو بکر احمد بن الحسين البیهقی، تحقیق، عبد المعطی قلعجی، بیروت، دار الکتب العلمیة، أول، ۱۴۰۵ ق.
۸۶. دین شناسی، عبد الله جوادى آملی، قم، موسسه اسراء، ۱۳۸۱.
۸۷. رجال ابن داود، حسن بن علی بن داود حلّی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۸۸. رجال الشيخ (الأبواب)، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۵ ق.
۸۹. رجال العلامة الحلّی، علامه حلّی، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۹۰. الرعايه فی علم الدرايه، شهيد ثانی، زين الدين عاملى، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ ق.
۹۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، شهاب الدین سید محمود آلوسی البغدادی، بیروت، دار لکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۹۲. روشها و گرایشهای تفسیری، حسین علوی مهر، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، اسوه، ۱۳۸۱.
۹۳. روشهای تفسیر قرآن، سید رضا مودب، قم، دانشگاه قم، سوم، ۱۳۸۶.
۹۴. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی ابوالفتح رازی، تحقیق، دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۹۵. زاد المسیر فی علم التفسیر، عبدالرحمن بن علی ابن جوزی ابوالفرج، بیروت، دار الکتب العربی، اول، ۱۴۲۲ ق.
۹۶. زبدة التفاسیر، ملا فتح الله کاشانی، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۹۷. سعد السعود للنفوس منصود، سید علی بن طاووس حلّی، قم، محمد کاظم الکتبی، بی تا.
۹۸. سنن أبی داود، أبو داود سلیمان بن الأشعث السجستانی، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.

منابع و مأخذ

٩٩. السنن الكبرى، أبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي، تحقيق، عبد الغفار سليمان البنداري و سيد كسروي حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، أول، ١٤١١ق.
١٠٠. سنن ترمذی، حافظ ابی عیسی محمد بن عیسی سوره الترمذی، تحقیق، عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر، بی تا.
١٠١. سنن دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن أبو محمد الدارمی، بیروت، دارالكتاب العربی، تحقیق، فواز أحمد زمرلی، خالد السبع العلمی، أول، ١٤٠٧ق.
١٠٢. سیر أعلام النبلاء، الذهبی، تحقیق، حسین الأسد، بیروت، مؤسسة الرسالة، نهم، ١٤١٣ق.
١٠٣. شرح السنة، الحسین بن مسعود البغوی، تحقیق، شعيب الأرناؤوط، محمد زهير الشاويش، دمشق، المكتب الإسلامي، دوم، ١٤٠٣ق.
١٠٤. شعب الإيمان، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي، تحقيق، محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت، دار الكتب العلمية، أول، ١٤١٠ق.
١٠٥. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبيد الله بن احمد حسكاني، تحقيق، محمد باقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، أول، ١٤١١ق.
١٠٦. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، إسماعيل بن حماد الجوهري، تحقيق، أحمد عبد الغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، چهارم، ١٤٠٧ق.
١٠٧. صحيح البخاري، البخاري، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠١ق.
١٠٨. صحيح مسلم، مسلم النيسابوري، بيروت، دار الفكر، بی تا.
١٠٩. الصراط المستقيم، علي بن يونس نباطي بياضي، نجف، كتابخانه حيدريه، ١٣٨٤ق.
١١٠. صيانه القرآن من التحريف، محمد هادي معرفت، قم، تمهيد، ١٣٨٦.
١١١. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع الهاشمي البصري، تحقيق، محمد عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، أول، ١٤١٠ق.
١١٢. الطرائف، سيد علي بن موسى بن طاوس، قم، چاپخانه خيام، ١٤٠٠ق.

درآمدی بر علوم قرآن

۱۱۳. الظاهرة الاستشراقية و أثرها في الدراسات الإسلامية، سالم الحاج، طرابلس، منشورات الجامعة المفتوحة، ۱۹۹۷م.
۱۱۴. العُجاب في بيان الاسباب، ابن حجر عسقلاني، بيروت، دار ابن حزم، ۲۰۰۲ م.
۱۱۵. علل الشرائع، شيخ صدوق، قم، انتشارات مكتبة الداوری، بی تا.
۱۱۶. علم الحديث و درايه الحديث، كاظم مدير شانه چی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه، ۱۳۷۹.
۱۱۷. علوم القرآن الكريم، نور الدين عتر، دمشق، مكتبة الصباح، ششم، ۱۴۱۶ق.
۱۱۸. علوم قرآن؛ چيستی، چرايی و چگونگی، علی اوسط باقری، مجله قرآن شناخت، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني (ره)، ش ۱، بهار- تابستان ۱۳۷۸.
۱۱۹. علوم قرآنی، محمد هادی معرفت، قم، موسسه فرهنگي تمهيد، هفتم، ۱۳۸۵.
۱۲۰. عوالی الآلی، ابن ابی جمهور احسائي، قم، انتشارات سيد الشهداء (ع)، ۱۴۰۵ق.
۱۲۱. غريب القرآن (ابن قتيبة)، عبدالله بن مسلم ابن قتيبه، بدون مشخصات ديگر.
۱۲۲. فتح الباری في شرح صحيح البخاری، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، تحقيق، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، بيروت، دار المعرفة، ۱۳۷۹.
۱۲۳. الفرقان فی تفسير القرآن بالقرآن، محمد صادقی تهرانی، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۶۵.
۱۲۴. فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، لويس معلوف، ترجمه احمد سياح، تهران، كتابفروشی اسلام، ششم، ۱۳۷۷.
۱۲۵. فرهنگ فارسی، محمد معین، تهران، اميرکبير، ۱۳۷۵.
۱۲۶. الفروق اللغوية، أبو هلال العسكري، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۲۷. فضائل القرآن، أبو عبید القاسم بن سلام بن عبد الله الهروي، تحقيق، مروان العطية و محسن خرابة و وفاء تقی الدين، دمشق، دار ابن كثير، ۱۴۲۰ق.

منابع و مأخذ

۱۲۸. فهرست ابن النديم، ابن النديم البغدادي، تحقيق، رضاتجدد، بدون مشخصات ديگر.
۱۲۹. قاموس قرآن، سيد علي اكبر قرشي، تهران، دار الكتب الإسلامية، ششم، ۱۳۷۱.
۱۳۰. القرآن في الاسلام، السيد محمد حسين الطباطبائي، تحقيق، السيد أحمد الحسيني، بي جا، بي تا.
۱۳۱. قرآن هرگز تحريف نشده، حسن حسن زاده آملی، مترجم، عبداعلي محمدی شاهرودی، قم، انتشارات قيام، اول، ۱۳۷۱.
۱۳۲. القرآن وإعجازه العلمي، محمد إسماعيل ابراهيم، بيروت، دار الفكر العربي، دار الثقافة، بي تا.
۱۳۳. الكافي، ثقة الإسلام الكليني، تهران، دار الكتب الإسلامية، چهارم، ۱۳۶۵.
۱۳۴. الكامل في التاريخ، عز الدين أبو الحسن علي بن أبي الكرم المعروف بابن الأثير، بيروت، دار صادر / دار بيروت، ۱۳۸۵ ق.
۱۳۵. كتاب السبعة في القراءات، أبو بكر أحمد بن موسى بن العباس بن مجاهد التميمي البغدادي، تحقيق، د. شوقي ضيف، قاهره، دارالمعارف، دوم، ۱۴۰۰ ق.
۱۳۶. كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدى، قم، انتشارات هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۳۷. كتاب المعرفة و التاريخ، أبو يوسف يعقوب بن سفيان البسوى، تحقيق اكرم ضياء العمرى، بيروت، مؤسسة الرسالة، دوم، ۱۴۰۱ ق.
۱۳۸. الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، محمود زمخشري، بيروت، دار الكتب العربى، سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۳۹. كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، جمال الدين حلى، قم، مكتبة المصطفوى، بي تا.
۱۴۰. كشف اليقين، العلامة الحلى، قم، مؤسسة النشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى، أول، ۱۴۱۱ ق.
۱۴۱. الكشف و البيان عن تفسير القرآن، ابو اسحاق احمد بن ابراهيم ثعلبى نيشابورى، بيروت، دار احياء التراث العربى، اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۴۲. كشف الغمة، على بن عيسى الإربلى، تبريز، مكتبة بنى هاشمى، ۱۳۸۱.
۱۴۳. كمال الدين، شيخ صدوق، قم، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۹۵ ق.

درآمدی بر علوم قرآن

١٤٤. كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين على بن حسام الدين المتقى الهمندى، محقق، بكري حيانى، صفوة السقا، مؤسسة الرسالة، پنجم، ١٤٠١ق.
١٤٥. كوثر، يعقوب جعفرى، بدون مشخصات ديگر.
١٤٦. لباب التاويل فى معانى التنزيل، علاء الدين على بن محمد بغدادى، تحقيق، محمد على شاهين، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
١٤٧. لباب النقول فى أسباب النزول، جلال الدين السيوطى، تصحيح، أحمد عبد الشافى، بيروت، دار الكتب العلمية، بى تا.
١٤٨. لسان العرب، محمد بن مكرم ابن منظور، بيروت، دار صادر، سوم، ١٤١٤ق.
١٤٩. لغتنامه، على اكبر دهخدا، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، ١٣٣٨.
١٥٠. مباحث فى علوم القرآن، صبحى الصالح، بيروت، دار العلم للملايين، ٢٠٠٠م.
١٥١. مباحث فى علوم القرآن، مناع القطان، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، سوم، ١٤٢١ق.
١٥٢. مباحث فى اعجاز القرآن، جاحظ، دمشق، دار العلم، ١٤٢٠ق.
١٥٣. مجاز القرآن، ابو عبيده معمر بن مثنى، تحقيق، محمد فواد سزگين، قاهره، مكتبة الخانجى، ١٣٨١ق.
١٥٤. مجمع البحرين، فخر الدين طريحي، تهران، كتابفروشى مرتضوى، سوم، ١٣٧٥.
١٥٥. مجمع البيان، فضل بن حسن طبرسى، بيروت، دارالمعرفه للطباعة و نشر، ١٤٠٨ق.
١٥٦. مجمل التواريخ و القصص، مجهول، تحقيق، ملك الشعراء بهار، تهران، كلاله خاور، بى تا.
١٥٧. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، قم، دار الكتب الإسلامية، ١٣٧١ق.
١٥٨. المحكم فى نقط المصاحف، أبو عمرو عثمان بن سعيد الدانى، تحقيق، عزة حسن، دمشق، دار الفكر، دوم، ١٤٠٧ق.
١٥٩. المحيط فى اللغة، صاحب بن عباد، تحقيق، محمد حسن آل ياسين، بيروت، بى نا، أول، ١٩٩٤م.

منابع و مأخذ

١٦٠. المستدرك على الصحيحين، محمد بن عبدالله الحاكم النيسابوري، تحقيق، مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، أول، ١٤١١ ق.
١٦١. مستدرك الوسائل، محدث نوري، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤٠٨ ق.
١٦٢. مسند احمد، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، القاهرة، مؤسسة قرطبة، بی تا.
١٦٣. المصاحف، أبو بكر عبد الله بن سليمان بن الأشعث بن إسحاق السجستاني، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٩٥ م.
١٦٤. مصباح المنير، احمد بن محمد فيومي، بدون ديگر مشخصات.
١٦٥. معجم القراءات القرآنية، مختار عمر و عبدالعلا احمد سالم مكرم، تهران، اسوه، ١٤١٢ ق.
١٦٦. معجم مقاييس اللغة، أبي الحسين أحمد بن فارس بن زكريا، المحقق، عبد السلام محمد هارون، بی جا، اتحاد الكتاب العرب، ١٤٢٣ ق.
١٦٧. معرفه القراء الكبار، محمد بن احمد بن عثمان ذهبي، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، الرساله، ١٤٠٤ ق.
١٦٨. معرفه علوم الحديث، حافظ ابي عبدالله حاكم نيشابوري، مدينه، مكتبه العلميه، ١٣٧٩.
١٦٩. مفاتيح الغيب، فخرالدين رازي، بيروت، دار احياء التراث العربی، سوم، ١٤٢٠ ق.
١٧٠. المفردات فی غريب القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهانی، تحقيق، صفوان عدنان داودی، بيروت / دمشق، دارالعلم / الدار الشاميه، اول، ١٤١٢ ق.
١٧١. ممد الهمم در شرح فصوص الحکم، حسن حسن زاده آملی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، اول، ١٣٧٨.
١٧٢. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، محمد بن علي بن بابويه قمی، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دوم، ١٤١٣ ق.
١٧٣. المناقب، ابن شهر آشوب المازندرانی، قم، مؤسسة العلامة للنشر، ١٣٧٩ ق.
١٧٤. مناهل العرفان فی علوم القرآن، محمد عبد العظيم الزرقاني، بی جا، مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه، سوم، بی تا.

درآمدی بر علوم قرآن

۱۷۵. المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، أبو الفرج ابن الجوزی، تحقیق، محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا، بیروت، دار الكتب العلمية، أول، ۱۴۱۲ق.
۱۷۶. المنقذ من الضلال، أبو حامد الغزالی، بدون مشخصات دیگر.
۱۷۷. الميزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، قم، انتشارات الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۷۸. الناسخ و المنسوخ، أحمد بن محمد بن إسماعیل المرادی النحاس أبو جعفر، تحقیق، محمد عبد السلام محمد، الكويت، مكتبة الفلاح، أول، ۱۴۰۸ق.
۱۷۹. الناسخ و المنسوخ فی القرآن الكريم، علی بن أحمد بن سعید بن حزم الظاهري، تحقیق، عبد الغفار سليمان البنداری، بیروت، دار الكتب العلمية، أول، ۱۴۰۶ق.
۱۸۰. نزهت قرآن از تحریف، عبدالله جوادی آملی، تحقیق، علی نصیری، قم، اسرا، ۱۳۸۳.
۱۸۱. النشر فی القرائات، ابوالخیر محمد بن محمد ابن جزری، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۸۲. النهاية فی غریب الحديث والأثر، أبو السعادات المبارك بن محمد الجزری، تحقیق، طاهر أحمد الزاوی، محمود محمد الطناحی، بیروت، المكتبة العلمية، ۱۳۹۹ق.
۱۸۳. نهج البیان عن كشف معانی القرآن، محمد بن حسن شیبانی، تحقیق، حسین درگاهی، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۸۴. نواسخ القرآن، ابن الجوزی، بیروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
۱۸۵. الوافی، محمد محسن ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود فیض کاشانی، محقق، ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع)، أول، ۱۴۰۶ق.
۱۸۶. وحی شناسی، مصطفی کریمی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.
۱۸۷. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.